

# سید جمال الدین شمس

سید جمال الدین شمس

بہ سفارش

موسسہ بین المسلمین ہیکل رانی فرہنگ ہا

# خطاب سید جمال

سید جمال الدین شمس

به سفارش

موسسه بین المللی بکریانی فریمنٹ ہا

سرشناسه: شمس، جمال‌الدین، ۱۳۵۱.  
عنوان و نام پدید آور: سرانجام جهان آشفته / نویسنده جمال‌الدین شمس؛ مترجم  
مقداد ترابی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات مؤلفان، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: ۹۵۰۰۰ ریال: 978-600-90807-2-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: فارسی - انگلیسی.

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: S.Jamaloddin Shams. Destiny of the  
Chaotic World

موضوع: آشوب (مسیحیت)

موضوع: آفرینش

شناسه افزوده: ترابی، مقداد، ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ش / ۶۹۵ BT

رده بندی دیویی: ۲۳۱/۷۶۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۸۵۳۸۸

## سرانجام جهان آشفته

نویسنده: سید جمال‌الدین شمس

ناشر: انتشارات مؤلفان

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۸

چاپخانه: سپهر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۹۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۰۷-۲-۴

کلیه حقوق محفوظ می‌باشد.

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

مترجم: سید مقداد ترابی؛ صفحه‌آرایی و طرح جلد: فاضل چوبین؛ هماهنگی نشر: سید پیمان لاجوردی

**MPC**  
MOALLEFAN  
PUBLISHING CO.

قم، ص. پ ۱۲۸ - ۲۷۱۶۵ / فکس: ۲۸۵۸۵۵۲ - ۲۵۱ / تلفن: ۲ و ۲۸۵۸۵۵۱ - ۲۵۱  
P.O Box: 37165 - 138, Qom, Iran / Tel: (+98 251) 2858551 - 2 / Fax: (+98 251) 2858553

مؤلفان  
انتشارات

پیدایش آشفته‌گی‌ها در جهان به چه زمانی باز می‌گردد؟ پرسشی که دریافت پاسخ آن به مادر شناخت مبدأ و علت بروز و گسترش آشفته‌گی‌ها یاری می‌رساند و از سوی دیگر سرانجام جهان آشفته را نیز برایمان ترسیم می‌نماید که آیا پایانی برای آشفته‌گی‌های جهان وجود دارد یا آنکه تا لحظه انقراض عالم، نابسامانی‌ها جهان را دربر گرفته است.

دیر زمانی است که دنیا آنقدر آشفته گردیده که بسیاری از انسان‌های صبر از کف داده را به این اندیشه و پرسش وا داشته که اصلاً ما برای چه در این جهان آفریده شده‌ایم؟ آفریده شده‌ایم که در میان انبوه دروغ و فریب و هواپرستی، حسادت و تنگ‌نظری و کبر و رزی، غارت و چپاول و کشتار، ظلم و تبعیض و برادرکشی، فساد و زشتی و شهوت رانی، لجاجت و خیره‌سری، دسیسه و توطئه‌گری، تحقیر و توهین، فقر و گرسنگی، بیماری و پریشان‌حالی، و ناکامی‌ها و درماندگی‌ها دست و پا زده و روزها را به سختی با آرزوی مرگ و پایان زندگی سپری نماییم؟ مگر خدای خالق هستی برای بشر پاکی و سلامت، شایستگی و زیبایی، احسان و نیکوکاری و سعادت و به‌زیستی را نمی‌خواست؟ اگر او برای انسان چنین می‌خواهد، پس چرا سرانجام بشریت بدین جا کشیده شده است؟

هنگامی که آفریدگار تصمیم داشت آدم - انسان نخستین - را بیافریند آنرا با ملائکه در میان گذاشت. آنان از این تصمیم به شگفتی در آمدند



و گفتند: آیا می‌خواهی موجودی را بیافرینی که بر روی زمین فساد و خونریزی می‌کند؟! خداوند در پاسخ به ملائکه تنها به این جمله اکتفا نمود که آنچه را من می‌دانم شما نمی‌دانید! <sup>۱</sup> گویی ملائکه با این خلقت جهانی سرشار از آشفتگی را می‌دیدند و خداوند سرانجام جهان آشفته را مدّ نظر داشته است. چرا که امروز نیز بشریت با پرسش همراه با شگفتی و تعجب ملائکه در بدو خلقت انسان مواجه است و هنوز حکمت و فلسفه این آفرینش آشکار نگردیده است.

سپس چنانکه در قرآن و انجیل آمده است خداوند آدم را از گِل آفرید و روح را در او دمید و به وی زندگانی بخشید. <sup>۲</sup> به او علم و دانش

۱. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۳۰؛

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.  
 هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد؛ فرشتگان گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! [اگر هدف از آفرینش انسان، عبادت است] ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

۲. انجیل برنابا، فصل ۲۳؛

(۲۰) از گِل زمین خدای جسد را آفرید. (۲۱) سپس در آن دم زندگانی دمید به نفخه‌ای در آن.

قرآن کریم، سوره‌ی سجده، آیات ۷-۹؛

﴿وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ... وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ﴾.

و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد... و از روح خویش در وی دمید.

آموخت<sup>۱</sup> و چنان جایگاه رفیعی به وی عطا فرمود که او را مستوجب سجده ملائکه دانست و به آنان دستور داد تا بر آدم سجده کنند تا حدی که ابلیس -یکی از فرشتگان- را که از سجده در برابر آدم خودداری ورزید از درگاه خویش راند.<sup>۲</sup> برای آدم -انسان نخستین- همسری آفرید و او و همسرش را در بهشت -جایی که آکنده از زیبایی و نعمت و همه مواهب و نیکی‌هاست- جای داد و به آنها این فرصت را بخشید که از هر چه می‌خواهند بخورند و بنوشند و بهره‌مند شوند؛ تنها میوه یک درخت را برای آنان مضر دانست و آنها را از نزدیک شدن به آن درخت برحذر داشت.<sup>۳</sup>

۱. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۳۱؛

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾.

و علم اسماء [دانش اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را به تمامی به آدم آموخت.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۳۴؛

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾.

و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: در برابر آدم، سجده و خضوع کنید؛ همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید. از اینرو از کافران شد.

۳. انجیل برنابا، فصل ۳۹؛

(۲۹) پس چون خدای انسان را تنها دید فرمود: خوش نیست اینکه تنها باشد. (۳۰) از اینرو او را در خواب کرد. (۳۱) گرفت دنده‌ای را از سمت دل. (۳۲) آنجا را پر کرد از گوشت. (۳۳) آفرید از آن حوا را. (۳۴) آن گاه آن را گردانید زن برای آدم. (۳۵) آن وقت آن دو را سروران بهشت قرار داد. (۳۶) به ایشان فرمود: بنگرید به درستی که عطا می‌کنم شما را هر ثمری که بخورید از آن، به جز سیب و گندم. (۳۷) پس فرمود:

آن دوران برترین روزگار زندگانی بشر را شکل می‌دهد. روزگاری که رابطه انسان با خدا در بهترین صورت و صمیمانه‌ترین حالت قرار داشته است. آدم به خدا که منشاء و مرکز علم و دانش هستی است دسترسی داشته، پرسش‌های خود را بی‌درنگ از او سؤال می‌نموده و به بهترین وجه از جانب پروردگار راهنمایی و هدایت می‌شده. مورد لطف و محبت بی‌واسطه پروردگار بوده و در کمال آرامش و صحت از همه مواهب خلقت در بهشت بهره‌مند می‌گردیده؛ و چنانچه اوضاع به همین ترتیب ادامه می‌یافت بشر به کمال علم و دانش و معرفت و به سعادت و کامیابی مطلق نائل می‌گشت. گویا هدف اولیه از خلقت آدم نیز همین بوده است.<sup>۱</sup> لیکن متأسفانه برخلاف هشدار پروردگار، آدم

➤ حذر کنید از این که بخورید چیزی را از این ثمرها. (۳۸) زیرا شما ناپاک خواهید شد. (۳۹) در اینصورت نمی‌پسندم برای شما که در اینجا باقی باشید؛ بلکه خواهم راند شما را و فرود می‌شود به شما بدبختی بزرگ.

قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۳۵؛

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾.

و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌های آن هر چه می‌خواهید بخورید؛ لیکن نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد.

۱. قرآن کریم، سوره‌ی تین، آیات ۴ و ۵؛

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ \* ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾.

ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم \* سپس او را به پایین‌ترین مرحله باز گرداندیم.

و حوّا دستخوش وسوسه شیطان گردیده و به نافرمانی خداوند دست زدند. این نافرمانی موجب به هم خوردن رابطه انسان با خدا گردید. رانده شدن از بهشت و هبوط به زمین، کیفر نافرمانی آدم تعیین گردید.<sup>۱</sup>

۱. انجیل برنابا، فصل ۴۰؛

(۱۳) پس شیطان دگرگون شد برای آن زن [حوّا] به صورت فرشته‌ی خوشروئی و گفت او را: چه جهت دارد که نمی‌خوردی از این سیب و این گندم؟ (۱۴) حوّا جواب داد: خدای به ما فرموده، به درستی که اگر ما از آنها بخوریم ناپاک می‌شویم و از آن روی ما را از بهشت خواهد راند. (۱۵) پس شیطان جواب داد: او راست نگفته... (۱۹) او جز این نیست که شما را این گفته تا همسر او نشوید. (۲۰) لیکن هرگاه تو و شوهرت به پند من عمل کنید، پس به درستی که شما خواهید خورد از این ثمرها چنانکه از غیر آنها می‌خورید... (۲۳) در اینصورت شما همسر خدای میشوید. (۲۴) پس گرفت حوّا آن وقت و خورد از این ثمرها. (۲۵) چون جفتش بیدار شد او را خبر داد به هر آنچه شیطان گفته بود. (۲۶) پس برداشت از آنها آنچه را که پیش کرد زن او برای او و خورد. (۲۷) در بین اینکه طعام فرو شده بود آدم یاد آورد سخن خدای را.

انجیل برنابا، فصل ۴۱؛

(۱) آن وقت هر دوشان دریافتند که ایشان برهنه‌اند. (۲) پس از آن رو شرم نمودند و برگ‌های انجیر را گرفتند و جامه برای عورت خود ساختند. (۳) پس چون زوال ظهر شد، ناگاه جبروت خدای ظاهر شد و آدم را ندا در داد: آدم کجایی تو؟ (۴) آدم جواب داد: ای پروردگار! پنهان شده‌ام، زیرا من و زن من برهنه‌ایم. بدین سبب حیا می‌کنیم که فرا شویم. (۵) پس خدای فرمود: از شما کسی نمی‌ستاند پوشش شما را مگر اینکه از آن ثمر خورده و به سبب آن نجس شده باشید. (۶) ممکن نمی‌شود شما را که پس از این در بهشت درنگ نمایید.



➤ (۷) آدم جواب داد: ای پروردگارا! همانا آن زنی که به من عطا فرمودی از من طلب نمود که بخورم؛ پس خوردم از آن. (۸) آن وقت خدای زن را فرمود: چه جهت داشت که به جفت خود طعامی مانند این دادی؟ (۹) حوا جواب داد: بدرستی که شیطان مرا فریب داد؛ پس خوردم....

(۱۲) پس خدای به آدم فرمود: باید زمین به عمل تو ملعون باشد. زیرا تو گوش دادی به سخن زن خود و آن ثمر را خوردی. (۱۳) باید برویاند برای تو خشک و خار را. (۱۴) باید بخوری نان را به عرق جبین خود. (۱۵) یادآور که تو خاکی و به خاک بر خواهی گشت. (۱۶) آن گاه با حوا تکلم نموده فرمود: تویی آنکه به شیطان گوش دادی. (۱۷) به جفت خود آن طعام را خوراندی. پس درنگ خواهی کرد زیر تسلط مرد که با تو چون کنیز رفتار کند. (۱۸) پس بر می‌داری اولاد را به رنج....

(۲۲) پس خدای شیطان را بعد از آن آواز کرد. پس آمد خندان. (۲۳) فرمود او را: چون تو - ای رجیم - فریب دادی این دو را و گردانیدی ایشان را ناپاک، می‌خواهم داخل کنی در دهان خود هر نجاست را که در ایشان و در فرزندان ایشان است. هر وقتی که توبه کنند و مرا به راستی عبادت نمایند از ایشان بیرون شود آن نجاست، پس بگردی شکم پر شده به نجاست. (۲۴) شیطان فریاد برآورد، فریاد ترسناکی. (۲۵) گفت: چون تو می‌خواهی که بنمایی مرا بدتر از آنچه من برانم، پس بدرستی که من بگردانم خود را چنانکه باید بشوم. (۲۶) آن وقت خدای فرمود: بازگرد ای لعین از حضور من.

(۲۸) آن گاه خدای به آدم و حوا - که سخت می‌گریستند - فرمود: بیرون شوید از بهشت.

قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۳۶؛

﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا﴾.

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد و آنان را از جایگاهی که در آن قرار داشتند بیرون کرد. [در این هنگام] به آنان گفتیم: همگی به زمین فرود آید.

اگر چه پس از آن نافرمانی، آدم از کرده خود اظهار پشیمانی نموده و توبه کرد و خداوند نیز توبه او را پذیرفت<sup>۱</sup> لیکن هیچگاه رابطه او با خدا به حالت اولیه باز نگشت و او که از مرتبه عالیّه خویش تنزل یافته بود، دیگر به جایگاه رفیع معنوی و مادی قبل باز گردانیده نشد. آدم محکوم گردید به اینکه برای زمان نامعینی به زمین هبوط نماید و با تلاش خود و به سختی نیازهای مادی و معنوی خود را - که پیش از این به سهولت در دسترسش قرار داده شده بود - تأمین نماید؛ و خداوند دانا و آگاه پیش بینی نمود که این نافرمانی‌ها از سوی فرزندان آدم نیز همچنان تکرار گردد تا حدی که موجب دشمنی و عداوت عده‌ای از آنان با عده دیگر گردد؛<sup>۲</sup> بدین صورت که به حقوق یکدیگر تعدی و تجاوز نمایند، به فرو پاشی سجایای اخلاقی دست زنند، و با حسد و رزی و کینه، زیاده خواهی و چپاول، دروغ و نیرنگ، خدعه و فریب، تکبر و خود خواهی، کشتار و خونریزی و دهها نافرمانی دیگر، در میان خود آتش افروزی نمایند.

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۷؛

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾.

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت نمود [و بدین ترتیب توبه کرد] و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که پروردگار توبه‌پذیر و مهربان است.

۲. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۶؛

﴿وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾.

به آنها گفتیم: همگی به زمین فرود آید، در حالیکه بعضی دشمن دیگری خواهید بود، و زمین تا مدتی قرارگاه و وسیله بهره برداری شما خواهد بود.

با این حال خداوند امید را در دل آدم زنده نگه داشت و به او نوید داد که اگر چه فاصله انسان با خدا به جهت این نافرمانی‌ها همواره زیاد می‌شود لیکن در انتهای عالم - آخر الزمان - با پیدایش نجات دهنده‌ای از میان فرزندان آدم، آشفته‌گی‌های جهان برچسبیده می‌شود و نابسامانی‌ها به سامان در آمده، نافرمانی‌ها از میان برداشته می‌شود و دیگر بار با بازگشت منجی رابطه انسان با خدا به حداقل می‌رسد.<sup>۱</sup>

---

۱. انجیل برنابا، فصل ۴۱؛

(۲۸) آن گاه خدای به آدم و حوا - که سخت می‌گریستند - فرمود: بیرون شوید از بهشت،  
 (۲۹) پس جهاد کنید با بدن‌های خودتان و ناتوان نشود امید شما، (۳۰) زیرا می‌فرستم  
 فرزند شما را به نحوی که ممکن شود برای او تا بردارد گمراهی شیطان را از  
 جنس بشری. (۳۱) زیرا زود است عطا کنم رسول خدا را و زود است بیاید هر چیزی  
 را. (۳۲) پس جبروت خدای در پرده شد و راند ایشان را فرشته میخائیل از فردوس.  
 (۳۳) چون آدم ملتفت شد، دید مکتوبی را بالای دروازه که: لا اله الا الله محمد  
 رسول الله. (۳۴) پس این وقت گریست و گفت: ای فرزند! شاید خدای بخواهد که  
 بزودی بیایی و ما را از این بدبختی برهانی.

تلاش برای بهبود آشفته‌گی



در این میان خداوند از بدو پیدایش آدم تاکنون از میان انسانها افرادی پاک و صالح را برگزیده و با الهام اسرار غیبی جهان آفرینش به آنان، سعی در هدایت انسان بسوی راه و روش صحیح داشته است. شمار این افراد که از آنان با عنوان انبیاء الهی یاد می‌شود، به یکصد و بیست و چهار هزار تن می‌رسد که در میان آنان شخصیت‌هایی همچون حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی بن مریم و حضرت محمد - که سلام و رحمت خداوند بر آنان باد - از دیگران مشهورتر و برجسته‌ترند.

فرستادگان الهی هر یک با ارائه‌ی آئینی از سوی پروردگار در صدد پایان بخشیدن به آشفتگی‌های جهان بر آمده و در صدد دستیابی به سعادت و رستگاری بشر بوده‌اند. لیکن آنچه به عنوان ادیان زنده عصر حاضر از آن می‌توان یاد نمود مسیحیت و اسلام است. چرا که این دو، تنها آئین آسمانی در میان انسانها هستند که برگزیدگان و فرستادگان الهی‌شان همچنان در جهان زنده و حاضرند. سایر انبیاء الهی هر یک تنها در دوره‌ای که می‌زیسته‌اند به اداء رسالت خویش پرداخته‌اند و در پایان در میان امت خود جان سپرده و با مرگ روبرو گردیده‌اند. سپس با گذر زمان آئین و کتاب آسمانی‌شان نیز رفته رفته از دسترس پنهان گردیده



تا حدی که گویی در تاریخ مدفون شده است، و اگر از آنان سوابق مستند و موجّهی بجای مانده همان مقداری است که در منابع اسلام و مسیحیت از آن یاد شده؛ در حالیکه پیامبر آئین مسیحیت حضرت عیسی بن مریم علی رغم گذشت بیش از دو هزار سال همچنان زنده است و به آسمان عروج نموده، و نماینده پیامبر اسلام که فرزند و همنام وی می باشد نیز با گذشت بیش از یکهزار و دوست سال همچنان زنده است و بصورت ناشناس بر روی زمین زندگی می کند. تنها پیروان این دو آئین آسمانی هستند که در انتظار ظهور دوباره پیامبر و امام خویش برای پایان بخشیدن به آشفتگی های جهان به سر می برند، و پیروان سایر ادیان و فرستادگان الهی، تلاش پیامبر آئین خود را برای بهبود نابسامانی های جهان پایان یافته می بینند و صرفاً به معجزه ای نوین در انتهای عالم چشم دوخته اند؛ آن هم بر اساس پیش گویی و نویدی که پیامبرشان در این خصوص در زمان حیاتش به پیشینیان آنان داده است. گویا همین ویژگی پر اهمیت باعث گردیده حضرت مسیح در انجیل به پیش گویی درباره رسالت حضرت محمد ﷺ پس از خود بپردازد و آمدن او را به مسیحیان جهان بشارت دهد<sup>۱</sup> و نیز پیامبر اسلام در کتاب آسمانی اش - قرآن - به تفصیل درباره زندگی حضرت عیسی بن مریم علیها السلام سخن براند و از اسرار تولد و عروج وی به آسمان پرده برداری نماید.<sup>۲</sup>

۱. انجیل برنابا، فصل ۴۴؛

(۲۷) چه با سعادت است زمانی که زود است بیاید در آن زمان به سوی جهان.

۲. قرآن مجید، سوره ی مریم و آل عمران.

چرا که خداوند بلند مرتبه چنین اراده فرموده که برگزیدگان و فرستادگان این دو آئین یکتا پرستی را تا انتهای عالم بصورت زنده و پایا نگه دارد و چنان که به هنگام هبوط، به آدم نوید داده است سرانجام جهان آشفته را به وسیله‌ی آنان سامان بخشد و کرامت و تعالی را به تمامی به انسان بازگرداند.

عیسی بن مریم علیه السلام - که تولدش خود معجزه‌ای عظیم و بی نظیر در طول زندگی انسان بر روی زمین به شمار می‌رود - نهیبی بود از جانب پروردگار برای بشریت تا به نافرمانی‌ها و انحرافاتش پایان دهد و تحوّل بنیادی در اندیشه و کردار خود به وجود آورد. <sup>۱</sup> گویی همین که خداوند آفرینش آدم - نخستین انسان - را بدون داشتن پدر و مادر با تولد مسیح از مادری باکره دیگر بار برای انسانها به تصویر کشید کافی بود برای اینکه مردم با مشاهده شگفتی خلقت انسان و جلوه دانش و قدرت بی‌همتای الهی در مسیر شایسته آن گونه که خدای از آنها انتظار دارد قرار گیرند و خود به بهبود آشفته‌گی‌های جهان اهتمام ورزند. این تولد پس از آنکه دهها هزار تن از انبیاء الهی به هدایت گری و راهنمایی انسان در گذر زمانی طولانی پرداخته بودند و او همواره از گام نهادن در مسیر درست سرباز

---

۱. انجیل برنابا، فصل ۴۲:

(۱۰)...منم آوازی فریاد کننده در همه‌ی یهودیه (۱۱) که فریاد می‌کند: آماده سازید راه فرستاده‌ی پروردگار را آن گونه که نوشته شده است در اشعیا.

قرآن مجید، سوره‌ی مریم، آیه ۳۴:

﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾.

این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقی که در آن تردید می‌کنند.

زده بود اتمام حجّتی بود از سوی پروردگار برای انسان‌ها. لیکن متأسفانه فرزندان آدم نه تنها آنرا معجزه‌ای عبرت‌آموز از سوی آفریدگار قلمداد نمودند، بلکه با نگاهی گذرا بدان، در فهم آن دچار اشتباه شدند. چرا که آنان این گونه ننگریستند که معجزه، عملی است خارق العاده که از سوی پروردگار برای مجاب نمودن بندگان به تسلیم در برابر خواست و اراده او صورت می‌پذیرد و مسیح که از مادری پاک دامن و باکره متولد گردیده، از معجزات الهی به شمار می‌آید. بلکه آنان تصوّر نمودند که چون مسیح پدری از جنس انسان ندارد پس او پسر خداست، و این تصوّر ساده اندیشانه رفته رفته در میان مسیحیان به باور و اعتقاد تبدیل شد، غافل از آنکه اگر می‌بایست هر مخلوق بی‌پدری فرزند خدا باشد آدم - انسان نخستین - به این امر اولی است.<sup>۱</sup>

۱. قرآن مجید، سوره‌ی آل عمران، آیه ۵۹؛

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾.

مَثَل عیسی در نزد خدا همچون آدم است، که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: موجود باش! او هم بی‌درنگ موجود شد. [بنابراین ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت وی نیست].

انجیل برنابا، فصل ۵۵؛

(۳۳) آنکه اکنون با شما سخن می‌دارد، گوید: ای پروردگار! به درستی که تمام جهان را شیطان گمراه نمود؛ پس گفت همانا من پسر و شریک توأم. (۳۴) لیکن کتابی که مرا عطا فرمودی گفته که حقاً، به درستی که من بنده توأم.

انجیل برنابا، فصل ۵۳؛

(۳۵) ...ملعون باد هر کسی که درج کند در گفته‌های من این را که من پسر خدایم.

گویا تولد یحیی در آن عصر در شرایطی که پدرش زکریا در فرط پیری و کهنولت سن به سر می‌برد و مادرش نیز نازا و عقیم بود بدان جهت رخ داد تا زمینه بروز معجزه‌ای بزرگ‌تر فراهم گردد و نشانه‌ای از قدرت آفریدگار برای مردم باشد تا دریابند که اگر او بخواهد می‌تواند به پیری کهنسال و همسری نازا فرزند عطا فرماید، چنان که اگر اراده کند می‌تواند دوشیزه‌ای باکره را نیز صاحب فرزند نماید.<sup>۱</sup>

➤ بشارات عهدین، نوشته محمد صادقی تهرانی، صفحه ۶۴:

باید از عیسویان پرسید: چگونه خدای پسر (عیسی) که به زعم شما جوهر و ذاتش با خدای پدر برابر است؛ هنگامی به خدای پدر در خلقت کائنات کمک می‌دهد و گاهی هم چنان ناتوان است که بندگان خدای پدر او را به دار می‌آویزند؟! آیا مقتول و مصلوب همان خدای پدر است که کائنات پس از وی بدون خدا مانده، و یا خدای پسر است که در این صورت قسمتی از جوهر ذات خدای پدر، شهید ناتوانی و ضعف فرزندش شده است. اگر ذات عیسی ذات خداست؛ پس کمک دادن و یا کمک خواستن عیسی از وی، و نماز و دعا در برابرش خواندن، و مصلوب شدنش چیست؟ و اگر غیر اوست؛ ذات او غیر ذات خدا و بلکه آفریده و بنده او، و فرزند انسان است. (چنانکه هشتاد مرتبه در اناجیل اعتراف کرده که من فرزند انسانم). پس این تناقض گویی‌ها از چیست؟

۱. قرآن مجید، سوره‌ی مریم، آیات ۲-۹:

﴿ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا \* إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا \* قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا \* وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا \* يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا \* يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ

مسیحیان بر اساس آنچه پیشینیان‌شان در ظاهر مشاهده نموده بودند، بر این باورند که مریم مادر مسیح پس از آبستن شدن از ترس اینکه به غضب طایفه‌اش مبتلا گردد و او را با تهمت زنا سنگ باران کنند از میان عشیره‌ی خود، شوهری خوش کردار و پرهیزگار به نام یوسف برای خویش برگزید، و از آنجا که یوسف از محرمات الهی خودداری می‌نمود و همواره به خدای تقرب می‌جست وقتی متوجه آبستن بودن مریم شد، از وی دوری گزید. لیکن در خواب فرشته‌ی الهی را دید که او را بر این رفتار سرزنش می‌نماید و به او هشدار می‌دهد که آنچه برای مریم پیش آمده، به خواست خدای حکیم روی داده و نزدیک است از مریم

---

➤ سَمِيًّا \* قَالَ رَبِّ اَنْتَ يَكُونُ لِي غُلَامًا وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا \* قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هَيِّئٍ وَقَدْ خَلَقْتَنِيْ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا \* .

یادی از رحمت پروردگار نسبت به بنده‌اش زکریا\* در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه پنهان خواند\* گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده، و شعله‌ی پیری تمام سرم را فرا گرفته، و من هرگز در دعا از اجابت محروم نبوده‌ام\* من از بستگانم بعد از خودم بی‌مناکم [که آئین تو را نگاه ندارند] و همسرم نیز نازا و عقیم است؛ تو از نزد خویش جانشینی به من عطا فرما\* تا وارث من و دودمان یعقوب باشد، و او را مورد خشنودی‌ات قرار ده\* ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است، و پیش از این همانمی برای او قرار نداده‌ایم\* گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالیکه همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از فرط پیری افتاده شده‌ام!\* فرمود: همینطور است، لیکن این برای ما آسان است همان گونه که قبلاً تو را آفریدیم در حالی که چیزی نبود.



عذرا پسری - قدوس خدا - متولد گردد که او را یسوع بنامند، و او همان پیامبر نجات بخش دودمان اسرائیل است.

چون یوسف از خواب بیدار شد خدای را شکرگذاری نمود و از آن پس هرگز با مریم بی‌مهری ننمود و همسر آبستن خود را از ناصره - یکی از شهرهای جلیل - بسوی بیت لحم روانه نمود، و چون در شهر کوچک و انبوه از جمعیت بیت لحم محلی برای سکونت نیافت، در بیرون شهر هم جوار با اقامتگاه شبانان منزل گزید. در همان مکان بود که نوری سخت درخشان، مریم عذرا را فرا گرفت و او پسر خود را بدون هیچ رنجی به دنیا آورد و پس از آنکه نوزاد را در قنذاقه‌ای پیچید - از آنجا که جایی در کاروانسرا برای او نیافت - او را در آخور و اصطبل اسبان گذاشت! در این هنگام شبانانی که به چوپانی گله‌های خود مشغول بودند نور درخشانی را به همراه فرشته‌ای آسمانی مشاهده کردند. فرشته به آنان بشارت داد که در آخور، طفلی را خواهید یافت که او پیامبر خداست و به زودی نجات بخش بنی اسرائیل خواهد بود.

شبانان بسیاری به سوی اصطبل بازگشتند و در آخور، طفل موعود را خوابانیده یافتند. پس در برابر او سجده کردند و آنچه را دیده و شنیده بودند برای مادرش مریم نقل نمودند. همین امر موجب گردیده است تا همه ساله در سالروز تولد حضرت عیسی، پاره‌ای از مسیحیان ماکتی از اصطبل و آخور را برای یادآوری آن رویداد تاریخی بسازند و آنرا برای فرزندان خود بازگو نمایند.

این در حالی است که خدای عالم و آگاه از همه اسرار و رویدادها، در قرآن مجید کتاب آسمانی که به وسیله حضرت محمد ﷺ - پیامبر پس از

مسیح - برای بشریت نازل فرموده است از زوایای پنهان مانده این معجزه تاریخی چنین پرده برداری می نماید:

در این کتاب - قرآن - از مریم یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در بیت المقدس مأوی گزید. او میان خود و دیگران حجابی افکند تا خلوتگاهی برای عبادت مهیا نماید. در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و روح به صورت انسانی بی عیب و نقص بر مریم ظاهر شد. مریم سخت ترسید و گفت: من از شر تو به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! پاسخ داد: من فرستاده پروردگار توأم، آمده ام تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم. مریم گفت: چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون هیچ انسانی با من تماس نداشته و زن ناپاکی نبوده ام! پاسخ داد: همینطور است، لیکن پروردگارت فرموده: این کار برای من آسان است. ما او را می آفرینیم تا وی را نشانه و معجزه ای برای مردم قرار دهیم، و رحمتی باشد از جانب ما؛ این امری است پایان یافته و جای بحث ندارد.

سرانجام مریم باردار شد، و به نقطه دور دستی رفت و در آنجا خلوت گزید. درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند. آن قدر ناراحت بود که می گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی از خاطره ها و اذهان دیگران محو شده بودم. ناگهان از طرف پایین پایش ندایی شنید که: غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی گوارا قرار داده است. این تنه ی نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد. از این غذا بخور و از آن آب بنوش و چشمت به این مولود روشن باد.

هرگاه کسی از مردم را دیدی با اشاره بگو: من برای خداوند رحمان /روزه‌ای نذر نموده‌ام. از اینرو امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم و بدان که این نوزاد، خود از تو دفاع خواهد نمود. مریم در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آمد. آنها سرزنش کنان گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی؟! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بد کاره‌ای؟! مریم به نوزاد اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟! ناگهان طفل زبان به سخن گشود و فریاد بر آورد: من بندهٔ خدایم؛ او به من کتاب آسمانی بخشیده و مرا پیامبر قرار داده است. او مرا هر جا که باشم - موجودی پر برکت قرار داده، و تا هنگامی که زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصیه فرموده است. او مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده، و مرا جبار و شقی نیافریده است. سلام و درود خدا بر من در روزی که متولد شدم، و در آن روز که می‌میرم، و در آن روز که دیگر بار برانگیخته و زنده خواهم شد.<sup>۱</sup>

۱. قرآن مجید، سوره‌ی مریم، آیات ۱۶-۳۳؛

﴿وَأُذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا \* فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا \* قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرُّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا \* قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا \* قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا \* قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا \* فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا \* فَأَجَاءَهَا الْمَصْحَاظُ إِلَى جَذَعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا \*

حال، جای درنگ است که آیا تولد انسانی ملکوتی - که مسیحیان او را پسر خدا می خوانند - در اصطبل چهار پایان، با این واقعه عظیم تاریخی سازگارتر است؟ یا ماوی گزیدن مادرش مریم - سرور زنان عصر خویش - در کنار نخله خشکیده‌ای که همزمان با تولد مسیح به اراده خالق قادر متعال به بار می نشیند و غذای مادر تازه وضع حمل نموده را تأمین می کند، و نیز جوشش ناگهانی چشمه‌ای از آب گوارا به زیر پای او، تا از آن بنوشد.

در آن هنگام که مریم از همه زنان و مردان دوری جسته بود و جز خدای مهربان، دیگری شاهد احوال او نبود چه گواهی بر آنچه به درستی رخ داده است از خود پروردگار موثق تر و قابل اتکاتر است؟

از اینروست که تولد مسیح از مادری باکره، و سخن گفتش در گهواره که از معجزات الهی بمنظور هدایت بشر و پرهیز و اجتناب او از نافرمانی‌ها و بهبود آشفته‌گی‌های جهان به شمار می رود نه تنها نتوانست اهداف یاد شده را محقق نماید، بلکه خود مسیح را نیز در طول سه سال رسالت

---

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا \* وَهَؤُلَاءِ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا خَلِيًّا \* فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَانِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا \* فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا \* يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا \* فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا \* قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا \* وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا \* وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا \* وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا.

پیامبری‌اش دچار چالش‌های فراوان نمود و چه بسا منشاء عروج وی به آسمان نیز همین افکار ساده اندیشانه باشد.<sup>۱</sup> چرا که عیسی بن مریم در دوره‌ای به بشریت عرضه گردید که آنان از ژرف اندیشی و علم و دانش کافی برخوردار نبودند، از اینرو نتوانستند او و کلام او و رسالت آسمانیش را آن گونه که هست دریابند.

بنابراین مسیح به آسمان عروج کرد و دور از دسترس مردم قرار گرفت تا روزی که مزاج بشریت برای ایجاد تحوّل‌ی عظیم مهیا گردد و دانش و آگاهی بشر به حدّی برسد که پیامبران الهی برای اثبات خود، همواره مجبور به ارائه‌ی معجزاتی همچون زنده کردن مردگان، شفا بخشیدن کور مادر زاد، و سیر نمودن گرسنگان نباشند تا در اینصورت نیز از سوی نزدیک‌ترین یاران‌شان به اغراق و زیاده روی در حقّشان مبتلا نگردند و آنان را شریک خدای قادر بی‌همتا نخوانند.

بر اساس آنچه در انجیل‌ها آمده است؛ رسالت حضرت مسیح در سن سی سالگی به صورت علنی و آشکار آغاز گردیده، و از همین زمان بوده که او به ترویج آئین آسمانی خویش در میان عموم مردم پرداخته است. پیامبری او با همه فراز و نشیبی که طی نموده، تنها بمدت سه سال به طول انجامیده و در سی و سه سالگی او پایان یافته است. درباره‌ی چگونگی پایان رسالت مسیح در میان پیروان او اختلاف دیدگاه‌های

---

۱. انجیل برنابا، فصل ۱۱۲:

(۱۱) می‌گویم به تو که همانا اگر من خدای خوانده نشده بودم، هر آینه همان وقت از جهان در می‌گذشتم و به سوی بهشت برده شده بودم. اما اکنون تا روز جزا به آنجا نمی‌روم.



چشمگیری وجود دارد.<sup>۱</sup> چرا که آن گاه که یهودا - یکی از یارانش - به او خیانت نمود و پس از آن، واقعه صلیب رخ داد عده‌ای ساده اندیش ظاهر نگر چون سیمای عیسی را بر صلیب دیدند، گمان کردند او بر صلیب جان سپرده و مرده است. گروهی نیز پس از آن که جسم بی‌جان مسیح را از صلیب فرود آورند و آن را در محلی مخفی نمودند، و صبحدم که برای تدفینش مراجعه کردند جسد را در آنجا نیافتند گمان کردند که مسیح پس از فرود آورده شدن از صلیب، به آسمان عروج نموده است. برخی دیگر نیز بر این باورند که مسیح هیچگاه به صلیب کشیده نشد، و آن که به صلیب رفت همان شخص خیانت کار بود که به اراده آفریدگار به شکل عیسی در آمد و به اشتباه بجای مسیح به صلیب کشیده شد، و عیسی بن مریم قبل از این رویداد به آسمان عروج نموده بود تا آن هنگام که پیامبر پس از او پرده از اسرارش بردارد.<sup>۲</sup>

۱. قرآن کریم، سوره‌ی مریم، آیه ۳۷؛

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾.

بعد از او [عیسی بن مریم] گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند.

۲. انجیل برنابا، فصل ۱۱۲؛

(۱۳)...زود باشد که یکی از شاگردانم مرا به سی پاره از نقدینه بفروشد. (۱۴) بنابراین من یقین دارم که آن کس که مرا می‌فروشد، به نام من کشته خواهد شد. (۱۵) زیرا خدای مرا از زمین بلند می‌کند و چهره آن خائن را تغییر می‌دهد تا هر کس گمان کند که او من هستم. (۱۶) با این وجود وقتی که او به بدترین مرگی بمیرد، برای من خواهد ماند ننگ مردن او مدت مدیدی در جهان. (۱۷) لیکن هنگامی که بیاید

► محمّد - پیغمبر خدای - این ننگ از من برداشته می‌شود. (۱۸) این را خدای خواهد کرد. زیرا من اعتراف نمودم به حقیقت مسیا و او که این جزا را به من عطا خواهد فرمود؛ یعنی که شناخته شوم که من زنده‌ام، و من پیراسته‌ام از عیب آن گونه مرگ.

انجیل برنابا، فصل ۲۱۴ / انجیل یوحنا، فصل ۱۸؛

(۲) چون که یهودا جایی را که یسوع با شاگردانش در آنجا بود می‌دانست، نزد رئیس کائنات رفت. (۳) گفت: هرگاه بدهی به من آنچه را وعده کرده‌ای، امشب به دست تو یسوع را که در طلب او هستی تسلیم می‌کنم. (۴) زیرا او با یازده رفیق خود تنهاست. (۵) رئیس کائنات گفت: چقدر می‌خواهی؟ (۶) یهودا گفت: سی پاره از طلا. (۷) پس آن گاه رئیس کائنات فوراً نقدینه‌ها را برای او شمرد....

انجیل برنابا، فصل ۲۱۵؛

(۱) همین که لشگریان با یهودا نزدیک شدند به آن محلی که یسوع در آنجا بود، یسوع شنید نزدیک شدن جماعت بسیاری را. (۲) پس از اینرو با احتیاط در خانه داخل شد. (۳) آن یازده تن در خواب بودند. (۴) پس همین که خدای بر بنده‌ی خود خطر دید، جبرئیل و میخائیل و رفائیل و اوریل، سفیران خویش را امر فرمود که یسوع را از جهان بگیرند. (۵) پس آن فرشتگان پاک آمدند و یسوع را از روزنه‌ای که مشرف به جنوب بود برگرفتند. (۶) پس او را برداشتند و در آسمان سوم در صحبت فرشتگانی که تا ابد خدای را تسبیح می‌کنند گذاشتند.

انجیل برنابا، فصل ۲۱۶؛

(۱) یهودا به سرعت و هراسان داخل غرفه‌ای شد که از آن یسوع بالا برده شده بود. (۲) شاگردان همگی در خواب بودند. (۳) پس خدای عجیب، کار عجیبی کرد. (۴) آن گاه یهودا در گفتار و رخسار تغییر پیدا کرد و شبیه به یسوع شد، حتی اینکه

آنچه بیش از این باورهای ظاهر بینانه، موجب آشفتگی در میان مسیحیان گردید این بود که مردم آن روزگار بر اساس عقاید بجا مانده از آئین یهود، گمان می‌کردند که هر که بر دار شود مورد خشم و غضب خداست، و هنگامی که دیدند عیسای مسیح که از قدرت زنده کردن مردگان و شفا بخشیدن بیماران ناعلاج، و توان ما فوق بشری برخوردار بود در برابر به صلیب در آمدن از خود هیچ مقاومتی نشان نداد و خود را از آن مجازات دردناک و مرگ زجرآور نرهاند، به این باور رسیدند که مسیح بر دار رفت تا عقوبت گناهان امت خویش را به عهده گیرد و آنان

➤ ما اعتقاد نمودیم که او یسوع است. (۵) اما او پس از آنکه ما را بیدار نمود، مشغول تفتیش شد تا ببیند معلم کجاست. (۶) از اینرو تعجب نمودیم و در جواب گفتیم: توئی ای آقا! همان معلم ما. (۷) هم اکنون ما را فراموش فرموده‌ای؟! (۸) او با تبسم گفت: مگر شما اینقدر کودن هستید که یهودای اسخریوطی را نمی‌شناسید؟ (۹) در این گفتگو بود که لشکریان داخل شدند و دست‌های خود را بر یهودا انداختند. زیرا از هر جهت شبیه به یسوع بود....

قرآن کریم، سوره‌ی آل عمران، آیه ۵۵:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَوَيْتُكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾.

به یاد آورید هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را بر می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند پاک می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند - تا روز رستاخیز - برتر از کسانی که کافر شدند قرار می‌دهم. بنابراین بازگشت شما به سوی من است و در میان شما - در آنچه اختلاف داشتید - داوری می‌کنم.

را پاک گرداند، و از آن پس هیچ یک از عیسویان مورد عذاب و مؤاخذه‌ی پروردگار قرار نخواهد گرفت. اما امروز در عصر روشنگری، بشرِ متفکر و اندیشمند با این ابهام روبروست؛ مردمی که سه سال از مواهب پیامبر سراسر مهربانی و پاکی برخوردار گردیده بودند، به گونه‌ای که معجزات او بر زخم‌های آنان مرهم گذارده بود و او آنان را از انبوه رنج‌ها و محرومیت‌ها رهانیده بود، چرا هنگامی که او را در بند دیدند و جسم پاکش را بر روی صلیب مشاهده کردند، به پا نخواستند و از وی هیچ گونه حمایتی ننمودند؟ جان فشانی نکردند و خود را در راه او نثار نمودند؟ چرا واقعه‌ی صلیب را آزمایشی از سوی خداوند برای عیسویان ندانستند؟

شاید خدای چنین می‌خواست که آنان به مبارزه با ستم برخیزند و یاریگر پیامبر خویش در این مقصود باشند؛ و آن هنگام که در آنان چنین همتی را نیافت و آنان را تنها متوقعان برخوردار از مواهب مسیح دید پیامبرش عیسای مسیح را از میان آنان عروج بخشید تا روزی که اندیشه‌ها و باورهای غلط در بشر اصلاح گردد. چنان که وقتی امت پیامبر اسلام - حضرت محمد ﷺ - نیز از یاری امامان معصوم خویش خودداری ورزیدند و آنان را در غربت و تنهایی، در حصر و بند، و یا در محاصره و تبعید رها نمودند خداوند آنان را نیز به غیب آخرین برگزیده‌ی خویش مبتلا نمود.

گویا امروز نیز پس از دو هزار سال از عروج مسیح به آسمان و بیش از یکهزار و دوست سال از غیبت امام زمان، بشر بازگشت و ظهور آنان را فقط برای بهره‌مندی خود از مواهب حضورشان انتظار می‌کشد، نه

برای آن که جان خود را در راه نیل آنان به مقصود الهی شان نثار نماید. چه بسا از همین روست که غیبت آن برگزیدگان الهی همچنان پا برجاست، و ادامه دارد تا آن هنگام که مزاج بشریت کاملاً آماده گردد.

بنابراین پیدایش و عروج مسیح، نه تنها از آشفته‌گی‌های جهان نکاست بلکه بدان نیز افزود، و به تشکیک بیش از پیش عقاید بشر منجر گردید. چرا که پس از عروج حضرت عیسی به آسمان، نه تنها خود او از دسترس انسانها خارج شد بلکه انجیل - کتاب آسمانی اش - نیز پنهان گردید.

چنانکه بسیاری از پژوهشگران صاحب نام مسیحی در تحقیقات خود اذعان نموده‌اند، و بر اساس آنچه در فصل اول انجیل مرقس و انجیل برنابا آمده است حضرت مسیح صاحب انجیلی آسمانی بوده که هر چه وی می‌گفته، از آن کتاب صادر می‌گردیده،<sup>۱</sup> و پس از عروج او به

#### ۱. انجیل برنابا، فصل ۱۶۸:

(۱) آن وقت شاگردان گفتند: راستی که خدای به زبان تو سخن گفته؛ زیرا هیچ انسانی هرگز سخن نگفته چنان که تو سخن می‌گویی. (۲) یسوع فرمود: تصدیق کنید مرا که چون خدای مرا برگزید تا به خانه‌ی اسرائیل بفرستد، کتابی به من عطا فرمود که به آینه‌ی پاکی شباهت دارد و به دل من فرود آمده است، که هر چه می‌گویم از آن کتاب صادر می‌شود. (۳) وقتی که صدور آن کتاب از دهان من به نهایت رسید از جهان بلند شوم. (۴) بطرس پرسید: ای معلم! آیا آنچه الآن به آن تکلم می‌کنی در آن کتاب مکتوب است؟ (۵) یسوع در جواب فرمود: همانا هر آنچه/ می‌گویم از برای معرفت خدای و برای خدمت خدای و برای معرفت انسان و برای خلاص جنس بشری، همانا همه از آن کتاب که آن انجیل من است صادر شده است.



ملکوت، آن کتاب آسمانی نیز از دسترس دیگران پنهان شده است، و همه انجیل‌هایی که پس از آن در میان مسیحیان منتشر گردیده<sup>۱</sup> نوشته‌های برخی از شاگردان مسیح - حواریون و یا غیر حواریون - می‌باشد که بر اساس اندیشه و برداشت خود از گفتار و کردار و دستورات مسیح و رویدادهای به وقوع پیوسته در زمان وی، به نقل مشاهدات و شنیده‌ها و برداشت‌های خود پرداخته و نگاشته‌های خود را انجیل نام نهاده‌اند. از اینرو انجیل‌های چهارگانه مشهور و رایج امروز در میان مسیحیان را به نگارنده‌های آن منتسب نموده‌اند: انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس و انجیل یوحنا - این افراد هر یک از حواریون حضرت عیسی بن

---

۱. بشارات عهدین، صفحه ۱۶؛

در جلد دوم دایرة المعارف انگلیسی چاپ ۱۳ صفحه‌ی ۱۷۹ و ۱۸۰ نام بسیاری از انجیل قدیمه را که در قرون اولای مسیحیت در میان مسیحیان منتشر بوده و در زمان هر یک از مراجع روحانی مسیحی تبدیل و تغییری در تجویز و عدم تجویز مطالعه و استناد به برخی از آنها صورت می‌گرفته است ذکر نموده و انجیل برنابا و انجیل حضرت مسیح را نیز ذکر کرده است:

- ۱- انجیل مصریان قرن دو میلادی، ۲- انجیل عبریان قرون اولای مسیحی،
- ۳- انجیل پطرس قرن دو میلادی، ۴- انجیل دوازده قرن دو میلادی ۵- انجیل اندریو، ۶- انجیل برنابا، ۷- انجیل برتولوماس، ۸- انجیل جمیس، ۹- انجیل تدیوس، ۱۰- انجیل اپلس، ۱۱- انجیل باسیلیدس، ۱۲- انجیل کرینتوس، ۱۳- انجیل ابیونتس، ۱۴- انجیل حوا، ۱۵- انجیل یهودای اسخریوطی، ۱۶- انجیل حیوة، ۱۷- انجیل مریم، ۱۸- انجیل متباس، ۱۹- انجیل کمال، ۲۰- انجیل فیلیپ، ۲۱- انجیل توماس، ۲۲- انجیل راستی که در میان والنتیان متداول بوده، ۲۳- انجیل مارکیون، ۲۴- انجیل نیقودیمس، ۲۵- انجیل حضرت مسیح.

مریم علیها السلام بوده‌اند. و از همین روست که در میان اناجیل موجود تناقضات بسیاری مشاهده می‌شود، و اعتبار هر یک از آنها در میان مسیحیان از درجات متفاوتی برخوردار است، تا حدی که برخی از مسیحیان، شماری از اناجیل را مجعول و بی اعتبار می‌دانند.

در این میان، مسلمانان که در میان همه فرقه‌های خود، تنها یک نسخه قرآن مشترک دارند و آن را بر اساس همان کلماتی که از سوی پروردگار به وسیله جبرئیل -فرشته وحی- بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گردیده است از یک هزار و چهارصد سال پیش تاکنون بدون هیچ گونه جعل و تحریفی، بکر و دست نخورده باور دارند چنین تصوّر می‌کنند که انجیل حضرت عیسی علیه السلام مورد تحریف و تغییر فراوان قرار گرفته است، و انجیل‌های رایج در میان مسیحیان را همان انجیل تحریف شده مسیح تلقی می‌نمایند. در حالی که کتاب‌های آسمانی هیچگاه تحریف نمی‌شوند، ولی ممکن است از دسترس بشر غایب و پنهان گردند. کتاب‌های آسمانی همان سخنان پروردگار هستند؛ او آنها را صادر و نازل فرموده و خود پاس دار و نگه دارنده آن است.<sup>۱</sup> قرآن کریم در

۱. قرآن کریم، سوره‌ی حجر، آیه ۹؛

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.

ما کتاب آسمانی را نازل کردیم، و ما به طور قطع نگه دار آنیم.

قرآن کریم، سوره‌ی کهف، آیه ۲۷؛

﴿وَإِثْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ﴾.

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن. هیچ چیز نمی‌تواند سخنان او را تغییر دهد.

موارد مختلفی به کتاب‌های آسمانی پیامبران پیشین استناد نموده، در حالیکه چنانچه آنها دستخوش تحریف شده باشند قابل استناد نیستند.<sup>۱</sup>

➤ انجیل متی، فصل ۵:

(۱۷) تا آسمان و زمین باقی است نقطه‌ای از تورات زائل نشود.

۱. قرآن کریم، سوره‌ی آل عمران، آیات ۳ و ۴:

﴿نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ \* مِنْ قَبْلُ هَدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾.

او کتاب را به حق بر تو نازل کرد که با نشانه‌های کتب پیشین منطبق است؛ و تورات و انجیل را پیش از آن برای هدایت مردم فرستاد، و نیز کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد نازل فرمود.

قرآن کریم، سوره‌ی یونس، آیه ۳۷:

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.

سزاوار نیست که این قرآن به غیر خدا نسبت داده شود. چرا که قرآن تصدیقی است برای آنچه پیش از آن است [از کتب آسمانی] و شرح و تفصیلی بر آنهاست. شکی در آن نیست که از طرف پروردگار جهانیان است.

قرآن کریم، سوره‌ی احقاف، آیه ۱۲:

﴿وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا﴾.

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود؛ و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالیکه به زبان عربی فصیح و گویا است.

قرآن کریم، سوره‌ی انبیاء، آیه ۱۰۵:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد.

کتاب‌هایی چون صحیفه فاطمیّه نیز در باور مسلمانان، از کتب آسمانی به شمار می‌رود که سرچشمه آن وحی الهی است؛ لیکن از دسترس همگان پنهان گردیده و فقط در اختیار امام زمان - آخرین برگزیده خداوند بر روی زمین - قرار دارد. قطعاً انجیل مسیح نیز - که امروز در دسترس قرار ندارد - بدون هیچ گونه جعل و تحریفی، در اختیار حضرت عیسی علیه السلام است. اگر به جای استفاده از عنوان انجیل، اناجیل موجود را مثلاً: نوشته‌های متی یا کتاب متی، کتاب لوقا، خاطرات مرقس، نوشته‌های یوحنا و از این قبیل نام می‌نهادند قطعاً چنین شائبه و تصویری در ذهن مسلمانان راجع به انجیل به وجود نمی‌آمد.

همان گونه که گفته شد؛ ردّ و قبول انجیل‌های مختلف در میان مسیحیان را می‌توان از آشفتگی‌های پس از عروج مسیح در زمین دانست و سرچشمه آن نیز در انحراف برخی از پیروان نزدیک حضرت عیسی در واپسین روزهای حضور او نهفته است. تنگ نظری و برتری طلبی بعضی از بزرگان مسیحیت نسبت به برخی دیگر، و صرفاً به حق دانستن برداشت‌ها و نقل‌های خود از دوران پیامبری مسیح و باطل شمردن نقل‌های دیگران، موجب این پراکندگی عقاید گردیده است، تا حدّی که انجیل برنابا - پسر و عظمی که یکی از برازنده‌ترین حواریین حضرت مسیح و مورد اعتماد و مخزن اسرار آن بزرگ مرد آسمانی بوده و آنرا به امر حضرت مسیح نوشته است<sup>۱</sup> را مجعول و بی اعتبار

---

۱. انجیل برنابا، فصل ۲۲۱:

(۱) یسوع به نگارنده روی کرده فرمود: ای برنابا! بر توست که انجیل مرا حتماً

می‌دانند. در حالی که به استناد مدارک تاریخی، انجیل برنابا تا قرن پنجم میلادی در دسترس بوده و از آن زمان به بعد به فرمان پاپ گلاسیوس اول جمع‌آوری گردیده و خواندن و حتی نگه‌داری آن ممنوع اعلام شده است، تا اینکه در قرون اخیر نسخه خطی آن از کتابخانه پاپ سیکستوس پنجم به سرقت رفت و خبر کشف آن جامعه‌ی مسیحیت را به واکنش‌های متفاوتی وا داشت.<sup>۱</sup>

---

➤ بنویسی و آنچه را که درباره‌ی من اتفاق افتاده در مدت بودن من در جهان. (۲) نیز بنویسی آنچه را که بر سر یهودا آمد تا مؤمن فریب نخورد و هر کسی تصدیق نماید حق را. (۳) آن‌گاه نگارنده گفت: ای معلم! ان شاء الله من خواهم نوشت.

۱. بشارات عهدین، صفحه ۱۹؛

جرم انجیل برنابا - که در میان مسیحیان متروک مانده - قبل از اسلام، مخالفت شدید آن با تعلیمات پولس بوده و به همین علت مطالعه آن مورد نهی واقع شده؛ زیرا این انجیل بر خلاف سایر اناجیل، موضوع صلیب - دار آویختن مسیح - را شدیداً انکار و آنرا زشت‌ترین نسبت ناروا به ساحت قدس آن حضرت دانسته، و همچنین بدعت تثلیث را از میان برده و توحید واقعی الهی را اثبات نموده و بر خلاف پولس که شریعت عمل را نسخ نمود، نجات را تنها مرهون عقیده و عمل پاک قرار داده است. ولی پس از اسلام جرم دیگری نیز بر آن افزوده شد و آن بشارات صریحی مکرره‌ای است که در ابواب مختلفی آن در مورد طلوع نور قدسی محمّدی - صلی الله علیه و آله و سلم - یافت می‌شود.

بشارات عهدین، صفحه ۱۳؛

از آنچه گفته شد روشن می‌گردد که پولس دشمن برنابا بوده است و روی همین

با این حال، و به رغم تفاوت‌های فاحشی که در انجیل‌های بجای مانده در میان عیسویان وجود دارد، گویا ندای آسمانی مسیح همچنان در میان بشریت طنین افکنده، و تعالیم ارزشمند او که در طول سه سال پیامبری به بشر عرضه فرمود امروز نیز با گذشت دو هزار سال پایا و استوار باقی مانده است. او بت پرستی را قبیح شمرد و یادآور گردید که گناهی بزرگ‌تر از شرک به خدا نیست. او آموخت که چگونه نماز به پا دارند و در آن حضور قلب داشته باشند، همواره شب زنده داری کنند و عیسویان را به گرفتن روزه فرمان داد. او به انسان‌ها هشدار داد که از شهوت پرستی و نگاه ناپاک به زنان برحذر باشند، و چشم و زبان خود را از گناه نگهداری نمایند. او ریا و ریاکاری، تکبر و خودبینی و بخل را مذمت نمود و به دادن صدقه امر فرمود. او به جهاد نفس و اجتناب از شیطان و وسوسه‌های پلیدش امر فرمود و به بشر آموخت که چگونه از زندگی بد باز گردد و از اندیشه‌های زشت برحذر باشد. او نشانه‌های قیامت، هول روز جزا، کیفیت عذاب دوزخ و طبقات هفتگانه جهنم، و معاد جسمانی را به روشنی شرح داد؛ و عدل پروردگار، وسعت بهشت و ویژگی‌های نعمت‌های آن، و پاداش مؤمن و کافر را توصیف فرمود. او فضیلت توبه را یاد آور شد و آموخت که چگونه از نافرمانی‌ها و گناهان خود توبه کنند و با این کار موجب مسرت ملائکه گردند. او توصیه و سفارش فرمود که انسان‌ها همواره به یاد خدا باشند، برای خدا دوست

---

➤ اصل، انجیل برنابا را متروک کرده و حتی برخی از پیروانش مانند پاپ جلاسیوس اول از مطالعه آن نهی اکید نموده‌اند.



بدارند و فقط به خاطر خدا بغض ورزند.

او به بشریت، این بشارت فرخنده را نوید داد که روزی فرا خواهد رسید که آسفتگی‌ها از جهان زدوده شود و سعادت واقعی به زندگی فرزندان آدم باز گردد. او آن روز را پس از آن پیش بینی نمود که فرستاده دیگری از سوی پروردگار برگزیده شود تا با ارائه‌ی آئینی ابدی و جهان شمول، همه‌ی آنچه را که دیگر پیامبران الهی وعده داده‌اند تحقق بخشد.<sup>۱</sup>

---

۱. انجیل یوحنا، فصل ۱۴:

(۱۶) و من از پدر خواهم خواست، و او پارقلیطای دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد. [پارقلیطا کلمه‌ای سریانی و ترجمه‌ی اصل یونانی پریکلیطوس است و بمعنای بسیار ستوده و بی‌نهایت نامدار است و در عربی به محمّد و احمد ترجمه می‌شود].

کتاب حبقوق نبی، آیه ۳:

برای همیشه جلال و مدحش آسمان‌ها و زمین را مملو کند.

انجیل برنابا، فصل ۴۳:

(۱۳) حق می‌گویم به شما؛ به درستی که هر پیغمبری هر وقتی که بیاید، همانا جز این نیست که فقط از برای یک امت حامل می‌شود نشانه‌ی رحمت خدای را. (۱۴) پس از این روست که سخن ایشان تجاوز نمی‌کند از آن طایفه که به سوی ایشان فرستاده شده‌اند. (۱۵) لیکن رسول خدای هر وقتی که بیاید، می‌دهد خدای به او آنچه را که آن به منزله‌ی انگشتی دست اوست. (۱۶) پس حامل می‌شود خلاص و رحمت را برای امت‌های زمین، آنان که تعلیم او را می‌پذیرند.

کتاب اشعیای نبی، فصل ۴۲:

(۱) اینک بنده‌ی من که او را تکیه می‌دهم، و برگزیده‌ی من که جانم از او راضی است؛ روح خود را بر او می‌افکنم تا از برای طوائف حکم را صادر سازد.

مسیح او را کامل کننده تعالیم ناگفته‌ای می‌داند که به دلیل محدودیت ظرفیت و توان مردم آن روزگار، خود نتوانسته به تمامی آن را بازگو نماید.<sup>۱</sup> چنانکه پیامبر خاتم پس از خود را گواهی بر رسالت خویش می‌شمارد که با پرده برداری از اسرار تولد و عروج، به تجلیل از شخصیت وی پرداخته و آن را از باورهای موهوم، بی‌پیرایه می‌سازد.<sup>۲</sup> مسیح برای آنکه بنی اسرائیل، آخرین پیامبر و فرستاده خدا را از خود ندانند و او را به روشنی بشناسند نَسَب او را از دودمان حضرت اسماعیل بر می‌شمارد،<sup>۳</sup> و در تلاش برای از میان برداشتن این توهم که او را همان

► (۴) غفلت نکرده، تعجیل نخواهد نمود تا آنکه حکم را بر زمین قرار دهد و جزائر منتظر شریعتش باشند.

۱. انجیل یوحنا، فصل ۱۶؛

(۱۲) و دیگر چیزها بسیار دارم که به شما بگویم، لیکن حالا نمی‌توانید متحمل شد. (۱۳) اما چون او بیاید شما را به تمام راستی ارشاد خواهد نمود. زیرا که او از پیش خود سخنی نخواهد گفت، بلکه هر آنچه می‌شنود خواهد گفت، و شما را به آینده خبر خواهد داد.

۲. انجیل یوحنا، فصل ۱۵؛

(۲۶) ...او درباره من شهادت خواهد داد.

انجیل یوحنا، فصل ۱۶؛

(۱۴) او مرا جلال خواهد داد. (۱۵) ...از همین سبب گفتم که آنچه از آن من است خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد.

۳. انجیل برنابا، فصل ۴۳؛

(۱۷) زود است او بیاید با توانایی بر ستمکاران. (۱۸) آن گاه براندازد عبادت بت‌ها را به

مسیّا می‌پنداشتند که در تورات از آمدنش خبر داده شده بود و نوید داده بود که او رحمت خدای را برای جهان و جهانیان خواهد آورد، به نام مبارک پیامبر خاتم تصریح می‌نماید و فریاد برمی‌آورد که من نیستم آن

---

► حیثی که شیطان رسوا شود. (۱۹) زیرا این چنین خدای وعده نموده به ابراهیم؛ و به او فرموده: به درستی که به نسل تو همهٔ قبایل زمین را برکت می‌دهم و همچنان که ای ابراهیم! شکستی بت‌ها را شکستی، نسل تو نیز زود است چنین کند. (۲۰) یعقوب گفت: ای معلّم! به ما بگو این عهد را با که ساخت؟ (۲۱) به درستی که یهود می‌گویند با اسحاق است؟!

(۳۱) تصدیق کنید مرا؛ زیرا به شما راستی می‌گویم. به درستی که عهد بسته شده است با اسماعیل نه با اسحاق.

انجیل برنابا، فصل ۴۴؛

(۱) آن وقت شاگردان گفتند: ای معلّم! در کتاب موسی چنین نوشته شده که عهد با اسحاق بسته شده است. (۲) یسوع آهی کشیده، جواب داد: آنچه نوشته شده همین است. (۳) لیکن نه موسی نوشته و نه یسوع. (۴) بلکه احبار ما نوشته‌اند، آنانکه نمی‌ترسند از خدای.

انجیل برنابا، فصل ۲۰۸؛

(۷) راست می‌گویم که پسر ابراهیم همان اسماعیل بود که واجب است از نسل او بیاید مسیا [پیامبر اسلام] که ابراهیم، به او وعده شده بود تا همهٔ قبایل زمین به وجود او برکت یابند.

تکوین تورات، فصل ۱۷؛

(۲۰) ای ابراهیم! دعای تو را در حق اسماعیل شنیدم؛ اینک او را برکت داده، بارور گردانیده، به مقام ارجمند خواهیم رسانید و به وسیلهٔ محمّد و دوازده امام از نسل وی او را امت بزرگی خواهیم نمود.

مسیا که همهٔ مردم روی زمین در انتظار او به سر می‌برند،<sup>۱</sup> همانا نام مبارک او محمد ﷺ است. سپس به بزرگی منزلت او با این ویژگی اشاره می‌کند که خدای به یمن وجود او، بهشت و جهان و بسیاری از موجودات را آفریده است،<sup>۲</sup> و بر خود مباحثات می‌کند و افتخار می‌ورزد

#### ۱. انجیل برنابا، فصل ۹۶:

(۳) کاهن گفت: در کتاب موسی نوشته شده که زود باشد که خدای ما مسیا را، که خواهد آمد، می‌فرستد تا خبر دهد ما را به آنچه خدای می‌خواهد. او رحمت خدای را برای جهان خواهد آورد. (۴) از اینرو امید دارم از تو که به راستی بفرمایی، آیا تو مسیای خدایی که ما منتظر او هستیم؟ (۵) یسوع در جواب فرمود: آری خدای این چنین وعده داده است، لیکن من او نیستم. بدانید که او پیش از من آفریده شده و بعد از من خواهد آمد. [انجیل یوحنا، فصل ۱، آیه ۱۵] (۶) کاهن گفت: به هر حال ما از سخن تو و آیات تو اعتقاد می‌کنیم که تو پیغمبر و قدوس خدای هستی. (۷) از اینرو به اسم همهٔ یهودیه و اسرائیل از تو امید دارم تا که محض محبت خدای به ما افاده کنی که به چه کیفیت مسیا خواهد آمد؟ (۸) یسوع در جواب فرمود: سوگند به هستی خداوندی که در حضور او جانم ایستاده؛ به درستی که من نیستم آن مسیا که همهٔ قبایل زمین انتظار او را دارند. چنانکه خدای به پدر ما ابراهیم وعده کرده و فرمود: به نسل تو برکت می‌دهم همهٔ قبایل زمین را. [تکوین تورات، فصل ۲۲، آیه ۱۸].

#### ۲. انجیل برنابا، فصل ۹۷:

(۱۴) پس آن وقت کاهن گفت: به چه نامیده می‌شود مسیا و کدام است آن علامتی که آمدن او را اعلان می‌نماید؟ (۱۵) یسوع در جواب فرمود: نام مسیا عجیب است. زیرا خدای، خود وقتی که روان او را آفرید و در ملکوت اعلیٰ او را گذاشت، خود او

به اینکه زنده خواهد ماند تا آن دم که او را ببیند و سخن پاکش را بشنود.<sup>۱</sup> آن گاه به توصیف او می‌پردازد و پیامبر خاتم را به باران رحمت الهی تشبیه می‌نماید.<sup>۲</sup>

► را نام نهاد. (۱۶) خدای فرمود: صبر کن ای محمد! زیرا برای تو می‌خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می‌بخشم آنها را به تو، تا حدی که هر کس تو را مبارک می‌شمارد مبارک می‌شود و هر کس با تو خصومت کند ملعون می‌شود. (۱۷) وقتی که تو را به سوی جهان می‌فرستم پیغمبر خود قرار می‌دهم تو را به جهت خلاصی، و کلمه تو صادق می‌شود تا جایی که آسمان و زمین ضعیف می‌شوند لیکن دین تو هرگز ضعیف نمی‌شود. (۱۸) همانا نام مبارک او محمد است. (۱۹) آن وقت جمهور مزدّم صداهای خود را بلند نموده و گفتند: ای خدای! بفرست برای ما پیغمبر خود را. ای محمد! بیا زود برای رهایی جهان.

۱. انجیل برنابا، فصل ۹۷؛

(۱) آن گاه فرمود: با اینکه من لایق نیستم که بند کفش او را باز کنم، نعمت و رحمت خدای مرا دربر گرفته تا او را ببینم. [انجیل مرقس، فصل ۱، آیه ۷].

انجیل برنابا، فصل ۴۲؛

(۱۴) من نمی‌شمارم خود را مانند کسی که از او سخن می‌رانید. (۱۵) زیرا من لایق آن نیستم تا بگشایم بند چکمه یا دوالهای نعلین رسول الله را، که او را مسیا می‌نامید. (۱۶) او کسی است که پیش از من آفریده شد و زود است بعد از من بیاید. (۱۷) زود است بیاورد کلام حق را و نمی‌باشد آئین او را نهایی.

۲. انجیل برنابا، فصل ۴۴؛

(۱۹) بدین جهت به شما می‌گویم؛ به درستی که رسول خدای نیکویی است که مسرور می‌سازد هر آنچه را که ساخته است خدای تقریباً. (۲۰) زیرا زینت داده شده است به روح دانش و مشورت، [اشعیای نبی، فصل ۱۱، آیه ۲] (۲۱) روح حکمت

مسیح، پیامبر خاتم را صاحب کتاب آسمانی می‌داند که خدای به او عطا فرموده و جامع‌ترین و صحیح‌ترین در بر گیرنده‌ی اسرار پیامبران و برگزیدگان پیشین است.<sup>۱</sup>

➤ و توانایی، (۲۲) روح خوف و محبت، (۲۳) روح اندیشه و میانه روی. (۲۴) زینت داده شده است به روح محبت و رحمت، (۲۵) روح عدل و پرهیزگاری، (۲۶) روح لطف و صبر، که گرفته است آنها را از خدای، سه برابر آنچه که عطا فرموده به سایر خلق خود.

انجیل برنابا، فصل ۱۶۳:

(۴) او آن کسی است که امت‌ها منتظر او می‌باشند، [تفسیر روایت مسیا در سفر حجتی، فصل ۲، آیه ۱۷ الخ] آن کسی که اسرار خدای بر او آشکار می‌شود آشکار شدنی. پس خوشا به حال کسانی که گوش به سخن او می‌دهند وقتی که به جهان بیاید. (۵) زیرا رحمت خدای بر ایشان سایه خواهد افکند، چنانکه این درخت خرما ما را سایه افکنده است. (۶) آری، همانا چنانکه این درخت از حرارت سوزان آفتاب ما را نگاه می‌دارد، همچنین رحمت خدای نگاه می‌دارد ایمان آورندگان به آن اسم را از شرّ شیطان. (۷) شاگردان پرسیدند: ای معلم! کدام کس خواهد بود آن مردی که از او سخن میرانی که به جهان خواهد آمد؟ (۸) یسوع به شکفتگی دل در جواب فرمود: همانا او محمد پیغمبر خداست. (۹) وقتی او به جهان بیاید چنان است که باران زمین را قابل می‌کند که بار بدهد بعد از آن که مدت مدیدی باران منقطع شده باشد. (۱۰) همچنین او وسیلهٔ اعمال صالحه میان مردم خواهد شد به رحمت بسیاری که آن را می‌آورد. (۱۱) پس او ابر سفیدی است پر از رحمت خدای، و آن رحمتی است که آن را خدای بر مؤمنان نثار می‌کند؛ نرم نرم مثل باران.

۱. انجیل برنابا، فصل ۵۵:

(۳۸) پس از آنکه این سخن را بگوید؛ عطا کند خدای رسول خدا را کتابی که در آن



آری، عیسیای مسیح پس از آن که تعالیم ارزشمند خود را به جامعه بشری ارائه نمود، به صورت معجزه‌ای شگفت آور به آسمان عروج نمود تا همچون ماجرای تولدش که معجزه و رویدادی بی‌سابقه بود با عروجش به آسمان نیز معجزه‌ای باور نشدنی را در برابر چشمان فرزندان آدم به تصویر در آورد. معجزه‌ای به مراتب عظیم‌تر از آنچه در طول دوران پیامبری‌اش بصورت پی‌درپی به عیسویان عرضه نموده بود. چرا که او با این مقصود پای به جهان گذارده بود تا در میان آشفته‌گی‌های بی‌حد و مقدار، نهیبی رعد آسا به جامعه بشری وارد آورد تا شاید در بهبود آشفته‌گی‌ها مؤثر افتد. که البته پراثر بود. و تأثیر واقعی و ژرف خود را آن زمان خواهد گذارد که او پس از این دوره طولانی عروج، دیگر بار باز گردد و با بشریت سخن بگوید. سخنان ناگفته‌ای که پایانی همیشگی بر آشفته‌گی‌های جهان خواهد بود.

شش قرن پس از مسیح، وعده‌های او درباره ظهور پیامبر خاتم تحقیق یافت و رسول الله آمد و از اسرار تولد و عروج مسیح پرده برداشت. نه تنها بر عروج، و ظهور مجدد حضرت عیسی در انتهای عالم صحه

---

➤ نامه‌های همه برگزیدگان خدای نوشته شده باشد.

انجیل برنابا، فصل ۵۶؛

(۱) خدای بگشاید کتابی را که در دست رسول اوست. (۲) پس بخواند رسول او،

آنها و آواز کند همه فرشتگان و پیغمبران و همه برگزیدگان را.

قرآن مجید، سوره‌ی نحل، آیه ۸۹؛

﴿...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾.

ما قرآن را بر تو فرستادیم تا تبیین کننده همه چیز باشد.

گذارد، که خود نیز از عروج شبانگاهش به آسمان و رؤیت اسرار هستی سخن گفت.<sup>۱</sup>

برای آنکه انسان‌ها برای همیشه در حقیقت عروج برگزیدگان الهی به آسمان دچار تردید نشوند؛ این رویداد عظیم در کلام الهی و در کتاب‌های آسمانی به ثبت رسیده است.<sup>۲</sup>

۱. قرآن مجید، سوره‌ی اسراء، آیه ۱:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.

پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم - برد تا پاره‌ای از نشانه‌های خود را به او نشان دهیم، همانا خداوند شنوا و بینا است.

۲. انجیل مرقس، فصل ۱۶، آیه ۱۹ / انجیل لوقا، فصل ۲۴، آیه ۱۵:

[مسیح پس از تکلم با حواریین، به آسمان عروج نمود].

انجیل یوحنا، فصل ۳:

(۱۳) هیچ کس به آسمان نرفته است مگر آن کس که از آسمان پایین آمده است، یعنی فرزند انسان که در آسمان هست.

تکوین تورات، فصل ۵، آیه ۲۴ / نامه عبرانیان، فصل ۱۱، آیه ۵:

چون اخنوخ [حضرت ادریس] بسیار ایمان داشت خدا او را به سوی خود گرفت - تا مرگ را نبیند - و از میان مردم ناپدید شد.

ملوک دوم، فصل ۲، آیات ۱ و ۱۱:

پروردگار ایللیا را در گرد باد به آسمان بالا برد.

امید رهایی از آشفتگی

اگر حضرت مسیح - که خود معجزه الهی بود - با آن قدرت معجزه گر  
توانست به آشفتگی های جهان پایان بخشد؛ و اگر همه انبیاء و برگزیدگان  
الهی و بزرگ مردانی به مانند حضرت موسی - کلیم پروردگار - و حضرت  
ابراهیم - خلیل الرحمان - و حضرت نوح و سلیمان و داود، یحیی و زکریا  
و اشعیای نبی، و بی شماری از برترین فرزندان حضرت آدم - که بر  
همه آنان سلام و درود باد - نتوانستند جهان بی سامان را سامان بخشند  
و آشفتگی ها و پریشان حالی بشر را پایان بخشند آیا دیگر امیدی برای  
رهایی بشر باقی می ماند؟ و آیا جز این است که بشر می بایست تا پایان  
زندگی در دنیا و تا انقراض عالم، این گونه به سر برد؟ چنانکه ملائکه در  
آغاز آفرینش انسان پیش بینی نمودند!

اگر چه چنین به نظر می رسد، لیکن همه برگزیدگان و فرستادگان الهی  
از حضرت آدم - انسان نخستین - تا دیگر انبیاء الهی همگی روزگاری را  
در انتهای عالم پیش گویی نموده اند که در آن فرزند انسان که از توانایی  
و دانایی همه برگزیدگان پیشین بهره مند است ظهور و بروز خواهد  
نمود و با قدرت و سیطره ای که در خود اندوخته است بشر را از چنگال  
آشفتگی ها رهایی خواهد بخشید.

آیا این رهایی بخش و منجی کسی جز عیسیای مسیح است؟ آیا جز این است که او برای همین هدف آرمانی از سوی پروردگار ذخیره شده است تا با عروج به آسمان به عصاره‌ی همه انبیاء الهی درآید و قابلیت و توانایی همه آنها را در خود ایجاد نماید تا روزی که به اراده آفریدگار دیگر بار ظاهر شود و انقلابی عظیم در جهان هستی به وجود آورد و هدف واقعی پروردگار از خلقت بشر را تحقق بخشد. انسان را به کمال واقعی نائل گرداند و سعادت و به‌زیستی را در جهان به ارمغان آورد؟

عیسویان چنین باور دارند؛ و بسیاری از برگزیدگان و منادیان سعادت و بهروزی بشر، چنین روزی را نوید داده‌اند. اما آیا این نویدها صرفاً بدین منظور صورت گرفته است که امیدی برای پایان آشفستگی‌ها در دل بشر به وجود آید و انسان با این امید بتواند سختی‌ها و پریشانی‌های زندگی را در دنیا پشت سر گذارد و آن را تحمل نماید، که اگر جز این بود و بزرگان مورد اعتماد و وثوق مردم به آنان می‌گفتند که بهبودی برای اوضاع نابسامان جهان نیست و دردها و مشقت‌ها هر روز بیش از دیروز خواهد شد شهروندان جوامع اقدام به خودکشی دست‌جمعی می‌نمودند و انگیزه‌ای برای ادامه حیات در خود نمی‌دیدند؛ یا اینکه واقعاً روزگار رهایی از آشفستگی‌ها - چنانکه همواره نوید داده‌اند - فرا خواهد رسید؟ و بشر دوره‌ای از زندگی را به دور از هياهو و پلیدی تجربه خواهد نمود. چه بسیار مردمانی که با این امید، روزگار سپری نمودند و در ناملايمات دست و پنجه زدند، استخوان‌هایشان درهم شکست و با چشمانی گشوده جان سپردند، گویی به هنگام مردن نیز



هنوز امیدوار و منتظر بودند؛ ولی امید و انتظارشان تحقق نیافت، و سال‌ها و قرن‌ها بدین منوال سپری گشت. این در حالی است که منادیان روزگار رهایی، چنان از زندگی سعادت بخش بشر در انتهای عالم سخن گفته‌اند و چنان به ترسیم آن پرداخته‌اند که گویی آن زندگی فرحبخش را در مقابل دیدگان به نظاره نشسته‌اند! چنان با اطمینان خاطر و شکفتگی دل سخن رانده‌اند که جایی برای تردید در گفته‌های خود باقی نگذارده‌اند، به ویژه آنکه راستی گفتار خویش را به آیات کتاب‌های آسمانی مستند نموده‌اند تا خدا شناسان و یکتا پرستان به یقین نائل آیند.<sup>۱</sup>

۱. انجیل متی، فصل ۲۴؛

(۲۷) زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود.

(۲۹) و بعد از زحمت آن ایام فی‌الفور آفتاب تاریک خواهد گشت، و ماه نور خود را نخواهد بخشید، و ستارگان از فلک خواهند افتاد، و قوت‌های آسمان متزلزل خواهد شد. (۳۰) در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد گردید و آن گاه جمیع طوائف زمین سینه زنی خواهند نمود، و خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم. (۳۱) و فرشته‌های خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز، و آنها برگزیدگان‌شان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک تا به طرف دیگر.

(۳۴) به درستی که به شما می‌گویم که تا جمیع این چیزها کامل نگردد، هم این طبقه منقرض نخواهد گشت. (۳۵) و هر آینه آسمان و زمین زائل خواهد شد و کلام من زائل نخواهد گشت. (۳۶) و سوای پدر من و بس، هیچ کس حتی ملائکه‌ی



» آسمان هم از آن روز و ساعت مطلع نیستند. (۳۷) و چنانچه در اوان نوح می‌بود، آمدن فرزند انسان نیز به همان وضع خواهد بود. (۳۸) زیرا چنانکه در ایام قبل از طوفان، می‌خوردند و می‌آشامیدند و نکاح می‌کردند و منکوح می‌گردیدند تا وقت داخل شدن نوح در کشتی. (۳۹) و بی‌خبر بودند تا آمدن طوفان و فرو رفتن همگی آنها را؛ بر همان وضع خواهد بود آمدن فرزند انسان.

(۴۲) پس بیدار باشید. زیرا که آگاه نیستید که خداوند شما چه ساعت وارد خواهد شد.  
انجیل مرقس، فصل ۱۳:

(۳۳) پس برحذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا که نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود! (۳۴) مثل کسی که عازم شده خانه خود را واگذارد و ملازمان خود را بر آن گماشته هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. (۳۵) بدین منظور بیدار باشید. زیرا نمی‌دانید که صاحب خانه کی می‌آید؛ در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح! (۳۶) مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد! (۳۷) اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم. [به همه بشریت، نه تنها به عیسویان].

انجیل لوقا، فصل ۱۲:

(۳۵) کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را افروخته دارید. (۳۶) و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنید.

کتاب اشعیای نبی، فصل ۶۰:

(۱) به تو نور، واصل و جلال خداوند بر تو طالع گردیده است. (۲) زیرا که تاریکی زمین را و ظلمت امم را می‌پوشاند؛ اما خداوند بر تو طالع و جلالش بر تو مرئی است. (۳) و قبایل به نور تو و ملوک به ضیاء طلوع تو گردش خواهند کرد. (۴) چشمانت را به اطراف برداشته، بنگر که همگی ایشان مجتمع شده به تو

» می‌آیند؛ پسرانت از دور می‌آیند و دخترانت به آغوشت آورده خواهند شد. (۵) آن گاه خواهی دید و روشن خواهی شد و دلت متحیر مانده گشاده خواهد شد هنگامی که اموال دریا به تو برمی‌گردند و خیل قبایل به تو می‌آید. (۶) کاروان شتران و جَمَازَه‌های مدیان و عیفاء تو را مستور خواهند کرد. تمامی اهل شبا حاضر شده طلا و بخور را خواهند آورد، و اوصاف خداوند را اخبار خواهند کرد. (۷) تمامی گوسفندان قیدار [عربستان] نزد تو گرد آمده، قوچ‌های بناپوت به کارت خواهند آمد و بر مذبحم به رضامندی بر خواهند آمد، و خانهٔ جلال خود را جلیل خواهیم کرد. (۸) آنانی که مثل ابر و مثل کبوتران بر وزن‌های خود پرواز می‌کنند کیانند؟ (۹) به درستی که جزائر و ابتدا کشتی‌های طَرَشیش مرا منتظرند. غرض اینکه پسرانت را از دور و با ایشان به همراه نقره و طلا به اسم خداوند خدایت و قدوس اسرائیل که عزیز کنندهٔ توست می‌آورند. (۱۰) و پسران غربا دیوارهایت را بنا کرده، ملوک ایشان تو را خدمت خواهند نمود. (۱۱) و دروازه‌هایت دائماً روز و شب مفتوح شده، بسته نخواهند گردید تا آنکه دولت قبایل را به تو آورند، و ملوک ایشان رهبری کرده شوند. (۱۲) زیرا قبایل و ممالکی که تو را خدمت نخواهند کرد هلاک شده بالکل خراب خواهند شد. (۱۳) شوکت لبنان به تو آمده، درختان صنوبر و باغ و چنار با هم، تا آنکه مقام مقدس مرا زیبا سازند. (۱۴) پسران کسانی که تو را مبتلا کردند به تو می‌آیند و تمامی خوار کنندگانت به کف پاهایت سجده خواهند نمود. (۱۵) و به جای متروکه و مبغوضه بودندت - به حدی که کسی از تو گذر نمی‌کرد - تو را فضل جاویدی و سرور دور به دوری خواهیم گذاشت.

(۱۸) بار دیگر ظلم در ولایتت، و غارت و شکستگی در حدودت مسموع نخواهد شد، و حصارهایت را نجات و دروازه‌هایت را صمد خواهی خواند. (۱۹) و از برایت وقت روز؛ آفتاب بار دیگر به منزلهٔ نور نشده، ماه جهت روشنایی تو نخواهد تابید،

بلکه خداوند از برایت نور ابدی و خدایت عزتت خواهد بود. (۲۰) و بار دیگر آفتاب تو غروب نکرده، ناپدید نخواهد گردید. زیرا که خداوند از برایت نور ابدی خواهد بود، و روزهای حزن‌ت به انجام خواهد رسید. (۲۱) و تمامی قوم تو صالح شده، زمین را ابداً وارث خواهند شد، آن کسانی که شاخه‌های مغروس من و عمل دست‌های منند به جهت معزز بودنم. (۲۲) و کوچکی هزار شده قوم صغیر، طایفه عظیم خواهد شد. این را من که خداوند در وقتش به تعجیل به انجام خواهم رسانید.

کتاب اشعیا نبی، فصل ۴۲:

(۱) اینک بنده من که او را تکیه می‌دهم، و برگزیده من که جانم از او راضی است روح خود را بر او می‌افکنم تا از برای طوائف حکم را صادر سازد. (۲) فریاد نکرده و آواز خود را بلند ننموده آن را در کوچه‌ها مسموع نخواهد کرد. (۳) نی شکاف شده را نخواهد شکست، و فتیله‌ی بی‌نور را منطقی نخواهد ساخت تا حکم به راستی صادر گرداند. (۴) غفلت نکرده تعجیل نخواهد نمود تا آن که حکم را بر زمین قرار دهد و جزائر منتظر شریعتش باشند. (۵) خداوند خالق آسمان‌ها و گسترنده آنها - آن که زمین و آنچه که از او می‌روید پهن می‌سازد، و نفس به قومی که در آن است و روح بر کسانی که در آن سالکند می‌دهد - چنین می‌فرماید: (۶) من که خداوندم تو را به صدق خواندم، دست تو را گرفته تو را نگاه خواهم داشت و تو را به جای عهد، قوم و نور طوائف خواهم داد. (۷) تا آنکه چشمان کوران را گشوده، اسیران را از زندان و نشینندگان تاریکی را از حبس خانه بیرون آوری. (۸) خداوند منم، اسم من همان است، جلال خود را به غیر و ستایش خود را به بتان تراشیده شده نمی‌دهم.

(۹) اینک واقعیات نخستین به وجود آمدند، و من حادثات جدیدی که هنوز به عرصه وجود نیامده‌اند بیان کرده، مسموع شما می‌گردانم: (۱۰) ای هبوط‌کنندگان به دریا و مملویش، وای جزائر و ساکنان آنها! به خداوند؛ سرود جدید و ستایش

► وی را از اقصای زمین بسرایید. (۱۱) بیابان و شهرهایش و قریه‌های مسکون قیدار [عربستان]، آوازهای خود را بلند سازند و متمکنان در صخره، ترنم نموده از سر کوه‌ها گلبانگ زنند. (۱۲) وصفِ عظمت به خداوند نموده، حمد او را در جزائر آشکار سازند. (۱۳) خداوند مثل صاحب شجاعت بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خود را به حرکت در آورده، خروش نموده نعره خواهد زد، و بر دشمنان خود غالب خواهد شد. (۱۴) مدتی ساکت و خاموش بوده، خود را ضبط کردم؛ اکنون مثل زن زاییده فریاد می‌کنم و یکباره دم زده نفس می‌کشم. (۱۵) کوه‌ها و کریوها را خراب کرده، همگی گیاه‌هایش را خشک می‌سازم، و نهرها را به جزائر مبدل کرده، برکه‌ها را خشک می‌گردانم. (۱۶) کوران را به راهی که عارف نیستند رهبری نموده، ایشان را به طریقی که بی‌خبرند هدایت خواهم کرد. در حضور ایشان، ظلمت را به نور و کجی‌ها را به راستی مبدل خواهم ساخت. از برای ایشان این چیزها را عمل نموده، ایشان را ترک نخواهم نمود. (۱۷) کسانی که به اصنام تراشیده شده و به ریخته‌ها می‌گویند که خدایان ما شماید! به عقب برگشته، بسیار شرمسار خواهند گردید. (۱۸) ای کران! بشنوید، و ای کوران! به قصد دیدن بنگرید. (۱۹) به غیر از بنده من، کور کیست؟ (۲۰) چیزهای بسیار می‌بینی اما توجه نمی‌نمایی، و آن که گوش‌های خود را باز می‌نماید لکن مستمع نمی‌شود.

کتاب صفنیه نبی، فصل ۶؛

(۹) زیرا که در آن زمان [روزگار‌رهایی از آشفتگی‌ها] به قوم‌ها لب پاک را خواهم برگردانید تا آن که همگی ایشان به اسم خداوند استدعا نموده، و او را به یک کتف و دوش عبادت نمایند. [یعنی همه در یک صف به نماز جماعت بایستند].

قرآن مجید، سوره‌ی فصلت، آیه ۵۳:

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾.

حتی بزرگان ادیان غیر ابراهیمی نیز همچون جوک - رهبر جوکیان هندو - و جاماسب - از منادیان آئین زرتشت - و پاتیکل - از بزرگان هندو و صاحب کتاب آسمانی - آن روزگار فرخنده را پیشگویی نموده و نوید داده‌اند.<sup>۱</sup>

➤ به زودی نشانه‌های خود را در کهکشان و در جان بشر به او نشان خواهیم داد تا برای همه انسان‌ها به وضوح روشن گردد که تنها او، یگانه حقیقت هستی است.  
۱. کتاب جوک؛

آخر دنیا به کسی گردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او باشد، و نام او خجسته و فرخنده است. خلق را که در دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیمبر را پایمال کرده‌اند همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزا دهد، و یک کرور دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است؛ خود و اقوامش پادشاهی کنند.  
جاماسب نامه؛

پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود، و بر شتر سوار شود. قوم او شتر سواران خواهند بود؛ و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند؛ و او را سایه نباشد؛ و از پشت سر مثل پیش‌رو ببیند؛ و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتاب‌ها را، و دولت او تازیک یعنی عجم را بر باد دهد، و دین مجوس و پهلوی را برطرف کند، و نار سدیر و آتشکده‌ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان. و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد، و دولت او تا به قیامت متصل شود، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود. و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرود رود و کوه‌ها برطرف شود؛ و اهرمن کلان را که ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند، و از خوبان و پیمبران

» گروه بسیار را زنده کند، و زنده کند از بدانی گیتی و کافران گروهی را [تا کیفر دهد].  
کتاب پاتیکل؛

چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که پشن نام دارد، و نام آن صاحب ملک تازه راهنما است. به حق پادشاه شود و خلیفهٔ رام باشد، [رام در لغت سانسکریت نام خداست] و حکم براند، و او را معجزهٔ بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ روی باشد در نزد رام، و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد، و آخر دنیا به او تمام شود، و از ساحل دریای محیط و جزائر سرانندیب و قبر آدم و جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف‌البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بت خانهٔ سومنات را خراب کند، و جگرنات [نام بت] به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند.

کتاب دید هندوها؛

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد. نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد بر آید.

کتاب باسک هندوها؛

دور دینی تمام شود به پادشاه عدلی در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان و زمین آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.

پیش از این حضرت سلیمان و داود نیز از منجی آخرالزمان به عنوان عشق شورانگیز خود یاد می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. سرود سلیمان، فصل ۵:

(۱۰) محبوب من رویش سفید و سرخ فامست و در میان ده هزار بیدق دار است.  
 (۱۱) سر او مثل زر خالص و طره‌های آویزانش مثل زاغ سیاه فامست.  
 (۱۲) چشمانش مثل چشمان کبوتری که نزد آب جاری بوده، و دندان‌هایش که در شیر شستشو یافته به ردیف می‌نشیند. (۱۳) گونه‌هایش مثل چمن‌های ادویه جات طبله عطاران است، لب‌هایش مثل سوسن‌ها که مَر صافی می‌چکاند.  
 (۱۴) دست‌هایش مثل انگشترین زرین نصب کرده شده به سنگ‌های طرشیش، و اندامش مثل عاج صیقلی مرصع به یاقوت کبود. (۱۵) ساق‌هایش مثل ستون‌های مرمر بر پا نموده بر پایه‌های زرین، و سیمایش مثل لبنان و برگزیده مثل درختان سرو آزاد. (۱۶) دهانش شیرین است و تمامش محمّد است. این محبوب من است و این یار من است، ای دختران اورشلیم!

زبور داود، مزمور ۴۵:

(۲) از فرزندان آدم زیباتری، بلاغت به لب‌های تو ریخته است. چنانکه خدا تو را تا ابد برکت داده است. (۳) ای پهلوان! شمشیر تو را که جاه و جلال توست به کمرت ببند، و با عظمت خود برخوردار شده سوار شو به سبب حقیقت و حلم و عدالت که دست راست تو چیزهای مهیب را به تو نشان می‌دهد. (۵) تیرهای تو بر قوم‌هایی که از دل، دشمن می‌کند - تا آنکه در زیر تو افتاده شوند - تیز است. (۶) ای خدا! تخت تو ابدالآباد است. عصای مملکت تو، عصای عدالت است.

(۱۶) در جای پدران، فرزندان خواهند بود تا ایشان را در تمامی زمین سرور نصب نمایی. (۱۷) اسم تو را پشت در پشت مذکور می‌گردانم، از آن سبب قوم‌ها تو را تا ابدالآباد تعریف خواهند نمود.



این مسیح علیه السلام است که بیش از همه، چنان به ترسیم روزگار رهایی بشر / از آشفته‌گی‌ها در انتهای عالم پرداخته که گویی وی تنها برای زمینه سازی آن روز موعود به جهان هستی آمده است.<sup>۱</sup>

حال این پرسش پیش روست که این رهایی بخش کیست؟ آیا او همان مسیح است یا شخص دیگری است که مسیح عروج یافته به آسمان نیز در آخرالزمان برای یاری او باز می‌شتابد؟<sup>۲</sup>

---

۱. انجیل متی، فصل ۲۵؛

(۳۱) و چون فرزند انسان در جلال، خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه‌ی مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. (۳۲) همگی قبایل، نزد وی جمع خواهند گشت، و آنها را از یکدیگر جدا خواهد نمود چنانکه شبانی میش‌ها را از بزها جدا نماید. (۳۳) پس میش‌ها را بر راست، و بزها را بر چپ خود ایستاده خواهد نمود. (۳۴) آن‌گاه ملک به اصحاب یمین خواهد گفت: ای برکت یافتگان خدا! بیایید و آن مملکت را که از ابتدای عالم برای شما مهیا شده بود تصرف نمایید. (۴۶) و آنها [اصحاب دست چپ] در عذاب ابدی خواهند رفت، و عادلان در حیات ابدی.

۲. بشارات عهدین، صفحه ۲۶۱؛

قسیس فنر آلمانی در صفحه ۲۷۱ میزان‌الحق بسی اصرار و پافشاری دارد که مورد بشارت در این قیام جهانی، خود مسیح است که در زمان آخرین از آسمان فرود آید و زمام امور بشریت را در دست گیرد. ولی چنانکه در مکاشفه ۱۲ [مکاشفات یوحنا لاهوتی] خواهد آمد، و آیات فوق نیز گواهی می‌دهد - زیرا از تمامی آیات فوق‌الذکر نمودار است که مسیح از شخص دیگری خبر می‌دهد - مورد بشارت به طور قطع خود آن حضرت نیست.

پایان آشفتهگی

ظلم و ستم منشأ همه آشفتگی‌ها در جهان است. از کوچکترین ستم مانند بدگمانی به دیگران، پیش داوری درباره آنان، نسبت ناروا دادن به ایشان، سخن پراکنی پشت سرشان و تهمت زدن به آنها گرفته تا بیدادگری‌های بزرگ همچون قتل و کشتار، چپاول اموال، تعرض به ناموس و سرزمین، و نابودی نسل‌ها؛ همگی موجب پریشانی بشر و به هم خوردن امنیت روانی و مادی او، و ایجاد ترس و اضطراب در میان انسان‌ها می‌شود. از طرفی فقر و گرسنگی، تبعیض و نژاد پرستی، و خودکامگی و استبداد، و هزاران بی‌عدالتی دیگر نیز ریشه در ظلم و جور و ستم دارد. ظلم و جوری که با حسادت ورزیدن قابیل به برادرش هابیل -فرزند آدم، انسان نخستین- و اقدام به قتل وی، در جهان هستی آغاز گردید و روز به روز روبه فزونی گذارد تا جایی که در عصر حاضر مردم جوامع بشری با این تهدید روبرو هستند که ممکن است همین زیاده خواهی‌ها منجر به شلیک بمب‌های اتمی در جهان گردد و در پی آن فاجعه‌ی عظیم انسانی بر روی کره زمین بوجود آید.

امروز که مردم روی زمین در رفاه و آسایش نسبی به سر می‌برند تنها نگران بروز چنین رخدادی در جهان هستند، و جنگ‌ها و نابسامانی‌های گوناگونی که به صورت پراکنده در جای جای جهان وجود دارد، از

آنجا که دامن گیر همگان نشده است تنها اسباب تأثر و تأسف و خروش را در آگاهان از این حوادث به وجود آورده تا حدی که هر از چند گاهی به صورت صدور بیانیه و گردهمایی‌هایی جلوه گر می‌شود و یا انجمن‌ها و نهادهای دفاع از حقوق بشر، دفاع از حقوق زنان، کودکان و گرسنگان را در قالب جمعیت‌های خیریه به فعالیت وامی‌دارد. همین مقدار و بس.

لیکن روزی فرا خواهد رسید که پیشرفت دانش و تکنولوژی که امروز از آن به عنوان تأمین کننده و گسترش دهنده وسایل رفاه بشر یاد می‌شود، وبال جان بشریت گردد و چنان به نابودی انسان‌ها بیانجامد که بازماندگان از آن حوادث شوم، بارها شکوه کنند که ای کاش جوامع بشری هرگز به چنین پیشرفت‌هایی دست نمی‌یافت! ای کاش هیچگاه انسان تسلیحات الکترونیکی را اختراع نمی‌کرد، موتور جت را نمی‌ساخت، و دانش ماهواره‌های فضایی و پایگاههای پرتاب آن را نمی‌آموخت. چرا که در این روزگار که انسان پیشرفته به این همه دست یافته، به طغیان غرائز بشر نیندیشیده و قدرت و روش مهار آن را در اختیار نگرفته است. بشر امروز نمی‌داند - و هرگز نخواهد آموخت - که به هنگام طغیان و سرکشی خشم در خود چه باید بکند؟ او نمی‌داند شهوت لجام گسیخته که منجر به تجاوز به دیگران می‌شود را چگونه باید مهار کند؟ او توان احاطه بر روحیه‌ی جاه طلبی و ثروت اندوزی را در خود سراغ ندارد. او هیچگاه نتوانسته و نمی‌تواند دیگران را بر خود مقدم بدارد و هر چه برای خود می‌پسندد برای آنان نیز پسندد، و آنچه را برای خود نمی‌پسندد از دیگران نیز بر حذر بدارد. بلکه خودخواهی بشر او را واداشته که همه چیز و همگان را برای خود بنخواهد.

از اینروست که آشفتگی‌ها در جهان روز به روز بیشتر خواهد شد و تا آنجا پیش خواهد رفت که بر اثر جنگ جهانی سوّم و استفاده از بمب‌های اتمی و هیدروژنی، بیش از دو سوّم مردم جهان کشته خواهند شد، و در آن روز - که همان آخرالزمان و انتهای عالم است - یک سوّم جمعیت باقی مانده بر همه قدرت‌های مادی نفرین می‌فرستند. در آن روز است که انسان‌های به ستوه آمده از ظلم و فساد در جهان - با هر عقیده و مذهبی - به سوی پروردگار دست بلند نموده و از او می‌خواهند که به آشفتگی‌های جهان سرانجام بخشد. از او می‌خواهند یا عالم را به انقراض و نابودی کامل درآورد و یا منجی و رهایی بخش خود که همه برگزیدگان الهی پیشین به او بشارت داده‌اند را برساند و جهان نابسامان را سامان دهد. چرا که در آن روز، بشر از همه قدرت‌های مادی ناامید گردیده و درمان دردهای خود را در یک قدرت معنوی روحانی می‌بیند.

در آن روز، مسیحیان جهان در انتظار قدوم حضرت مسیح برای اداره جهان هستند و هر یک از دیگر ادیان نیز منجی موعود خود را چشم می‌کشند. در این میان مسلمانان جهان، بوی عطر آخرین فرزند پیامبرشان حضرت مهدی موعود را استشمام می‌نمایند. همو که به مانند مسیح، بیش از یک‌هزار و دویست سال است که از دیده‌ها پنهان گردیده، همو که بشارت همه منادیان رهایی، و آیات همه کتاب‌های آسمانی - بیش از همه - بر او منطبق است. البته در آن روزگار، خداوند به عروج حضرت مسیح نیز پایان خواهد بخشید و او نیز برای یاری منجی موعود باز خواهد گشت.

چه پر نهب است لحظه ظهور، چه شورانگیز است هنگامه ملاقات،

چه وصف ناپذیر است پایان عروج و غیبت، چه پر تپش است دل‌های مشتاقان، چه اشکبار است چشم‌های بینندگان، و چه مقدّس و مبارک است بیت المقدّس؛ سرزمینی که در آن حضرت مسیح و مهدی موعود به یکدیگر خواهند پیوست، و در آن هنگامه‌ای که همگان برای برپایی نماز در صفوفی به هم پیوسته مهیا گردیده‌اند، مهدی موعود از مسیح می‌خواهد که پیش بایستد و امامت نماز گزاران را به عهده گیرد و او، فرزند مسیّا - آخرین برگزیده الهی و پیامبر خاتم - را بر این امر سزاوارتر می‌شمارد و خود در صف اول نماز گزاران، به وی اقتدا می‌کند. گویی فرزندان آدم که در پهنه گیتی به این صحنه چشم دوخته‌اند تا دریابند که پادشاه تشکیل دهنده حکومت جهانی کدام یک از این دو تن است، با پاسخ عملی پرسش خویش مواجه گردیده‌اند؛ و بر آن قدرت روحانی معنوی درود می‌فرستند که در آن نه تنها ستیزی برای کسب قدرت نیست بلکه اصرار بر گریز از آن است. بشریت در آن روز در می‌یابد که اگر همه پیامبران و اولیاء و صالحان در یک نقطه گرد هم جمع شوند، هرگز در میان آنان اختلاف و کشمکشی در نخواهد گرفت. چرا که آنان مظهر عطوفت و مهر ورزی و اسیر کنندگان هواهای نفسانی‌اند. از اینروست که خداوند در تورات و زبور و انجیل و قرآن، وعده فرموده است که در انتهای عالم زمین به بندگان صالح من واگذار خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. قرآن کریم، سوره‌ی انبیاء، آیه ۱۰۵؛

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

ما به حقیقت در کتاب زبور داود، و قبل از آن در تورات؛ این بشارت عظیم را ثبت نمودیم که در آینده وراثت و حکومت زمین از آن بندگان صالح و نیک کردار ما خواهد بود.

زبور داود، مزمور ۳۷؛

(۹) زیرا که شیران منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندک است که شیر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود. (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد.

(۱۴) شیران شمشیر را کشیدند و گمان را چله کردند تا آنکه مظلوم و مسکین را بیندازند؛ و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد.

(۱۶) کمی صدیق از فراوانی شیران بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شیران شکسته می‌شود، و خداوند صدیقان را تکیه گاه است. (۱۸) خداوند روزهای صالحان را می‌داند، و میراث ایشان ابدی خواهد بود. (۱۹) در زمان بلا، خجل نخواهند شد و در ایام قحطی، سیر خواهند بود. (۲۰) لکن شیران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند مثل پیه بره‌ها، فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد.

(۲۲) زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد. اما ملعونان وی، منقطع خواهند شد.

(۲۹) صدیقان، وارث زمین شده ابدأ در آن ساکن خواهند شد.

(۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگاه دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شیران، این را خواهی دید.

کتاب زند زرتشتیان؛

لشگر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً



➤ پیروزی با اهریمنان باشد. اما نه به طوریکه بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد، و محاربهٔ ایشان نه هزار سال طول می‌کشد. آن گاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود، و اهریمنان را منقرض می‌سازند. تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند؛ و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی‌آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.

کتاب حکى نبى، فصل ۲؛

(۷) تمامی امم را به هیجان می‌آورم، و مرغوب همگی طوائف خواهد آمد، و پر می‌کنم این خانه را از جلال؛ امر خدای لشگرهاست.

بشارات عهدین، صفحه ۲۳۹؛

بر حسب نصوص متواترهٔ اسلامی و کتب مقدسهٔ انبیاء؛ حامل لواء انقلاب جهانی و پرچمدار نهضت بی‌سابقه‌ای که تمامی ملل جهان را به هیجان می‌آورد، و مرغوب و مورد انتظار جهانیان می‌باشد حضرت محمد بن الحسن العسکری قائم و مهدی آل محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است که خانهٔ خدا را پر از جلال کند و آئین خدا را در سراسر جهان منتشر سازد.

جز آن که اهل هر دیانت و ملت، مرغوب طوائف و منجی بشریت را به عنوان پیشوای خود معرفی نموده و پیمبر خود را حامل این لواء می‌پندارند. بلکه کسانی هم که پیرو هیچ یک از شرایع آسمانی نمی‌باشند در ظلمات بیدادگری و بی‌امنی - که روزنهٔ امید از هر سو بسته - به انتظار یک مصلح عمومی و جهانی به سر می‌برند.

قرآن مجید، سوره‌ی نور، آیه ۵۵؛

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

امروز رجال ادیان و مذاهب دنیا همچون بزرگان اسلام و مسیحیت هر یک بر سر حقیقت آئین خود با دیگری به بحث و مناظره می‌نشینند؛ در حالیکه پس از ظهور منجی در انتهای عالم، همه بشریت به یک دین درآمده و پیرو یک آئین خواهند شد، و همان گونه که تمام کشورهای جهان تحت حاکمیت یک نظام واحد جهانی اداره خواهند شد در میان تمام مردم جهان نیز همگرایی دینی و فرهنگی به وجود خواهد آمد.<sup>۱</sup>

➤ اشْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً ایشان را حکمران روی زمین خواهد نمود، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید. [همچون حضرت سلیمان نبی] و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده، پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت. و ترس‌شان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد نمود. آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

۱. کتاب صفیای نبی، فصل ۳؛

(۶) برای گرد آوردن تمامی طوائف بشر بر یک دین حق، سلاطین و دول مختلفه را نابود کنم، و به گرمی غضب من تمامی روی زمین بسوزد. (۷) آن وقت برگردانم به قوم‌ها لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش.

کتاب اشعیای نبی، فصل ۴۵؛

(۲۲) رو کنید به من و رستگار شوید ای همه جمعیت زمین! که منم خدا و نیست

➤ دیگری. به خود سوگند می‌خورم، بیرون آمد از دهان من به راستی سخنی و ندارد برگشت که: برای من زانو دوته کنند همهٔ آفریدگانم و قسم خورند به من همهٔ زبان‌ها.

شاکمونی از بزرگان هندو در کتاب آسمانی‌اش:

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان - کشن بزرگوار - تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از سودان که زیر خط استواست تا عرض تسعین که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب شود؛ و دین خدا یک دین شود، و دین خدا زنده گردد، و نام او ایستاده [قائم] باشد، و خدا شناس باشد.

جاماسب نامه؛

مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم؛ مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق؛ و بر دین جدّ خویش بود، با سپاه بسیار و روی به ایران نهاد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد؛ و مردم بسیار شوند و عمر، دیگر باز به درازی کشد؛ و باز گردد چنانکه مردی بود که او را پنج‌جاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود و پر از حیوان شود و همچون عروسی شود؛ و همه کس به دین مهر آزمای [نام مبارک پیامبر خاتم در کتاب جاماسب] باز آیند، و جور و آشوب از جهان برخیزد چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن؛ و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.

جهان آشفته‌ای که در انتهای عالم سراسر ظلم و جور و بیداد است پس از ظهور منجی، از داد و قسط و عدل آکنده و سرشار می‌گردد. فقر و گرسنگی و محرومیت به تمامی برچیده می‌شود، و چنان آرامش و آسایش و امنیتی در جهان حاکم می‌شود که اگر زنی از آمریکا و اروپا به آسیا سفر کند، احدی متعرض او نخواهد شد.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الانوار، اثر علامه مجلسی، جلد ۱۳:

قال رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم: یملاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملأت ظلماً وجوراً.

پیامبر خاتم - که درود خدا بر او باد - فرمود: پس از ظهور منجی، دنیا سرشار از عدالت و داد می‌گردد چنان که در انتهای عالم از بیداد و ستم آکنده خواهد بود.  
زبور داود، مزمور ۷۲:

(۱) ای خدا! شرع و احکام خود را به ملک [پیامبر خاتم]، و عدالت خود را به ملک زاده [منجی آخر الزمان مهدی موعود] عطا فرما. (۲) تا اینکه قوم تو را به عدالت، و فقراء تو را به انصاف حکم نماید. (۳) به قوم کوه‌ها، سلامت و کریوها، عدالت برساند. (۴) فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند. (۵) تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند. (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار که زمین را سیراب می‌گرداند خواهد بارید. (۷) و در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود. (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود. (۹) صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنان خاک را خواهند بوسید. (۱۰) ملوک طریش و جزیره‌ها هدیه خواهند آورد، پادشاهان شبا و سبا پیشکش‌ها تقریب خواهند نمود. (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود و تمامی امم

➤ او را بندگی خواهند کرد. (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت کننده ندارد خلاصی خواهد داد. (۱۳) و به ذلیل و محتاج ترخم خواهد فرمود، و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد. (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود. (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد. (۱۶) در زمین به سر کوه‌ها مشت غله کاشته می‌شود که محصول آن مثل اسنان متحرک شده اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود. (۱۷) اسم او ابدأ بماند. اسمش مثل آفتاب باقی بماند. در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت. (۱۸) بلکه اسم ذوالجلال او ابدأ مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود. (۱۹) دعای داود پسر یسی تمام شد.

#### کتاب اشعیای نبی، فصل ۱۱:

(۱) و نهالی از تنه یسی [پدر حضرت داود] بر آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش قد خواهد کشید. (۲) و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید. (۳) و او را در خشیت خداوند، تیز هوش گردانیده موافق منظور نظرش، حکم و مطابق مسموع گوشه‌هایش، تنبیه نخواهد فرمود. (۴) بلکه ذلیلان را به عدالت، حکم و برای مسکینان زمین، به راستی تنبیه خواهد نمود؛ و زمین را به عصای دهانش زده، به روح لب‌هایش شریر را خواهد کشت. (۵) و کمر بند کمرش عدالت، و وفا نطق میانش خواهد بود. (۶) و گرگ با بزّه سکونت داشته، ببر با بزغاله، و هم گوساله و پرواری‌ها با شیر جوان هم خوابه خواهند شد و طفل کوچک، راعی ایشان خواهد بود. (۷) و گاو با خرس خواهد چرید و بچگان آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه بن را خواهد خورد. (۸) و شیر خواره به سوراخ صاغر مار بازی

➤ خواهد کرد، و کودک از شیر باز داشته شده دست خود را به مغاره افعی دراز خواهد کرد. (۹) و در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد. زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب‌هایی که دریا را فرا می‌گیرند پر خواهد شد. بشارات عهدین، صفحه ۲۵۳؛

نهالی که از تنه یسی خواهد روید، و مورد بشارت در آیات فوق محتمل است یکی از چهار نفر شخصیت‌های عظیم روحانی و رهبران عالی قدر بشریت حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی [مسیح] و حضرت محمدبن الحسن علیه السلام [مهدی موعود] باشند. زیرا داود و سلیمان فرزندان پسر یسی، و حضرت عیسی بن مریم [یسوع] نواده دختری وی، و حضرت محمدبن الحسن [مهدی موعود] نیز از جانب مادرش نرجس خاتون - که دختر پادشاه روم و از نسل حضرت داود است - نواده دختری یسی می‌باشند.

جز آنکه دقت و بررسی کامل در آیات فوق، آنها را ویژه حضرت محمدبن الحسن علیه السلام - ساخته و بشارت از ظهور آن نور قدوسی می‌دهد. زیرا آیات ۶ الی ۸ بسط عدالت شخص مورد بشارت را به اندازه‌ای قوی و وسیع معرفی کرده که در پرتو آن جانوران و درندگان نیز صلح کنند و خوی درندگی و خون‌خواری را از دست بدهند، و این موقعیت نه تنها در زمان نبوت داود و سلیمان و عیسی پیدا نشده بلکه از آغاز بعثت انبیاء تا کنون نیز به مرحله ظهور نرسیده است، و پرچمدار عدل عمومی و صلح جهانی که بشریت را به بالاترین مدارج کمال و انسانیت رساند همان قائم موعود و موعود کل ملل خواهد بود.

کتاب مهدی موعود، نوشته‌ی مرحوم استاد علی دوانی؛

این کتاب به توصیف کامل شرایط قبل و بعد از ظهور منجی موعود، و بررسی اخبار و روایات اسلامی در این خصوص پرداخته است.

حال، این پرسش پیش روست که منجی بشریت چگونه عدل را در برابر بیدادگران و زیاده خواهان جهان استقرار می بخشد؟ او چگونه برخلاف قدرت طلبی زمامداران کشورهای مقتدر که بر ملیت خود اصرار می ورزند حکومت واحد جهانی را به وجود خواهد آورد؟ چگونه همه مردم جهان را به پیروی از یک دین و آئین در می آورد در حالی که ملت ها بر ادیان خویش تعصب می ورزند! آیا او با بهره گیری از جدیدترین تسلیحات نظامی و سلاح ها و تجهیزات پیشرفته و نوین، به مقابله با زورمداران و قدرت های سلطه گر جهان خواهد پرداخت؟ و آیا برای تحقق اهداف عدالت گسترانه منجی موعود در جهان، جنگ و رویارویی عظیمی در پیش است؟

اگر وضعیت روزگار ظهور منجی را همچون شرایط کنونی عصر حاضر تصور نماییم بی گمان چنین تصویری را از آن روزها در ذهن خواهیم پروراند؛ لیکن پیشگویی های برگزیدگان الهی از وقایع آخرالزمان و عصر ظهور، استفاده منجی موعود از تجهیزات پیشرفته کشتار جمعی را منتفی دانسته، و تنها سلاحی را که برای وی برشمرده اند شمشیر است.<sup>۱</sup>

۱. مکاشفات یوحنا لاهوتی، فصل ۲؛

(۲۶) و هر کس که غالب آید و تا انجام، اعمال مرا نگاه دارد وی را بر قبایل اقتدار خواهم داد (۲۷) که بر آنها به عصای آهنین [شمشیر] حکمرانی خواهد کرد که چون کوزه های کوزه گر خورد می شوند.

بحار الانوار، جلد ۱۳؛

عن الصادق - علیه السلام - قال: ...خروج القائم المهدي بالسيف في آخر الزمان....



شمشیر یعنی همان آلت برنده‌ای که تنها در رویارویی تن به تن و ستیز فردی می‌توان از آن بهره گرفت و امروزه از آن به عنوان نماد فرماندهی نیروهای نظامی استفاده می‌شود. چنانکه فرمانده یگان تشریفات هنگام دعوت از شخصیت‌های رسمی برای سان دیدن از نیروها، شمشیر به دست می‌گیرد و اداء احترام نظامی می‌نماید.

به نظر می‌رسد شمشیر در دستان منجی موعود نیز نماد قهر الهی در برابر ستمکاران و جفا پیشه گان باشد. چرا که همان گونه که یاد شد رهایی بخش بشریت از آشفتگی‌ها هنگامی ظهور می‌نماید که بیش از دو سوم مردم جهان بر اثر جنگ و خونریزی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته کشتار جمعی، در خون دشت و پا زده جان خود را از دست داده‌اند. حال تصور نمایید که حالت آن یک سوم باقی مانده چگونه است؟ آن مردم عزیز از دست داده در خاک و خون تپیده و بی‌خانمان، از همه قدرت‌های مادی برای اصلاح امور خود و به سامان در آوردن آشفتگی‌های جهان مأیوس و ناامید خواهند بود، و تنها از پروردگار هستی یک قدرت روحانی و معنوی ماوراء نظام‌های مادی را می‌طلبند که نجات بخش آنان از آن روزگار جهنمی باشد.

در چنین شرایطی که مزاج بشریت برای ظهور منجی موعود مهیاست خداوند او را به جهان باز خواهد گردانید، در غیر این صورت چنانچه مردم دنیا هنوز به اصلاح نابسامانی‌های جهان از طریق قدرت‌ها و نظامات مادی امید داشته باشند قطعاً ظهور رهایی بخش به تعویق خواهد افتاد.

---

➤ امام صادق - که درود خدا بر او باد - فرمود: قیام مهدی موعود در انتهای عالم با استفاده از شمشیر است.

در آن روز که او بیاید و خود را به جهانیان معرفی نماید مردم چنان با اشتیاق به سوی او هجوم برند، پیرامونش را احاطه کنند و از او تبرک بجویند که گویی گله‌های تشنه رها شده در بیابانند که بوی آب به مشامشان رسیده و پر هراسیمه به سوی آن می‌دوند. گویی عیسای مسیح برای زنده کردن مردگان و شفا بخشیدن دردهای بی‌درمان از آسمان به زمین بازگشته و مسیحیان او را دربر گرفته‌اند.

روز فتح جهان به دست منجی موعود بسان روز فتح مکه توسط پیامبر خاتم است. آن دم که مسلمانان پر خروش چنان اقیانوسی پر تلاطم شهر مکه را در نور دیدند در حالی که قطره‌ای خون از بینی کسی نچکید و مشرکان ستیزه جوی متعصب گروه گروه به اسلام گرویدند. در آن روز نیز پیامبر خاتم و سپاه اسلام شمشیرهای از نیام کشیده شده در دست داشتند ولی در آن حال که خدای دل‌های کافران را از هیبت مسلمانان به تپش در آورده بود و آنان دُچار رعب و وحشت گردیده بودند، رسول گرامی اسلام آن روز را روز رحمت، روز بخشش، و روز رهایی نامید.<sup>۱</sup>

۱. قرآن مجید، سوره‌ی نصر؛

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾.

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد \* و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند \* پروردگارت را تسبیح و حمد کن.

قرآن کریم، سوره‌ی فتح، آیه ۲۵؛

﴿وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٍ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ

چگونه می‌توان پذیرفت که عدالت گستر جهان از سلاح‌های پیشرفته کشتار جمعی بهره‌گیرد در حالی که این تسلیحات نظامی همگان را -خواه مجرم و بی‌گناه- در معرض خویش قرار می‌دهند، حتی صدای مهیب انفجارها و شکسته شدن دیوار صوتی به وسیله بمب افکن‌ها که برای کودکان بی‌گناه و زنان باردار وحشت‌زا و ترس‌آور است با روح دادگستری‌رهایی بخش بشریت از آشفته‌گی‌ها ناسازگار است. او تنها کسی است که ناچار نیست برای گسترش عدل و داد و آزادی انسان‌ها، عده‌ای بی‌گناه را نیز قربانی کند و آن را هزینه عدالت گستری بداند. او مصلح بشریت است. او ارمغان آور مهر و رزی و عطوفت است. یاری‌گر او عیسای مسیح پیامبر رحمت و بشارت است که کتاب آسمانی‌اش انجیل -یعنی بشارت- نام گرفته است. او همان فرزند پیامبر خاتم یعنی رحمت گسترده برای جهانیان است که اگر خاری به پای مظلومی فرو رود گویی دل او مجروح گردیده است.

دریافتن رویدادها و فهم نیک شرایط دوران پیش از ظهور منجی، و تحولات عظیم و بی‌نظیری که پس از ظهور او در جهان روی می‌دهد

➤ مَعْرَةً بغيرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

و اگر مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما زیر دست و پا از بین نمی‌رفتند -که در این رهگذر عیب و انتقادی ناآگاهانه به شما می‌رسید- خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد. هدف این بود که خدا هر که را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند، و اگر مؤمنان و کافران در مکه از هم جدا بودند کافران را عذاب دردناکی می‌نمودیم.

چنان ژرف و ناباورانه است که خدای به دانیال نبی می فرماید: اسرار آن تا زمان آخرین منجی بشریت پنهان خواهد ماند و جز دانشمندان و محققان ژرف اندیش از فهم و تصوّر آن درمانده اند. درک آن، عصری را می طلبد که عقل و دانش بشر کامل گردد و اسرار آفرینش و هستی هویدا شود تا حدّی که بشر سخن از رجعت و زنده شدن دوباره مردگان را، پنداری رؤیایی و گفتاری بهت آور نخواند. از این روی شما هم ای دانشمندان و عالمان به اسرار! همچون دانیال نبی راه خود در پیش گیرید و گذران نمایید تا آن دم که در منصب خود باز ایستید و در شمار یاران منجی نظاره گر جهانی به دور از آشفته گی ها باشید.<sup>۱</sup>

۱. کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲:

(۱) در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد، و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا سر این زمان نبوده است، واقع شود و در آن زمان، قوم تو هر کس که در کتاب مکتوب یافت شد نجات خواهد یافت. (۲) و از خوابندگان در خاک زمین، بسیار بیدار خواهند شد؛ بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی. (۳) و دانشمندان مثل ضیای سپهر، و کسانی که بسیاری را به راه صداقت رهبری نمایند مانند کواکب تا ابد درخشان خواهند بود.

(۴) اما تو ای دانیال! کلمات را مخفی کن و کتاب را تا زمان انجام کار، مختوم ساز تا حینی که بسیار گردش کرده علم زیاد گردد.

(۵) آن گاه من دانیال نگریستم؛ و اینک دو شخص دیگر - یکی به این طرف نهر و دیگری به آن طرف نهر - می ایستادند. (۶) و یکی به مرد ملبّس شده به کتان که بالای آبهای نهر ایستاده گفت که انجام این عجایبات تا به چند می کشد؟ (۷) و آن

---

➤ مردِ ملبس شده به کتان را که بالای نهر می ایستاد شنیدم در حالی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرد، به حیّ ابدی سوگند یاد نمود که: برای یک زمان و زمان‌ها و نیم زمان خواهد کشید، و به محض تمام شدن پراکندگی قوت قوم مقدس، همگی این حوادث به انجام خواهد رسید. (۸) و من شنیدم، اما درک نکردم و گفتم که ای آقایم! آخر این حوادث چگونه خواهد شد؟ (۹) او گفت: ای دانیال! راه خود پیش گیر، زیرا این کلمات تا زمان آخرین، مخفی و مختومند. (۱۰) بسیاری پاک و سفید و قال گذاشته خواهند شد و از این که شیران شیرانه رفتار خواهند نمود، لهذا هیچ یک از شیران درک نخواهند نمود، و اما دانشمندان فهم خواهند نمود.

(۱۱) اما تو! به انجام کار، راه خود را پیش گیر زیرا که به استراحت گذران نموده؛ در انجام آن روزها در منصب خود خواهی ایستاد. [یعنی رجعت خواهی نمود].

نوشتار به پایان رسید و به گفته حافظ شیرازی:

غرض کرشمه حُسن است ورنه حاجت نیست

جمال دولت محمود را به زلف ایاز

تلاش بر این بود تا بر پایه سخن پروردگار در قرآن مقدس بنگاریم که فرمود:

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۱</sup>

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید... و به آنها بگویید: ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل گردیده ایمان آورده‌ایم. معبود ما و شما یکی است، و همه در برابر او تسلیم هستیم.

حال که از نخستین مطالعه کتاب فارق گشته‌اید، لطفاً با نگاهی ژرف‌تر و تدبیری عمیق‌تر دیگر بار آن را بخوانید؛ به امید آنکه نانوشته‌های آن و تحلیل نوشته‌هایش را با یکدیگر به گفتگو نشینیم.

سید جمال‌الدین شمس  
خرداد ماه ۱۳۸۸

---

۱. قرآن مجید، سوره عنکبوت، آیه ۴۶.

# تذکرہ سید جمال الدین شمس

سید جمال الدین شمس

بہ سفارش

موسسہ بین المللی بکریٹیویٹی فرینڈس ما



# *DESTINY OF THE CHAOTIC WORLD*

**S.Jamaloddin shams**

*ordered by*

**INTERNATIONAL INSTITUTE FOR  
CONVERGENCE OF CULTURES**

This book has ended and as the Persian poet, Hafiz, has said:  
The real objective is to demonstrate the delicacy of love,  
Otherwise the court of Mahmoud has no need for Ayaz.  
In writing this book I have done my best to take into account  
the world of our Lord in the Holy Qur'an which says:

"و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلموا منهم و  
قولوا آمننا بالذي انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له  
مسلمون"<sup>1</sup>

And do not dispute with the followers of divine books except  
in the best manner possible, ... and say to them: We believe in  
all that which has been revealed to us and revealed to you, and  
the God that we and you worship is one and the same, and we  
all submit to Him.

Now that you have read this book for the first time, please read  
it once again with further consideration and deeper perception  
so that we may sit to discuss the meanings behind it and  
analyze them together.

*S. Jamaloddin Shams, May 2009*

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-'Ankabut 29:46.

---

this be? (9) He replied: Go your way, Daniel! Because the words are closed up and sealed until the time of the end. (10) Many will be purified, made spotless and refined, but the wicked will continue to be wicked. None of the wicked will understand, but those who are wise will understand.

(11) As for you, go your way till the end. You will rest, and then at the end of the days you will rise to stand in your position [i.e. you will be brought back to life].

\* \* \*

an age that the reason and knowledge of mankind has perfected and the secrets of creation and existence have been revealed so that mankind does not consider the proposition that the dead shall come back to life as an incredible and unrealistic assertion. Therefore, those scholars that are aware of these secrets shall, like the prophet Daniel, live their lives and pass their time until the moment when they shall stand in their position and be called upon, as a supporter of the savior, to witness a world free of all chaos and disorder.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Daniel, Chapter 12;**

(1) At that time Michael, the great prince who shall stand up for the sons of your people, will arise. There will be a time of distress such as has not happened from the beginning of nations until then. But at that time every one of your people whose name is found written in the book will be delivered. (2) Multitudes who sleep in the dust of the earth will awake: some to everlasting life, others to shame and everlasting contempt. (3) Those who are wise will shine like the brightness of the heavens, and those who lead many to righteousness, like the stars for ever and ever.

(4) But you, Daniel, close up and seal the words of the scroll until the time of the end. Many will go here and there to increase knowledge.

(5) Then I, Daniel, looked, and there before me stood two others, one on this bank of the river and one on the opposite bank. (6) One of them said to the man clothed in linen, who was above the waters of the river, that how long will it be before these astonishing things are fulfilled? (7) The man clothed in linen, who was above the waters of the river, lifted his right hand and his left hand toward heaven, and I heard him swear by him who lives forever, saying that it will be for a time, times and half a time and as soon as the dispersion of the power of the holy people has been finally ended, all these things will be completed. (8) I heard, but I did not understand. So I asked: My lord! What will the outcome of all

How could the one who has come to establish justice in the world use a weapon of mass destruction that indiscriminately affects all people, irrespective of their guilt or innocence? Even the horrifying sound of explosions and of the breaking of sound barrier by aircrafts which strikes fear in the hearts of innocent women and children is inconsistent with the just spirit of the deliverer of mankind from disorder. He is the only person who does not have to sacrifice innocent lives for the spread of justice and for the liberation of mankind. He is the reformer of mankind. He is the herald of kindness and compassion. His aid is Jesus Christ, the prophet of mercy and glad tidings, whose holy book is named the Gospel, meaning “good news”. He is the son of the last prophet who is the all encompassing mercy for the whole world, the prophet who was so sensitive that he considered a thorn in the foot of an oppressed person, like an injury to his own heart.

The circumstances before the coming of the savior and the great and unprecedented events that follow his coming are so incredible that God says to the prophet Daniel that its secrets shall remain hidden until the time of the last savior of mankind and no one shall be able to understand and imagine them except those scholars and researchers that are deeply perceptive. Understanding of these secrets is only possible in

---

in Mecca, We would certainly have punished the disbelievers with a grievous punishment.

him.

The day on which the promised savior will conquer the world is similar to the day when Prophet Mohammad – God’s blessing upon him and his family – conquered Mecca. On that day, enthusiastic Muslims took over the city of Mecca like a tumultuous ocean, without even a drop of blood being shed and the uncompromising hostile disbelievers converted to Islam in groups. On that day too the prophet of Islam and his army were only equipped with unsheathed swords, but while God had set the fear and awe of Muslims in the hearts of the disbelievers and they were struck with horror, the prophet of Islam named that day the day of compassion and forgiveness and the day of deliverance.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> Holy Qur’an, Al-Nasr 110:1-3;

”اذا جاء نصر الله و الفتح \* و رأيت الناس يدخلون في دين الله افواجا \* فسيح بحمد ربك.”

When the help of God and victory comes \* and you see people converting to the religion of God in multitudes \* glorify your Lord and praise Him.

**Holy Qur’an, Al-Fath 48:25;**

”و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم ان تطوؤهم فتصيبكم منهم معرة بغير علم ليدخل الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا اليما.”

And had there not been believing men and believing women whom unknowing to you were trampled down – on whose account a crime would have accrued to you without your knowledge – God would not have prevented this battle. The purpose was that He may admit to His Mercy whom He will. If the believers and the disbelievers had been apart

mentioned above, the deliverer of mankind from distress and confusion shall emerge at a time when two thirds of the world population have lost their lives in war and as a direct result of modern weapons of mass destruction. Now just imagine the state of the remaining one thirds. These people who have lost their loved ones and their abodes, have also lost faith in the ability of all material and worldly powers to improve their lot and to reorganize and put to order the chaotic state of the world. So their only remaining hope is to pray to the Lord of the world so that he may send a spiritual and divine power, over and above all material powers, that will salvage them from their unbearable state of life.

In such conditions, when mankind is ready for the coming of the promised savior, God will send him back to the world. Otherwise, if the people of the world still expect to change and improve the disorders of the world through material and worldly powers and systems, then certainly the coming of the savior would be postponed. The day when the savior comes and introduces himself to the world, people will be very enthusiastic about him and will flock to him and gather round him and seek his blessing, as if an abandoned and thirsty flock of sheep has got wind of water in the desert and is hurrying towards its source. It is as if Jesus Christ has returned from heaven to earth in order to bring the dead back to life and heal incurable maladies and the Christians have gathered round

oppressing sovereigns of the world? Will there be a great war and confrontation before the realization of the savior's intention to expand justice?

If we imagine the situation at the time of the coming of the savior to be similar to the current situation, undoubtedly we would come to the conclusion that a confrontation is inevitable. However, the predictions of the divine prophets dismiss any possibility of use of modern means of mass murder. In fact the only weapon referred to is sword.<sup>1</sup>

A sword is a cutting device that could only be used in one-to-one battle or personal combat and today is used by the armed forces as the insignia of authority. Thus when welcoming a head of state or other officials, the commander of the soldiers charged with the performance of the welcoming ceremony holds a sword.

It seems that the sword at the hands of the promised savior is also a sign of God's wrath towards the oppressors, for as

---

<sup>1</sup> Revelations, Chapter 2;

(26) To him who overcomes and does my will to the end, I will give authority over the nations. (27) He will rule them with an iron scepter[a sword] that will dash them to pieces like pottery.

Behar-ol-Anvar, vol. 13;

عن الصادق - عليه السلام - قال: ... خروج القائم المهدي بالسيف في آخر الزمان ...

Imam Sadegh - God' greetings upon him - said: the promised Mahdi will rise at the end of world, armed with a sword.



Now the question is how will the savior of mankind establish justice in spite of all the oppressors and the tyrants? How will he create a universal government, when the rulers of powerful nations in order to keep their power insist upon their national identity? How will he persuade the people of the world to follow one single religion, when each group is attached with considerable zeal to his own religion? Will he use the most modern weapons and the newest facilities in order fight the

---

**Good News of the Two Testaments, p. 253;**

The shoot from the stump of Jesse which is the subject of the above verses could be one of these four grand religious persons and magnificent leaders of mankind: Prophet David, Prophet Solomon, Prophet Jesus [Christ] and Imam Mahdi (greetings upon him), for David and Solomon are the direct descendants of Jesse and Jesus Christ descends from him through his mother who is a grand daughter of Jesse. Imam Mahdi too through his mother, Narjes Khatun – who was the daughter of the Roman Caesar and from the descendants of David – can trace his lineage to Jesse.

However, a close study of these verses shows that the person they intend is in fact Imam Mahdi (greetings upon him). Verses 6 to 8 speak of such extensive justice that will bring peace to the animals and make them lose their instinct to kill and shed blood. Not only such a thing has never happened during the times of David, Solomon and Jesus, but since the time of the first prophet till now, a similar situation has no occurred. Therefore the herald of the general justice and the universal peace that will make mankind reach the zenith and perfection of humanity, is the promised Qa'em who is awaited by all world.

**Promised Mahdi, written by late Master Ali Davani;**

This book has fully described the circumstances before and after the rise of the promised savior, and has analyzed the Islamic sayings and Hadiths with this respect.

to sea and from the river to the ends of the earth. (9) The desert tribes will bow before him and his enemies will kiss the ground. (10) The kings of Tarshish and of distant shores will bring tribute to him; the kings of Sheba and Seba will present him gifts. (11) All kings will bow down to him and all nations will serve him. (12) For he will deliver the needy who cry out, the afflicted who have no one to help. (13) He will take pity on the weak and the needy and save the needy from death. (14) He will rescue them from oppression and violence, for precious is their blood in his sight. (15) And he will live long and from Sheba will be given to him. (16) Fistfuls of Grain will be sowed on the tops of the hills and its fruit will sway like spears and the people of the cities will blossom like the grass of the field. (17) May his name endure forever. May it continue as long as the sun. All nations will be blessed through him, and they will call him blessed. (18) Praise be to his glorious name forever; may the whole earth be filled with his glory. (19) This concludes the prayers of David son of Jesse.

**Isaiah, Chapter 11;**

(1) A shoot will come up from the stump of Jesse [father of David]; from his roots a branch will thrive. (2) The spirit of the Lord will rest on it – the spirit of wisdom and of understanding, the spirit of counsel and of power, the spirit of knowledge and of the fear of the Lord. (3) And he will be judicious in the fear of the Lord. He will not judge by what he sees with his eyes, or decide by what he hears with his ears; (4) but with righteousness he will judge the needy, with justice he will give decisions for the poor of the earth. He will strike the earth with the rod of his mouth; with the breath of his lips he will slay the wicked. (5) Righteousness will be his belt and faithfulness the sash around his waist. (6) The wolf will live with the lamb, the leopard will lie down with the goat, the calf and the lion and the yearling together; and a little child will lead them. (7) The cow will feed with the bear, their young will lie down together, and the lion will eat straw like the ox. (8) The infant will play near the hole of the cobra, and the young child put his hand into the viper's nest. (9) They will neither harm nor destroy on my entire holy mountain, for the earth will be full of the knowledge of the Lord as the waters cover the sea.

The chaotic world, coming at the end of this universe which is filled with oppression and tyranny, after the coming of the savior will be filled with justice and equity. Poverty, hunger and deprivation will be things of the past, and there will be such peace and welfare and security in the world that a woman would be able to travel from America and Europe to Asia, without anyone doing her any harm.<sup>1</sup>

---

mountains and fields will be filled with people and animals and it would be like a feast. And everyone will convert to the religion of Mehrazma [the name of the last prophet in the Book of Jamasb] and oppression and discontent will be done away with, to the extent that people will forget how to use weapons. And if I continue to describe its delights, this life that we have will become unbearable.

<sup>1</sup> **Behar-ol-Anvar, by Allameh Majlesi, vol. 13;**

قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم: يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملأت ظلماً و جوراً.

Prophet Mohammad -- God's blessings upon him -- said: after the coming of the savior, the world would be filled with justice and equity, the same way that it was filled with oppression and tyranny at the end of the world.

**Psalms of David, Psalm 72;**

(1) Endow the king [the last prophet] with your law, O God, the royal son [the savior of the end of days, the promised Mahdi] with your justice. (2) So that he will judge your people with justice, your poor with equity. (3) He will take wholesomeness to the people of the mountains, and justice to the hills. (4) He will rule the afflicted among the people and save the children of the needy and he will crush the oppressor. (5) As long as the sun and the moon remain, they shall fear him through all generations. (6) He will be like rain falling on a mown field, like showers watering the earth. (7) In his days the righteous will flourish; prosperity will abound till the moon is no more. (8) He will rule from sea

and will follow the same faith. In the same way that all countries of the world shall be subject to the same universal government, there will also be religious and cultural convergence and proximity amongst human beings.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Zephaniah, Chapter 3;**

(6) To assemble the nations on one true faith, I will destroy the different kings and kingdoms, and by the fire of my wrath the face of the earth will be burnt. (7) Then I will give back to the peoples, a pure lip so that they may call on the name of the Lord and pray to Him in the same manner.

**Isaiah, Chapter 45;**

(22) Turn to me and be saved, all you people of the earth! For I am God, and there is no other. By myself I have sworn, my mouth has uttered in all integrity a word that will not be revoked: Before me every knee will bow; by me every tongue will swear.

**Shakmuni, a great Hindu man of religion in his divine book;**

The kingdom and world government shall end with the son of the master of mankind – the great Keshan – and he is the man who shall rule over the mountains of the east and the west, and shall ride over the clouds, and the angels shall work for him, and the jinn and man shall serve him, and he shall own from Sudan, below the equator, to the Arctic region on the north pole and the lands of overseas; and the religion of God shall be unified and the religion of God shall be reinvigorated, and his name shall be “standing” [Qa'em] and he shall be a man of God.

**Book of Jamasb;**

A man shall come from the land of the Arab, from the descendants of Hashem; a man with a big head and a big body and a big leg; and he will follow the religion of his forbearer. With a numerous army, he shall head for Iran and shall build and spread justice on Earth and because of his just rule, wolf and lamb will drink water together. And the number of people shall multiply and once again people shall live long lives, so that there will a man who shall have fifty children, boys and girls. The

Today the religious men of the world such as the great clerics of Islam and Christianity gather dispute the legitimacy of one another's religion and faith. But after the coming of the savior at the end of the world, all mankind will have the same religion

---

the divinities and the destruction of evil, the world shall reach its original state of felicity, and mankind shall sit on the throne of happiness.

**Haggai, Chapter 2;**

(7) I will shake all nations, and the desired of all nations will come, and I will fill this house with glory; this is the order of says the Lord of hosts.

**Good News of the Two Testaments, p. 239;**

According to repeated Islamic texts and the holy books of the prophets, the leader of the universal revolution and the guide of the unprecedented movement that shakes all the nations, and is the desired of all and is awaited by the whole world is his holiness, Mohammad, the son of Hassan Al-'Askari, the Qa'em and Mahdi of the family of Prophet Mohammad (God's blessing upon him and his family). He shall fill the house of God with glory and propagate the religion of God all over the world.

Of course every religion and nation introduces the desired and savior of mankind as its own leader and considers its own prophet as the bearer of this sign. Even those who do not follow any of the divine religions, in the darkness of oppression and insecurity – when all windows of hope are closed – await a universal and world reformer.

**Holy Qur'an, Al-Nur 24:55;**

"وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و

ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدوننى لا يشركون بى شيئا".

God promises to those of you who believe and do good that He will most certainly make them rulers in the earth as He made rulers those before them. [Like the prophet Solomon] And that He will establish their religion which He has chosen for them. And that He will, after their fear, give them security in exchange; so that they shall serve Me, not associating anything with Me.

world, the Earth will be bestowed upon his righteous servants.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Holy Qur'an, Al-Anbiya' 21:105;**

"و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الارض يرثها عبادي الصالحون".

Verily we have recorded this great news in the Psalms of David, and before that in the Torah, that in the future my righteous servants shall inherit the earth.

**Psalms of David, Psalm 37;**

(9) For evil men will be destroyed, but those who hope in the Lord will inherit the land. (10) And soon the wicked will be no more; though you look for them, they will not be found. (11) But the meek will inherit the land and enjoy great peace.

(14) The wicked draw the sword and bend the bow to bring down the poor and needy, and their bows will break.

(16) Better the little that the righteous have than the wealth of many wicked; (17) for the power of the wicked will be broken, but the Lord upholds the righteous. (18) The days of the righteous are known to the Lord, and their inheritance will endure forever. (19) In times of disaster they will not wither; in days of famine they will enjoy plenty. (20) But the wicked will perish: The Lord's enemies will like the fat of lamb disappear; they will vanish like smoke.

(22) For those whom the Lord has blessed shall inherit the land, but those whom he has cursed will be destroyed.

(29) The righteous will inherit the land and dwell in it forever.

(34) Take refuge with the Lord and keep his way. He will exalt you to inherit the land and when the wicked are destroyed, you will see it.

**Zoroastrian Book of Zand;**

The army of evil is continuously at war with the divinities on earth and often the evil is victorious. But this is not in a way to completely annihilate the divinities. For at the critical moments Urmazd, the Lord of the heaven, always helps the divinities who are his children. And the fight between them shall last for nine thousand years. Then the divinities shall achieve a great victory and annihilate the evil. The power of the evil is only on earth and has no place in the heaven. After the victory of

the world in order to help the promised savior.

How glorious is the day of re-emergence, and how exciting is the moment of encounter! The end of ascension and occultation is an indescribable moment, when the hearts of the enthusiasts are beating with joy and the eyes of the witnesses are filled with tears. How holy and blessed is Jerusalem, the land in which Jesus Christ and Imam Mahdi shall join each other. At that place, when all those present form tight rows in order to pray together, the promised Mahdi asks Jesus to lead the prayers, and Jesus responds that it is more fitting for the son of Messiah – God's last chosen man and the seal of prophets – to lead the prayers and joins the first row and prays behind Imam Mahdi. It is as if the descendants of Adam who see this all around the world to find out who of the two men is the king who shall form the universal government, find the answer to their question and praise the spiritual power in which instead of a fight over power, there is insistence to avoid it. On that day, mankind realizes that if all the prophets and saints and the righteous gather in one place, there will never be a dispute or a fight amongst them, for they are the embodiment of compassion and benevolence and have their passions under control. That is the reason why God has promised in the Torah, the Psalms, the Gospel and the Qur'an that at the end of the



and will go on and on. There will be a third world war in which atomic and hydrogen bombs will be used, causing the death of more than two thirds of world population. On that day – which is the Apocalypse and the end of the world – the remaining one third of world population will curse all materialistic powers. On that day, all human beings, repelled by the reigning corruption and oppression in the world and irrespective of their beliefs and religions, will pray to the Lord and ask him to put an end to the disorder and chaos of the world. They will beg him to either bring the world to an end, or send His savior, who has been promised by all the preceding chosen men of God and thus bring the chaotic world to order. For on that day, men would lose faith in any material power and would understand that the cure of their injuries could only be found through a spiritual divine power.

On that day, Christians of the world await the coming of Christ and the followers of each of the other religions too shall await the coming of their respective promised savior. Muslims of the world could feel the coming of the last descendant of their prophet, Imam Mahdi, who like Jesus Christ, has been hidden from the eyes of the public for more than one thousand two /hundred years. The delightful prophecies made by all those who have promised the final deliverance of mankind match him, more than anyone else. Of course on that day, God will end the ascension of Prophet Jesus and he too shall return to



and distress for those who become aware of them. From time to time we see some reaction to such events in the form of announcements and gatherings or associations and charity organizations that try to defend human rights or the rights of women, children and the poor. But that is all that is done.

There will be a day when the development of sciences and technology that today is considered to provide and expand the means of welfare, will cause such a calamity and destruction of human life that the survivors would wish that mankind had never made such progress! They would wish that mankind had never created electronic armaments or jets, or had never learnt the science required for making satellites or their launch facilities. For today even though mankind has achieved all this, he has failed to reign in on his own unstoppable desires and does not have the knowledge, nor the power to control them. Today's man does not know – and will never learn – what he should do when his rage takes over. He doesn't know how to control his unruly lust that leads to violation of others. He lacks the power to take charge of his ever increasing desire to accumulate power and wealth. He has never been able and will never give priority to others and wish for them, what he wishes for himself, and spare them what he does not wish for himself. The selfishness of mankind makes him to want everything and everyone only for his own sake and at his own service.

Hence the chaotic state of the world will continue to increase

Oppression is the source of all chaos in the world. From the slightest of oppressive acts, such as presuming the worse about others, prejudging them, smearing their name, backbiting and wrongfully accusing them, to the most heinous acts of repression such as murder, pillage, violation and genocide; they all cause considerable distress, disrupting the physical and psychological security of human beings and creating fear and unease amongst them. On the other hand, poverty and hunger, discrimination and racism, dictatorship and tyranny, and many other injustices too are rooted in oppression. The oppression that started in this world from the jealousy of Cain towards his brother, Abel, that made him kill his brother, has increased day by day, to the extent that today human societies are faced with the threat that similar covetousness could cause a nuclear war and consequently produce an unfathomable human catastrophe on Earth.

Today that most people live in relative peace and welfare, only such universal events could affect them all and the sporadic wars and other incidents that occur around the world, since they do not really affect the lives of everyone, in the societies that are not involved in them are only the source of concern

End of Chaos

this world only to set the stage for the promised day.<sup>1</sup>

Now the question that comes to mind is who is this savior? Is he Christ himself or some other person for whose help Christ, who has ascended to heaven, shall return at the end of days?<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> **Gospel of Mathew, Chapter 25;**

(31) When the Son of Man comes in his glory, and all the angels with him, he will sit on his throne in heavenly glory. (32) All the nations will be gathered before him, and he will separate the people one from another as a shepherd separates the sheep from the goats. (33) He will put the sheep on his right and the goats on his left. (34) Then the King will say to those on his right: Come, you who are blessed by God! Take the kingdom prepared for you since the creation of the world.

(46) Then they [those on his left] will go away to eternal punishment, but the righteous to eternal life.

<sup>2</sup> **Good News of the Two Testaments, p. 261;**

Father Fender of Germany in page 271 of the Scales of Truth insists that the subject of the good news in the case of this universal revolution is Christ himself who descends from heaven at the last moment and takes up the rule over mankind. However, as it appears in Revelations 12 [Revelations of John] and as the above verses testify, the subject of this promise is certainly not Jesus Christ himself.

The prophets Solomon and David speak of the savior of the end of days as the subject of their passionate love.<sup>1</sup>

But it is Christ (Greetings upon him) who more than anyone else describes the days of deliverance of mankind from confusion and chaos at the end of world, as if he has come to

---

there shall come no one greater than him to the world.

<sup>1</sup> **Song of Solomon, Chapter 5;**

(1) My lover is radiant and ruddy, outstanding among ten thousand. (11) His head is purest gold, his hair is wavy and black as a raven. (12) His eyes are like doves by the water streams, washed in milk, mounted like jewels. (13) His cheeks are like beds of spice yielding perfume. His lips are like lilies dripping with myrrh. (14) His arms are rods of gold set with chrysolite. His body is like polished ivory decorated with sapphires. (15) His legs are pillars of marble set on bases of pure gold. His appearance is like Lebanon, choice as its cedars. (16) His mouth is sweetness itself; he is altogether lovely [Mohammad]. This is my lover, this my friend, O daughters of Jerusalem!

**Psalms of David, Psalm 45;**

(2) You are the most excellent of men and your lips have been anointed with grace, since God has blessed you forever. (3) Gird your sword upon your side, O mighty one; clothe yourself with splendor and majesty. (4) In your majesty ride forth victoriously in behalf of truth, humility and righteousness; let your right hand display awesome deeds. (5) Let your sharp arrows pierce the hearts of the king's enemies; let the nations fall beneath your feet. (6) Your throne, O God, will last for ever and ever; a scepter of justice will be the scepter of your kingdom.

(16) Your sons will take the place of your fathers; you will make them princes throughout the land. (17) I will perpetuate your name through all generations; therefore the nations will praise you for ever and ever.

end and the sky shall double and the Earth shall sink into water and the mountains shall be dispersed. And he will catch the great Ahreman who is against God and His disobedient slave and shall imprison him. And he shall bring back to life many of the righteous and the prophets and some of the evil-doers and disbelievers [in order to punish them].

**Book of Patikel;**

When the day's over, the old world shall renovate and come back to life, and the owner of the new property shall appear from amongst the descendants of two previous world leaders, of whom one is the law of the ending days and the other is the great witness, i.e. the greater testifier who is named Pashen; and the name of the owner of the new property is the Guide. He shall rightfully become king and shall be the successor of Ram, [Ram in Sanskrit is name of God] and shall govern, and he shall have many miracles. Any one who seeks refuge with him and takes up the religion of his fathers shall have a radiant face before Ram. His kingdom shall last for long and his life shall be longer than the descendants of the great nomos, and the world shall end with him and his rule shall extend from the shores of the all-surrounding sea and the Islands of Serandip and the Grave of Adam and the Mountains of Ghamar to the north of Heikal of Venus to Seif-ol-Bahr and the Ocean. And he will destroy the temple of idols in Sumenat and Jaggernat [name of an idol] shall speak on his command and shall fall on earth and then he shall break it down and throw it in the great sea and he shall break every idol, wherever it might be.

**Book of Deed of the Hindus;**

After the destruction of the world, and the end of days a king will appear who shall lead all mankind. His name is he who is helped and he shall take over the world and convert everyone to his religion. He knows everyone whether they are of believers or of disbelievers, and whatever he asks from God is granted to him.

**Book of Bask of the Hindus;**

The religious age shall end with a just king of the end of days who leads the angle, the jinn and men. Justice and truth is with him and he shall recover all that is hidden in the sea and underground and in the mountains, and he informs of what is in the heaven and on Earth, and

Even the great men of religions other than those which are descended from Abraham, like Juke – the leader of Indian Jukies – and Jamasb – a Zoroastrian priest – and Patikel – a Hindu religious man with a holy book – have predicted and promised the coming of such joyful days.<sup>1</sup>

---

"سنريهم آياتنا فى الآفاق و فى انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق".

Soon We will show him our signs in the galaxies and in the soul of man so that it becomes clear for all that He alone is the sole truth of the world.

<sup>1</sup> **Book of Juke;**

The end of world shall turn to a person who loves God and is one of his elect, and his name is blessed. He will bring to life those who have distorted the religions and have trampled upon the rights of God and the prophet and shall burn them. He will renovate the world and punish every wrongful act. His rule shall last for four thousand years, during which he and his kin shall govern.

**Book of Jamasb;**

The prophet of the Arabs shall be the last prophet who shall rise from the mountains of Mecca and shall ride on camels. His people ride on camels and eat with their slaves and sit like slaves. He has no shadow and he sees from behind, just like from the front; and his religion is the most noble of all religions, and his book will abrogate all the other books, and his kingdom will rule over the non-Arabs and will set aside the religion of the Magi and will quell the fire of Sedir and other places of worship and will end the days of Pishdadian and Kianian and Sassanids and Parthians.

And from amongst the descendants of that prophet's daughter one shall appear who is named the sun of the world and the king of the epoch, and by the will of God he shall rule the world and be the last successor to the prophet in the middle of the world which is Mecca. And his rule shall last till the Day of Resurrection and after his kingdom, the world shall

its people, and life to those who walk on it – says: (6) I, the Lord, have called you in righteousness; I will take hold of your hand and will keep you and will give you instead of a covenant, the people and the light of the nations. (7) So that you will open eyes that are blind, free captives from prison and release from the dungeon those who sit in darkness. (8) I am the Lord; that is my name. I will not give my glory to another or my praise to carved idols.

(9) See, the former things have taken place, and new things I declare; before they spring into being I announce them to you: (10) You who go down to the sea, and all that is in it, you islands, and all who live in them! Sing to the Lord a new song, his praise from the ends of the earth. (11) Let the desert and its towns raise their voices; let the settlements where Kedar lives rejoice. Let the people of Sela sing for joy; let them shout from the mountaintops. (12) Let them give glory to the Lord and proclaim his praise in the islands. (13) The lord of our times will march out like a mighty man, like a warrior he will stir up his zeal; with a shout he will raise the battle cry and will triumph over his enemies. (14) For a long time I have kept silent, I have been quiet and held myself back. But now, like a woman in childbirth, I cry out, I gasp and pant. (15) I will lay waste the mountains and hills and dry up all their vegetation; I will turn rivers into islands and dry up the pools. (16) I will lead the blind by ways they have not known, along unfamiliar paths I will guide them; I will turn the darkness into light before them and make the deviations right. These are the things I will do; I will not forsake them. (17) But those who trust in idols, who say to images that you are our gods, will be turned back in utter shame. (18) Hear, you deaf! Look, you blind, and see! (19) Who is blind but my servant? (20) You have seen many things, but have paid no attention; your ears are open, but you hear nothing.

**Zephaniah, Chapter 3;**

(9) For at that time [at the time of deliverance from chaos] I will purify the lips of the peoples, that all of them may call on the name of the Lord and pray to him shoulder to shoulder [i. e. stand in rows and pray together to God].

**Holy Qur'an, Fussilat 41:53;**



Surely the islands look to me; in the lead are the ships of Tarshish, bringing your sons from afar, with their silver and gold, to the honor of the Lord your God, the Holy One of Israel [i.e. Jesus Christ], for he has endowed you with splendor. (10) Foreigners will rebuild your walls, and their kings will serve you. (11) Your gates will always stand open, they will never be shut, day or night, so that men may bring you the wealth of the nations; their kings guided. (12) For the nation or kingdom that will not serve you will perish; it will be utterly ruined. (13) The glory of Lebanon will come to you, the pine, the fir and the cypress together, to praise my glorious position. (14) The sons of those who afflicted your family will come bowing before you and all who despise you will bow down at your feet (15) For the time when you have been forsaken [during the period spent alone in occultation] – with no one passing by you – I will make you the everlasting pride and the joy of all generations. (18) No longer will violence be heard in your land, nor ruin or destruction within your kingdom, but you will call your borders Salvation and your gates Independence. (19) The sun will no more be your light by day, nor will the brightness of the moon shine on you, for the Lord will be your everlasting light, and your God will be your glory. (20) Your sun will never set again, and your moon will wane no more; the Lord will be your everlasting light, and your days of sorrow will end. (21) **Then will all your people be righteous and they will possess the land forever.** They are the shoot I have planted, the work of my hands, for the display of my splendor. (22) The righteous which was a minority will become an innumerable majority. In its time I, the Lord, will do this swiftly.

**Isaiah, Chapter 42;**

(1) Here is my servant, whom I uphold, my chosen one in whom I delight. I will put my Spirit on him and he will judge the nations. (2) He will not shout or cry out, or raise his voice in the streets. (3) A bruised reed he will not break, and a smoldering wick he will not snuff out, so that he will bring forth justice. (4) He will not falter, nor will he hasten, till he establishes justice on earth and the islands shall await his law. (5) This is what God – he who created the heavens and stretched them out, who spread out the earth and all that comes out of it, who gives breath to

the ark. (39) And they knew nothing about what would happen until the flood came and took them all away. That is how it will be at the coming of the Son of Man.

(42) Therefore keep watch, because you do not know on what day your Lord will come.

**Gospel of Mark, Chapter 13;**

(33) So be alert and stay awake and pray, for you do not know when that time will come! (34) It's like a man going away: He leaves his house and puts his servants in charge, each with his assigned task, and tells the one at the door to stay awake. (35) Therefore stay alert because you do not know when the owner of the house will come back—whether in the evening, or at midnight, or when the rooster crows, or at dawn! (36) Lest when he comes suddenly and finds you sleeping. (37) What I say to you, I say to everyone. [To all humanity and not only to Christians].

**Gospel of Luke, Chapter 12;**

(35) Be dressed ready for service and keep your lamps burning. (36) And be like men waiting for their master to return from a wedding banquet, so that when he comes and knocks they can immediately open the door for him.

**Isaiah, Chapter 60;**

(1) The light has reached you and the glory of the Lord shines upon you. (2) For darkness covers the earth and thick darkness is over the peoples, but the Lord rises upon you and his glory appears to you. (3) And the nations will move to your light, and kings to the brightness of your dawn. (4) Lift up your eyes and look about you: All assemble and come to you; your sons come from afar, and your daughters are carried on the arm. (5) Then you will look and be radiant, your heart will throb and swell with joy when the wealth of the seas will return to you and to you the nations will come. (6) Herds of camels and young camels of Midian and Ephah will cover your land. All the people of Sheba will come, bearing gold and incense and proclaiming the praise of the Lord. (7) All the flocks of Kedar [Arabia] will be gathered to you, the rams of Nebaioth will serve you; they will readily offer themselves on my altar, and I will adorn my glorious temple [the house of God in Mecca]. (8) Who are these that fly along like clouds, like doves to their nests? (9)

at that last moment they were still hoping and awaiting. But, their hopes did not realize and many years and centuries have passed like this.

At the same time, those prophets who have promised the days of deliverance, speak of man's happy life at the end of world and describe it in such detail, that it seems as if they have that epoch before their eyes! They are so confident and joyful in what they say, that there remains no doubt. Particularly, when one considers that they have based the veracity of their words on the verses of holy books so that the believers in God and monotheists would reach certainty.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Gospel of Mathew, Chapter 24;**

(27) For as lightning that comes from the east is visible even in the west, so will be the coming of the Son of Man.

(29) And immediately after the distress of those days, the sun will be darkened and the moon will not give its light and the stars will fall from the sky, and the heavenly bodies will be shaken. (30) At that time the sign of the Son of Man will appear in the sky, and then all the nations of the earth will mourn and they will see the Son of Man coming on the clouds of the sky, with power and great glory. (31) And he will send his angels with a loud trumpet call, and they will gather their elect from the four directions, from one end of the heavens to the other.

(34) I tell you the truth, this generation will certainly not pass away until all these things have happened. (35) And truly heaven and earth will pass away, but my words will never pass away. (36) And no one knows about that day or hour, not even the angels in heaven, but only the Father. (37) And as it was in the days of Noah, so it will be at the coming of the Son of Man. (38) For in the days before the flood, people were eating and drinking, marrying and giving in marriage, up to the day Noah entered

Christ? Is it not the case that he has been preserved by the Lord for this noble objective, that his ascension to heavens was so that he shall receive the capability and knowledge of all the other prophets so that one day, by the will of God, he shall reappear and cause a great revolution in the world and realize God's true intention in creating mankind, so that mankind fulfills its potential and achieves true happiness and contentment?

Christians believe so and many of God's elect and those who have called for mankind's happiness and contentment have promised such a day. But could it be that all these promises are merely to keep the hope of deliverance from chaos alive in the hearts and minds of mankind, so that humans can bear the hardship and distress of life and live through them? If it was otherwise, and if the men in whom the people have total confidence had told them that there will be no deliverance from chaos and that the pains and distress shall build up, then the citizens of the world would have committed mass suicide and would not have had the will to continue to live. Alternatively, could it be that someday – as promised – really the disorder and chaos will end and mankind shall experience a life free of all tumult and filth? Many people have passed their days in the hope of arrival of such a day and have survived through harsh conditions, their bones cracking under the pressure and have after all this died with open eyes, as if even

If Prophet Christ – who was himself a divine miracle – with all his miraculous power could not end the disorders of the world and if all prophets and God’s chosen and great men such as Prophet Moses – who spoke directly with God – and Prophet Abraham – the friend of the Beneficent – and Prophet Noah and the prophets Solomon, David, John the Baptist, Zachariah, and Isaiah and many other distinguished human beings – greetings upon them all – could not put the chaotic world in order and could not end the confusion and distress that governs the lives of mankind, is there any hope of deliverance for mankind? Could it be that mankind has to live like this to end of the world? Would it not be the same as had been predicted by the angels at the time of creation of Adam?

Although it might seem so, but all the messengers of God and his elect, including the Prophet Adam – the first of mankind – and the other holy prophets have predicted a time at the closing stage of the world when the son of man will appear who shall enjoy the capability and knowledge of all previous chosen men and who shall, using the power and authority vested in him, deliver mankind from confusion and chaos.

Could this rescuer and savior be anyone other than Jesus



**Hope of Deliverance  
from Chaos**

So that the people would not doubt the veracity of the ascension of God's elect, this great event was recorded in divine words and written in the holy books.<sup>1</sup>

---

Seeing.

<sup>1</sup> **Gospel of Mark, 16:19/Gospel of Luke, 24:15;**

[Christ after talking to the apostles ascends to heaven].

**Gospel of John, Chapter 3;**

(13) No one has ascended to heaven, except that he has descended it, including the Son of Man who is in heaven.

**Genesis, 5:24/Hebrews, 11:5;**

Since Enoch [Prophet Idris] had strong faith, God took him towards Himself – so that he shall not see death – and he disappeared from amongst people.

**Second Kings 2:1 and 11;**

The Lord took up Elijah towards heaven in a whirlwind.

of Adam as an unbelievable miracle. This was surely a miracle that was greater than any of his other miracles which he had performed for Christians during his mission. For his objective was to give a strong warning to mankind so that maybe the disorderly state of the world may improve. Of course his mission and acts were effective to a degree, but the real effect of Jesus Christ shall show itself when after the passage of such a long time, he shall return once again and speak to mankind of those untold points that would put an everlasting end to the disorder of the world.

Six centuries after Christ, his promises about the emergence of the last prophet were realized and the Messenger of God presented himself to the world, revealing the secrets of the birth and ascension of Jesus Christ. Not only did he confirm the ascension of Jesus Christ and his future return at the end of the world, but he also spoke of his own ascension to heavens at a particular night and disclosure of the secrets of existence to him.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-Isra' 17:1;

"سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لنريه من آياتنا انه هو السميع البصير".

Glorified is God, who made His servant travel in a night from Masjid-ul-Haram to Masjid Al-Aqsa – whose surroundings We have blessed – to show him some of Our signs. Verily God is the All Hearing and the All



Christ introduces the last prophet as the bearer of a divine book that has been given to him by God. That book shall be the most complete and the most correct text of the secrets of preceding prophets and chosen people.<sup>1</sup>

Jesus Christ, after having presented his worthy teachings to mankind, miraculously ascended to heaven, so that just like his birth which was an extraordinary event and a divine miracle, so too his ascension shall also be observed by the descendants

---

same way that this palm tree overshadows us. (6) Yes, as this tree protects us from the burning heat of the sun, so shall the mercy of God protect from the evil of Satan those who believe in that name. (7) The disciples asked: "O Master! Who shall that man be of whom you speak and say that he shall come into the world? (8) Jesus answered with joy of heart: He is Mohammad, the Messenger of God. (9) When he comes into the world, it is as if the rain makes the earth to bear fruit when for a long time it has not rained. (10) So shall he be an occasion of good deeds among men, through the abundant mercy which he shall bring. (11) For he is a white cloud full of the mercy of God, which mercy God shall sprinkle upon the faithful like rain.

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 55;**

(38) And when he has thus spoken, God shall give to his Messenger a book, in which are written all the accounts of the elect of God.

**Gospel of Barnabas, Chapter 56;**

(1) God shall open the book that is in the hand of his Messenger. (2) Then his Messenger reading therein, shall call all the angels and prophets and all the elect.

**Holy Qur'an, Al-Nahl 16:89;**

"... و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء."

We have sent the Qur'an down to you to explain everything.

takes pride in the fact that he shall live to see the Messiah and hear his immaculate words.<sup>1</sup> Then he describes the Messiah and likens the last prophet to the rain of divine mercy.<sup>2</sup>

---

true, so that heaven and earth shall fail, but your faith shall never fail. (18) Mohammad is his blessed name. (19) Then the crowd lifted up their voices, saying: "O God! Send us your Messenger. O Muhammad! Come quickly for the salvation of the world!

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 97;**

(1) Then he said: Unworthy though I am to untie the laces of his shoes, I have received grace and mercy from God to see him. [Gospel of Mark, 1:7].

**Gospel of Barnabas, Chapter 42;**

(14) I do not consider myself as him of whom you speak. (15) For I am not worthy to unloose the ties of the hosen or the ratchets of the shoes of the Messenger of God whom you call Messiah. (16) He was created before me, and shall come soon after me. (17) He shall soon bring the words of truth, so that his faith shall have no end.

<sup>2</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 44;**

(19) I therefore say to you that the Messenger of God is a splendor that shall give gladness to nearly all that God has made. (20) For he is adorned with the spirit of knowledge and of counsel, [Isaiah, 11:2] (21) the spirit of wisdom and might, (22) the spirit of fear and love, (23) the spirit of prudence and temperance. (24) He is adorned with the spirit of charity and mercy, (25) the spirit of justice and piety, (26) the spirit of gentleness and patience, which he has received from God three times more than He has given to all His creatures.

**Gospel of Barnabas, Chapter 163;**

(4) He is the one whom the nations await, [the exegesis of the account of Messiah in Haggai 2:17 and ff.] to whom the secrets of God are so clear. Blessed shall they be that shall listen to his words, when he comes into the world. (5) For God shall overshadow them with his mercy, in the

he is not the Messiah that all the people over the world are waiting for,<sup>1</sup> that his blessed name is Mohammad (God's blessing upon him and his family). Then Jesus points out to the Messiah's prominent standing, stating that God has created the Heaven and the world and many creatures for his sake.<sup>2</sup> Christ

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 96;**

(3) The priest said: In the book of Moses it is written that soon our God will send the Messiah who shall come to inform us of the will of God. He will bring the mercy of God to the world. (4) Therefore I pray you tell us the truth, are you the Messiah of God whom we expect? (5) Jesus answered: It is true that God has so promised, but indeed I am not he. Know that he was created before me, and shall come after me. [Gospel of John, 1:15] (6) The priest said: By your words and signs at any rate we believe you to be a prophet and a holy one of God. (7) Therefore I pray you in the name of all Judea and Israel that you for love of God should tell us in what wise the Messiah will come? (8) Jesus answered: I swear by God's existence, in whose presence my soul stands, that I am not the Messiah whom all the tribes of the earth expect, as God promised to our father Abraham, saying: Through your descendants I will bless all the tribes of the earth. [Genesis, 22:18].

<sup>2</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 97;**

(14) Then the priest said: How shall the Messiah be called, and what sign shall reveal his coming? (15) Jesus answered: The name of the Messiah is extraordinary, for God himself gave him that name when he had created his soul, and placed it in the high heaven. (16) God said: Wait O Mohammad! For your sake I will create the Heaven, the world, and a great multitude of creatures, whereof I make you a present, so that whoever shall bless you shall be blessed, and whoever shall show enmity towards you shall be accursed. (17) When I shall send you into the world I shall send you as my Messenger of salvation, and your word shall be

sure that Israelites realize that the last messenger is not from amongst them, Christ clearly says that the messenger shall be a descendant of Ishmael.<sup>1</sup> In order to clear away the erroneous belief that he is the Messiah that had been promised in Torah to bring God's mercy for all the world, Jesus Christ expressly mentions the name of Prophet Mohammad and speaks out that

---

(14) He shall glorify me. (15) ... therefore I said that he will receive what is mine and he shall inform you.

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 43;**

(17) He shall come soon with power over the oppressors. (18) Then he shall destroy idolatry, so that Satan shall be disgraced. (19) Thus has promised God to Abraham, saying: "Verily, through your descendants I will bless all the tribes of the earth; and as you, O Abraham, have broken the idols, so shall your descendants. (20) Jacob said: "O Master! Tell us in whom was this promise made?" (21) Verily the Jews say that it was in Isaac! ... (31) Believe me, for truly I say to you, that the promise was made in Ishmael, not in Isaac.

**Gospel of Barnabas, Chapter 44;**

(1) Then the disciples said: O Master! In the book of Moses it is written that the promise was made in Isaac. (2) Jesus sighed and replied: That is what is written. (3) But it was neither written by Moses, nor by Joshua. (4) It was written by the rabbis who do not fear God.

**Gospel of Barnabas, Chapter 208;**

(7) Truly I say, the son of Abraham was Ishmael, from whom must be descended the Messiah [the Prophet of Islam] promised to Abraham, that in him should all the tribes of the Earth be blessed.

**Genesis, Chapter 17;**

(20) O Abraham! I have heard your prayers for Ishmael; behold, I have blessed him and made him fruitful, and he shall reach a noble position and through Mohammad and twelve Imams from his descendants, I shall make him a great nation.

Christ considers this messenger to be the one who shall supplement his teachings that he has not been able to fully expound because of the limited understanding and capability of the people of his age.<sup>1</sup> Jesus Christ cites the coming messenger as a witness to his own divine mission, who shall reveal the secrets of his birth and ascension, praise his character and clear it from the surrounding unfounded beliefs.<sup>2</sup> In order to make

---

(3) His glory and praise shall fill the heavens and Earth for ever.

**Gospel of Barnabas, Chapter 43;**

(13) I tell you the truth; verily every prophet, when he comes, he brings the sign of God's mercy for one of the nations. (14) That is why his message does not reach beyond the people to whom he has been sent. (15) However, the Messenger of God, when he comes, God shall give to him what represents the ring of his hand. (16) So he shall carry salvation and mercy to all the nations of the world that accept his teachings.

**Isaiah, Chapter 42;**

(1) Behold my servant, whom I support, and my chosen one, in whom my soul delights. I will put my spirit upon him so that he shall bring forth judgment to the nations. ... (4) He shall not fail, nor shall he hasten until he has set judgment in the earth and the isles shall wait for his law.

<sup>1</sup> **Gospel of John, Chapter 16;**

(12) I have many other things to tell you, but you cannot bear them now. (13) But when he comes, he will guide you to the entire truth, for he shall not speak of his own, but he shall say what he hears. And he shall inform you of the future.

<sup>2</sup> **Gospel of John, Chapter 15;**

(26) ... he shall bear witness to me.

**Gospel of John, Chapter 16;**

hypocrisy, vanity, pride and greed and ordered people to be charitable. He enjoined his followers to fight the desires of heart, to stay away from Satan and his temptations, and he taught how to relinquish bad life and abandon vile thoughts. He clearly explained the signs of the Resurrection, the fear of the Day of Judgment, the punishments of Hell and its seven stages, and corporal resurrection. He also described God's justice, the vastness of the Heaven and its numerous delights, and the rewards awaiting believers and disbelievers. He reminded the people of the virtues of repentance and taught them how to repent from their disobedience and sins and cause the delight of angels by this. He advised mankind to always have God in mind, and to love and hate only for his sake.

He gave mankind the glad tidings of the day when the world would be cleared of all chaos and real happiness shall return to the lives of mankind. He had prophesied such a day to come after God chose another messenger to present the world with an everlasting and universal faith which shall realize all the promises made by preceding prophets.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Gospel of John, Chapter 14;**

(16) And I will ask the Father and He will give you another Paraclete which shall remain with you forever. [Paracletes is a Greek word meaning "much praised" and "very well-known" which in Arabic would be translated to Mohammad and Ahmad].

**Habakkuk, Chapter 3;**

However, despite the significant differences amongst the remaining gospels used by Christians, the true voice of Christ still rings in the ears of mankind and his worthy teachings which were taught to his followers during his three year mission are still – after the passage of more than two thousand years – solid and secure. He denounced the worship of idols and reminded mankind that there is no sin greater than polytheism. He taught how to pray with full presence of heart and spirit, and how to stay awake the nights and pray. He ordered Christians to fast. He warned mankind against debauchery and looking lustfully at women. He advised them to guard their eyes and tongue from sin. He admonished

---

Christians – was its considerable inconsistency with the teachings of Paul. That was why people were forbidden from reading it. This Gospel, unlike the others, denied the crucifixion and considered its assertion to be an offensive abomination against the holiness of Christ. It also denied the heresy of trinity and asserted the true monotheism, and despite the teachings of Paul, who considered the old law governing daily life to have been abolished, this Gospel considered pure beliefs and acts to be a precondition of salvation. After the emergence of Islam, another fault was added to all the previous ones and that was the explicit prophecies that have been repeated in this Gospel with respect to different aspects of the appearance of Prophet Mohammad – God's blessings be upon him and his family.

**Good News of the Two Testaments, p. 13;**

It becomes clear from what has been mentioned that Paul was the enemy of Barnabas and based upon this enmity he has made the Gospel of Barnabas to be abandoned and has strongly forbidden some of his followers, such as Pope Gelasius I, from its study.

days of his presence among them. Jealousy and greed among some of the chiefs of Christians and the fact that they only considered their own accounts of the life of Christ to be right and condemned the others as false caused this confusion in beliefs and went to such an extent that they rejected as inauthentic, the Gospel of Barnabas, son of Va'z, who was one of the most righteous apostles of Christ. Barnabas was a confidant and secret-holder of that divine man and had written his gospel on the instructions of Jesus Christ.<sup>1</sup> Whereas according to historical documents, the Gospel of Barnabas was used by Christians until the fifth century A.D. and at that time upon the orders of Pope Gelasius I it was banned and the people were forbidden from reading or even keeping a copy of it. Eventually in subsequent centuries a manuscript of this Gospel was stolen from the library of Pope Sixtus V and the news of its discovery moved the Christian community to show different reactions.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 221;**

(1) Jesus turned to the author and said: O Barnabas! You shall write my gospel and narrate what has happened to me during my presence in the world. (2) You shall also write what became of Judas, so that the believers shall not be deceived and that all shall admit the truth. (3) The author then replied: O Master! God willing, I shall write it down.

<sup>2</sup> **Good News of the Two Testaments, p. 19;**

The fault of the Gospel of Barnabas – which was abandoned by



Books such as Sahifeh Fatemiyyeh (the Scripture of Fatimah) are also believed by Muslims to be holy books which are rooted in divine revelation. However, they have become unavailable to the public and it is only Imam Mahdi – the last of God’s chosen men on Earth – who has access to them. It is certain too that Prophet Jesus (God’s greetings upon him) holds the unaltered version of the Gospel of Christ – which is today unavailable to the public.

If instead of calling them gospels, the books used by Christians were called for example the Writings or the Book of Mathew, or the Book of Luke, or the Account of Mark, or the Writings of John and like that, then this reservation and misgiving about gospel would have never been raised by Muslims.

As said before, the difference of attitudes taken by Christians towards various gospels is one of the confusions that came into being after the ascension of Christ. Its cause lies in the deviation of some of Christ’s closest apostles during the last

---

**Holy Qur’an, Al-Ahqaf 46:12;**

”و من قبله كتاب موسى اماما و رحمه و هذا كتاب مصدق لسانا عربيا“.

And before this was the book of Moses, which was a guide and a mercy; and this book conforms to the signs of Torah, being worded in a lucid Arabic language.

**Holy Qur’an, Al-Anbiya’ 21:105;**

”و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون“.

We have written in the Psalms, coming after the scripture [Torah], that My righteous slaves shall inherit the rule on Earth.

protector and guardian.<sup>1</sup> The Holy Qur'an in numerous instances has referred to the divine books of preceding prophets. If these books could have been altered, such a reference would not have been justifiable.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> **Holy Qur'an, Al-Hijr 15:9;**

"انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون"

We have sent down the holy book and we are doubtlessly its guardian.

**Holy Qur'an, Al-Kahf 18:27;**

"و اتل ما اوحى اليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته"

Recite what has been revealed to you of the book of your Lord. Nothing can change his words.

**Gospel of Mathew, Chapter 5;**

(17) Till heaven and earth remains, not a jot of Torah shall be lost.

<sup>2</sup> **Holy Qur'an, Al-'Imran 3:3 and 4;**

"نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه و انزل التوراه و الانجيل \* من قبل هدى للناس و انزل الفرقان"

He has truly sent the book down to you, conforming to the signs of the preceding scriptures; and He sent Torah and Gospel earlier in order to guide people and also he sent a book that distinguishes between right and wrong.

**Holy Qur'an, Yunus 10:37;**

"و ما كان هذا القران ان يفتري من دون الله و لكن تصديق الذي بين يديه و تفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين"

This Qur'an could not be attributed to anyone except God, for it is a confirmation of what has come before it – of the divine books – and an explanation of them. There is no doubt that it has come from the Lord of the Worlds.

all named their writings as gospel. The four prominent gospels that are today used by Christians are known by the names of their authors: Gospel of Mathew, Gospel of Luke, Gospel of Marus, and Gospel of John. These people were from the apostles of Jesus Christ. The multiplicity of sources has naturally led to inconsistencies in the texts of the gospels. This in turn has led to the ranking of gospels according to their authenticity and authority for Christians, to the degree that some Christians consider a number of gospels to be apocryphal and worthless.

Muslims who all share the same common text of the Holy Qur'an, despite belonging to different sects, and believe in it as being the same text that has been revealed one thousand four hundred years ago by the Lord through Gabriel – the angel of revelation – to Prophet Mohammad (God's blessings be upon him and his family) without any changes or modifications or alterations, imagine that the Gospel of Christ has been the subject of many changes and alterations and they consider the gospels that are used by Christians as the distorted versions of the Gospel of Christ. But, the fact is that divine books are never altered, although it is possible that they might become inaccessible to the public. Divine books are the words of the Lord and He who has uttered and revealed them, is also their

his ascension to heaven that divine book has become unavailable to mankind and all the gospels that have been spread amongst Christians<sup>1</sup> are written by some of the disciples of Christ – by the twelve apostles and people other than them – who have narrated what they saw, heard and learnt of the sayings, acts and directions of Christ and the surrounding events based on their own thoughts and understanding. They

---

finished coming forth from my mouth, I shall be taken up from the world. (4) Peter asked: O master! Is that which you now speak written in that book? (5) Jesus replied: Verily all that I say for the knowledge of God and the service of God, for the knowledge of man and for the salvation of mankind, all this comes forth from that book, which is my Gospel.

<sup>1</sup> **Good News of the Two Testaments, p. 16;**

In the second volume of the English Encyclopedia, 13<sup>th</sup> edition, pages 179 and 180 many of the old gospels that were used by early Christians of the first centuries have been named, along with information about the religious authorities that modified their status as acceptable or unacceptable religious sources. The list includes the Gospel of Barnabas and Gospel of Christ. These mentioned gospels are as follows:

1- Gospel of Egyptians of the second century A.D., 2- Gospel of Hebrews of the early Christian centuries, 3- Gospel of Peter of second century A.D., 4- Gospel of Twelve of second century A.D., 5- Gospel of Andrew, 6- Gospel of Barnabas, 7- Gospel of Bartholomew, 8- Gospel of James, 9- Gospel of Tadius, 10- Gospel of Apules, 11- Gospel of Basilides, 12- Gospel of Crintus, 13- Gospel of Abiuntes, 14- Gospel of Eve, 15- Gospel of Judas Iscariot, 16- Gospel of Hiveh, 17- Gospel of Mary, 18- Gospel of Matbas, 19- Gospel of Perfection, 20- Gospel of Philip, 21- Gospel of Thomas, 22- Gospel of Truth which was common amongst Valentians, 23- Gospel of Markians, 24- Gospel of Nicodemus, 25- Gospel of Christ.

Christ and more than one thousand two hundred years after the occultation of Imam Mahdi, mankind awaits their return and reappearance only for the sake of the divine gifts and favors that it will receive upon their coming and is not ready to give up its life for the sake of realizing their godly objective. Maybe that's why the occultation of God's chosen men continues and will continue until the approach of mankind is completely revolutionized.

Therefore, the appearance and ascension of Christ, not only did not improve the chaotic state of the world, but it even exacerbated this disorder. It also caused another faith-based confusion among mankind. This was because after the ascension of Prophet Jesus, mankind both lost access to him and to his holy book – the Gospel – which was hidden away from the public.

As admitted by numerous well-known Christian scholars in their researches and according to the first chapter of the Gospel of Mark and the Gospel of Barnabas, Christ had a divine Gospel and everything that he said came from that book.<sup>1</sup> After

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 168;**

(1) Then the disciples said: verily God speaks in your words; because no man has ever spoken as you do. (2) Jesus answered: Believe in me that when God chose me to send me to the House of Israel, He gave me a book which is like a clear mirror and has come down into my heart. All that I speak comes from that book. (3) When that book shall have

bear the sins of his people and thus purify them. So thereafter, no Christian will be punished or reprimanded by the Lord. However, today, at the age of enlightenment, a reasonable person considering all these events, will be faced with a question: why didn't the people who had enjoyed the three year gift of the mission of Jesus, the prophet of kindness and purity, whose miracles was a cure to their injuries and who had relieved them from considerable distress and suffering, rise up when they saw him in chains or when his pure body was on the cross? Why didn't they support him in any way? Why didn't they give their lives for him and why didn't they consider the crucifixion as a divine trial for the Christians?

Maybe God wished that they should rise up against tyranny and oppression, and help their prophet to this effect. When He saw that they lacked the will and expected only to enjoy the gifts of the presence of Christ, then He took away his messenger, Jesus Christ, until the day when the divergent thoughts and beliefs of mankind have been reformed. It was the same as when the people of the prophet of Islam – Prophet Mohammad, God's blessings upon him and his family – abstained to help the immaculate imams of their epoch and left them alone and vulnerable, imprisoned and enchained, or besieged and exiled. So God put them to trial by taking away his last chosen man.

It is as if today, two thousand years after the ascension of

On top of these superficial beliefs, the fact that caused even more confusion amongst the Christians was the fact that the people of those days, based on the beliefs handed over to them from the Jews, thought that anyone who is crucified has earned God's wrath. Upon seeing Jesus Christ, who could bring the dead to life and heal the incurable and enjoyed superhuman powers, but did not resist his own crucifixion and did not free himself from that painful punishment and agonizing death, they came to the belief that Christ was crucified in order to

---

took him and placed him in the third heaven in the company of the angels who exalt God's holiness for evermore.

**Gospel of Barnabas, Chapter 216;**

(1) Judas entered hastily into the room, from which Jesus had been taken up. (2) The disciples were all asleep. Then the wonderful God acted wonderfully. (4) At that moment Judas was changed in speech and in face to be like Jesus so that we believed him to be Jesus. (5) But he, having awakened us, was seeking where the Master was. (6) Whereupon we were astonished and answered: You, sire, are our master! (7) Have you now forgotten us?! (8) He, smiling, said: Now are you so foolish that you do not recognize Judas Iscariot? (9) As he was saying this, the soldiers entered, and laid their hands upon Judas, because he was in every way similar to Jesus. ...

**Holy Qur'an, Al-'Imran 3:55;**

"اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك و رافعك الى و مطهرک من الذين كفروا و جاعل الذين اتبعوك فوق

الذين كفروا الى يوم القيامة ثم الى مرجعكم فاحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون."

Remember when God said to Jesus: I will take you away and raise you towards Myself and will purify you from the disbelievers; and I am setting those who follow you above those who disbelieve until the Day of Resurrection. So you shall all return to Me, and I shall judge between you as to that wherein you used to differ.

crucified and the person who was in fact on the cross was the same who had betrayed. Upon God's will, the traitor had been made to seem like Jesus and he was crucified by mistake in his place. Jesus, so of Mary, had ascended to heavens before this event and the prophet after shall reveal the secrets behind this event.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> Gospel of Barnabas, Chapter 112:

(13) ... Soon one of my disciples shall sell me for thirty coins. (14) I am sure that the person, who sells me, shall be killed in my place (15) for God will raise me from Earth and will change the face of that traitor so that everyone will think him to be me. (16) However, when he dies a bitter death, the disgrace of his death shall remain upon me for a long time. (17) But when Mohammad – the prophet of God – comes, this disgrace shall be wiped off. (18) This will be done by God, because I have admitted to the truth about Messiah and him who shall grant me this reward which is that it shall become known that I am alive and free of the disgrace of such a death.

**Gospel of Barnabas, Chapter 214/Gospel of John, Chapter 18;**

(2) Since Judas knew the place where Jesus and his disciples were, he went to the chief of priests. (3) He said: If you give me what you have promised, I shall deliver Jesus, whom you seek, to you tonight. (4) He is alone with his eleven disciples. (5) The chief of priests said: How much do you want? (6) Judas replied: thirty coins of gold. (7) Then the chief of priests counted the coins for him right away. ...

**Gospel of Barnabas, Chapter 215;**

(1) When the soldiers, led by Judas, drew near to where Jesus was, he heard the sounds of a crowd coming his way. (2) So he prudently entered the house. (3) The eleven disciples were asleep. (4) God, observing that his servant is in danger, ordered his emissaries, the angels Gabriel, Michael, Rafael and Uriel to take Jesus out of the world. (5) Those holy angels came and took Jesus out of a window facing south. (6) So they



the divine prophets won't have to perform numerous miracles such as bringing the dead to life, or curing the blind, or feeding the hungry in order to justify themselves. Because when the prophets have to perform many miracles, there is always the risk that even some of their close followers might start to exaggerate about them and to call them equals to the Unrivaled, All-Mighty God.

According to what has been narrated in the Gospels, Jesus began his public mission at the age of thirty, calling on the people to adhere to his divine faith. Despite the many ups and downs, his mission lasted for only three years and ended when he was thirty-three. On how it ended, there is considerable difference among his followers.<sup>1</sup> When Judas – one of his followers – betrayed him and then the crucifixion happened, some simple folks who only saw superficialities upon seeing Jesus' likeness on the cross, came to the belief that he had died. The group that brought down the Christ's dead body from the cross and hid it away in a cave, upon their return the morning after for his burial did not find the body there and assumed that after having been brought down from the cross, Christ has ascended to heavens. Others believe that Christ was never

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Maryam 19:37;

"فاختلف الاحزاب من بينهم".

After him [Jesus, son of Mary] groups of his followers differed.

At the time when Mary had withdrawn from the company of all other men and women, and no one but the Compassionate God was aware of her circumstances, who could give a better and more accurate account of what really took place except for the Lord himself?

This is why the birth of Christ from a virgin and the instance when he spoke as an infant in a cradle which were divine miracles, performed to guide mankind to the true path and to stop it from disobedience and to improve the chaotic state of the world, not only did not achieve those goals, but also were turned into challenges for Christ himself during his three year divine mission. It could be that in fact these unfounded beliefs were themselves a cause for the ascension of Christ to heaven.<sup>1</sup>

Jesus Christ was sent to mankind at a time when they lacked the depth of knowledge and wisdom, necessary to grasp his message. So they did not understand him, his words and his divine mission as it was.

Thus Christ ascended to heaven and was made inaccessible to the people until the day when they become prepared for a great revolution and their level of understanding reach a degree that

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 112;**

(11) I tell you that verily if I had not been called god, then I would have passed away right then and would have been led to the Heaven. But, now I shall never enter the Heaven until the Day of Judgment.

life.<sup>1</sup>

Now the question is would it be consistent with this great historical event to assert that a divine man – whom the Christians call the son of God – was born in a stable? Or would it not seem that the alternative narrative was closer to truth, i.e. that Mary, the mother of Christ – who was the leading woman of her age – retired close to a dried palm tree and upon the Exalted Creator's will the dried tree brought forth its fruit at the time of the birth of Christ to provide for her food and in order for her to drink water a pleasant stream suddenly started to flow at her feet?

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Maryam 19:16-33;

"و اذكر في الكتاب مريم اذ انتبذت من اهلها مكانا شرقيا \* فاتخذت من دونهم حجابا فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا \* قالت انى اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا \* قال انما انا رسول ربك لاهب لك غلاما زكيا \* قالت انى يكون لى غلام و لم يمسنى بشر و لم اك بغيا \* قال كذلك قال ربك هو على هين و لنجعله آية للناس و رحمه منا و كان امرا مقضيا \* فحملته فانتبذت به مكانا قصيا \* فاجاءها المضخاض الى جذع النخلة قالت يا ليتنى مت قبل هذا و كنت نسيا منسيا \* فناداها من تحتها الا تحزنى قد جعل ربك تحتك سريا \* و هزى اليك بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا \* فكلى و اشربى و قرى عينا فاما ترين من البشر احدا فقولى انى نذرت للرحمن صوما فلن اكلم اليوم انسيا \* فانت به قومها تحمله قالوا يا مريم لقد جئت شيئا فريا \* يا اخت هارون ما كان ابوك امرا سوء و ما كانت امك بغيا \* فاشارت اليه قالوا كيف نكلم من كان فى المهد صبيا \* قال انى عبدالله اتانى الكتاب و جعلنى نبيا \* و جعلنى مباركا اين ما كنت و اوصانى بالصلاه و الزكاه مادمت حيا \* و برا بوالدتى و لم يجعلنى جبارا شقيا \* والسلام على يوم ولدت و يوم اموت و يوم ابعث حيا".

died before and had been wiped off the memories. Suddenly she heard a voice from below her feet which said: Don't be upset! Your Lord has placed a pleasant stream under your feet. Shake the trunk of the palm tree toward yourself and you will cause fresh dates to fall upon you. Eat this food and drink that water and be delighted in this newborn.

If you saw anyone, say to them through signs: I have vowed to fast for the sake of God the Beneficent. Therefore I will not speak to anyone today. And know that this newborn will defend you. Mary returned to her people, holding the baby in her arms. The people said in reproach: O' Mary! You have done something very strange and foul! O' sister of Aaron! Your father was not a wicked man, neither was your mother unchaste! Mary pointed to the newborn. They said: how could we speak to an infant who is in cradle?! Suddenly the infant began to talk and cried out: I am the servant of God; He has granted me a divine book and has made me a prophet. He has made me blessed – wherever I may be – and He has directed me to pray and be charitable as long as I live. He has made me kind to my mother and not arrogant or unblessed. God's peace and greetings upon me on the day I was born, and on the day I will die, and on the day on which I shall be raised again to

mother, Mary. This is the reason why every year, on the anniversary of birth of Jesus, some Christians make a model of a stable and a manger in order to commemorate that historical event and to retell it to their children.

The All-Knowing God who is aware of all secrets and events has revealed as follows the hidden aspects of this historical miracle in the Holy Qur'an, the divine book that was sent to mankind through Prophet Mohammad (God's blessing be upon him and his family) – the prophet that came after Christ:

And make mention of Mary in this book – Qur'an, when she withdrew from her family and took residence in Jerusalem. She hid herself from others in order to have a secluded place for prayer. Then We sent to her Our spirit and the spirit appeared to her as a perfect human form. Mary was terrified and said: I seek refuge with the Beneficent God from your evil, if you are from the righteous! The spirit replied: I am a messenger of your Lord. I have come to give you a pure son. Mary said: How can there be a son for me, while no mortal has ever touched me, nor have I been unchaste?! The spirit replied: that is so, but your Lord has said: this is easy for Me. We will create him to make him a sign and a miracle for the people and a mercy from Us. It has been so decreed, and it is indisputable. Thus Mary became pregnant and she withdrew to a remote place. The throes of childbirth drove her besides the trunk of a palm tree. She was so upset that she was saying: I wish I had

Mary was pregnant, he stayed away from her. But an angel appeared to him in his dream and reproached him for his behavior towards Mary and warned him that what had happened to Mary was the will of God, the most Wise, and that soon the Virgin Mary shall give birth to a son – God’s sanctity – who shall be name Joshua (Jesus) and who is the promised Messiah that shall save the Israelites.

Upon waking up, Joseph thanked God and since then he treated Mary with all due consideration and kindness. He led his pregnant wife from Nazareth – one of the cities of Galilee – towards Bethlehem and since he couldn’t find a place to live inside Bethlehem which was a small and crowded town, he and his wife took refuge on the outskirts of the town, besides the dwelling of some shepherds. It was there that a very brilliant light took over Mary and she gave birth with no pain to a boy. The newborn was wrapped in clothes and – since they couldn’t find a place for him in the inn where they were staying – he was put in a manger! At that moment the shepherds who were tending their flocks of sheep saw a brilliant light following a divine angel in the sky. The angel told them that they shall see a newborn in the manger who is the messenger of God and / who will soon save the Israelites.

Many of the shepherds headed back to the stable and saw the promised newborn, lying in a manger. So they bowed before him and retold what they had seen and heard to the newborn’s

virgin.<sup>1</sup>

Christians, relying on what had appeared to their preceding generations, believe that when Mary, the mother of Christ, became pregnant, fearing the wrath of her clan and the accusation of extramarital affairs and the punishment of stoning, she chose a benevolent and virtuous husband from amongst her kin who was named Joseph. When Joseph who avoided all sins and strived to get closer to God learnt that

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Maryam 19:2-9;

"ذكر رحمت ربك عبده زكريا \* اذ نادى ربه نداء خفياً \* قال رب انى وهن العظم منى و اشتعل الرأس شيبا و لم اكن بدعائك رب شقيا \* و انى خفت الموالى من ورائى و كانت امرأتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا \* يرثنى و يرث من آل يعقوب و اجعله رب رضيا \* يا زكريا انا نيشرك بسلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا \* قال رب انى يكون لى غلام و كانت امرأتى عاقرا و قد بلغت من الكبر عتيا \* قال كذلك قال ربك هو على هين و قد خلقتك من قبل و لم تك شيئا".

A mention of the mercy of your Lord to His servant, Zachariah \* When he called upon his Lord in secret \* He said: O Lord! My bones have grown weak and the white flame of age has taken over my head, while I have never been unsuccessful in my prayers to You \* I fear for my relatives after myself [that they might not keep their faith to You] and my wife is barren; give me from Your presence a successor \* who will inherit from me and from the descendants of Jacob and make him one with whom You are well pleased \* O Zachariah! We give you the good news of a son whose name is John; and We have not given this name to anyone before \* Zachariah said: O Lord! How could I have a son when my wife is barren and I am at the extreme degree of old age?! \* He said: It is so, but this is easy for us, for We have created you before while you were nothing.

It appears that the birth of John the Baptist at the same epoch whose father was at the extreme degree of old age and whose mother was barren was in fact to set the stage for the greater miracle. It was a sign of God's power for the people in order to show that if He wishes, He can grant a son to an old man and a barren woman. So if He wishes, He can also grant a son to a

---

The likeness of Jesus before God is as that of Adam who was created from dust and then said to him: Be, and he was. [Therefore the birth of Jesus without a father is not a reason for his divinity].

**Gospel of Barnabas, Chapter 55;**

(33) He who speaks to you now, says: "O Lord! Verily the whole world has been deceived by Satan; so they say that I am your son and associate.

(34) But the book that you gave me said truly that verily I am your servant.

**Gospel of Barnabas, Chapter 53;**

(35) ... Cursed be every one who shall insert into my sayings that I am the son of God.

**Good News of the Two Testaments, written by Mohammad Sadeghi Tehrani, p. 64;**

One must ask the Christians: How is it that God, the Son, who you believe to be of the same essence as God, the Father, at a point is so powerful that he helps God, the Father, in the creation of universe and some times is so weak that the servants of God, the Father, crucify him?! Is the one who was crucified and killed God, the Father, and has the universe been left without God after that event? Or is it God, the Son, in which case part of God, the Father's essence has been sacrificed to the weakness and frailness of his son. If the essence of Jesus is the same as that of God, then what would it mean for him to help Him or ask for His assistance or pray and plead before Him or be crucified? And if his essence is not the same, then he must be a creation of God, his servant and the son of man. (As he has asserted over eighty times in the Gospels that he is the son of man). What is the reason for all these discrepancies?



that people shall see the wonders of creation of mankind. Thus the manifestation of God's unrivaled knowledge and power was to make people follow the true path that God expected them to follow and so mankind was expected to try to improve the state of the chaotic world. The birth of Jesus, after the many thousands of prophets who had been sent during the precedent years in order to guide mankind and the fact that mankind had refused to come back to the true divine path, was the Lord's last warning to mankind. However, the offspring of Adam not only did not recognize it as God's illustrious miracle. Instead they had a superficial approach and misunderstood this phenomenon. They did not recognize that a miracle is an exceptional act, performed by the Lord, to make his servants bow before his will. Christ who was born from a chaste and virgin mother was one of God's miracles, but the people wrongly imagined that since Christ has no father amongst men, then he must be the son of God. This superfluous notion gradually turned into a belief and conviction amongst the Christians, while it did not consider the fact that if any creature that did not have a father was to be the son of God, then this would have also been true for Adam, the first of mankind.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-'Imran 3:59;

"ان مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون".

of Mary in his divine book – Qur'an – and has revealed the secrets of his birth and his ascendance to heaven.<sup>1</sup> The Exalted Lord has decided to preserve his messengers and chosen men for these two monotheistic religions alive till the end of the world and as promised to Adam at the time of his downfall, the destiny of the world shall be ordered and mankind's lofty position shall be restored to him through these chosen men.

Jesus the son of Mary (Peace be upon him), whose birth was in itself a great and unprecedented miracle during the life of mankind on Earth, was a warning call from the Lord to humankind that it shall put an end to its disobedience and divergence from the true path and that it shall revolutionize its thought and action from the foundations.<sup>2</sup> It is as if God intended to demonstrate the creation of Adam – the first of mankind – who was born without a mother or a father, through the creation of Jesus who was born from a virgin mother, so

---

(27) O blessed time, which is near when he shall come to the world!

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Chapter 3 (Al-'Imran) and Chapter 19 (Maryam).

<sup>2</sup> Gospel of Barnabas, Chapter 42;

(10) ... I am a voice that cries through all of Judea (11) and says: Prepare the way for the messenger of the Lord, as it is written in Isaiah.

Holy Qur'an, Maryam 19:34;

"ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي فيه يمترون".

This is Jesus, the son of Mary; the true word in which they doubt.

that it was as if the true faith and book had been buried in history. Any convincing and credible news of these faiths that remains has passed to us through the religious sources of Islam and Christianity. On the other hand, the divine messenger of the Christian faith, Jesus the son of Mary, is still alive and has been raised to heavens despite the passage of two thousand years. Also the representative of the messenger of Islam who is one of his offspring and also his namesake is alive and living on Earth without being known to others, despite the passage of one thousand two hundred years. The followers of these two faiths are the only ones who attend the return of their messenger and faith leader, who shall end the reigning disorder of this world. Followers of the other creeds and divine prophets see that the effort put by their messenger to improve the state of the chaotic world has ended. They may only await a new miracle at the end of the world which has been foreseen and foretold by their prophet to their ancestors. This important common characteristic of Islam and Christianity seems to be the reason why Jesus Christ has foretold the coming of Prophet Mohammad (God's blessing be upon him and his family) in the Gospel and has given the Christians the good news of his mission.<sup>1</sup> The prophet of Islam too has spoken of Jesus the son

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 44;**

Since the creation of Adam, God has chosen some of the honorable and virtuous people from amongst mankind, and has revealed to them the hidden secrets of the world of creation in order to guide mankind towards the true and just path. The number of these people, who are called the divine prophets, reaches one hundred and twenty-four thousand. From amongst these divine prophets, some like Noah, Abraham, Moses, Jesus the son of Mary, and Mohammad (God's blessing be upon him and his family) are more distinguished and better known than others.

God's messengers have each tried, through the divine faith that was designated to them, to end the reigning disorder in this world and to move mankind towards salvation and bliss. However, the living faiths of our age are Christianity and Islam. These two are the only divine faiths, whose divine representatives and prophets are still alive and present in the world. The other divine prophets lived during a specific period of time and performed their mission at that age. At the end of their mission they passed away amongst their own people and were faced with death. As time passed by, their faith and divine book passed more and more out of reach, to the extent



**Efforts to Improveth  
Chaotic World**

selfishness, murder and shedding of bloods and many other insubordinations.

Notwithstanding this, God has given hope to mankind and has promised that even though with every case of disobedience, mankind gets further away from God, however, at the end of the world, i.e. apocalypse, a savior shall come forth from the offspring of Adam and then the chaos that reigns in the world shall come to an end, the disordered world shall come to order, there shall be no more disobedience, and once again with the coming of the savior the relationship between man and God shall be as direct as possible.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 41;**

(28) Then God said to Adam and Eve, who were weeping hard: "Get out of Paradise! (29) You shall fight your bodily desires but your hope shall not fail. (30) I will send your son so that he may lift the decadence of Satan from humankind. (31) It is too early to send the messenger of God and too early for him to bring everything. (32) Then God's eminence was concealed and Michael, the Archangel, drove them out of Paradise. (33) When Adam looked over, he saw an inscription above the gate which said: There is no god, but Allah; Mohammad is the messenger of Allah. (34) Then he wept and said: "O Son! May God wish that you come soon and relieve us of this misery!"

done and repented, and his repentance was accepted by God,<sup>1</sup> nevertheless, his relationship with God never returned to its previous state and since he was demoted from his lofty position, he was not returned to the high spiritual and physical state in which he used to be. Adam was convicted to go forth on Earth for an undetermined period of time and to toil for the fulfillment of his spiritual and physical needs, which were previously provided for with no labor. The Wise and All-Knowing Lord had foreseen that the disobedience of the offspring of Adam shall repeat itself to the extent that it shall cause enmity amongst them.<sup>2</sup> Thus they will violate and trespass the rights of one another, they will cause a breakdown of moral values, and they will quarrel amongst themselves because of jealousy and grudge, greed and the wish to steal, lying and deceiving, dishonesty and treachery, vanity and

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-Baqara 2:37;

"فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم".

Then Adam received some words from his Lord [and thus he repented] and God accepted his repentance; for He is accepting of repentance, the Merciful.

<sup>2</sup> Holy Qur'an, Al-Baqara 2:36;

"و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو و لكم فى الارض مستقر و متاع الى حين".

And We said to them: "Fall down to Earth, you all, and some of you shall be enemies to others and the Earth shall for a time be your abode and source of livelihood."



Although after that disobedience, Adam regretted what he had

---

we are naked. For this reason we are ashamed to come over." (5) God said: "Your covers would not have been taken away for any reason other than having eaten from the forbidden fruit and therefore becoming impure. (6) It is not possible for you to abide in Paradise anymore."

(7) Adam responded: "O Lord! Verily the wife that you gave me, asked me to eat from it; so I did. (8) Then God said to the woman: "Why did you give your spouse a food like this?" (9) Eve responded: "Verily, Satan deceived me; so I ate. ..."

(12) So God said to Adam: "Because you listened to your wife and ate from that fruit, the Earth shall be damned in your works. (13) It shall nurture thorn and thistle for you. (14) You shall eat the food, for which you have toiled. (15) Remember that you are from earth and you shall return to earth." (16) Then He spoke to Eve and said: "You are the one who listened to Satan. (17) You gave your husband that food to eat. So you shall bear under the authority of man, who shall treat you as a slave. (18) You shall bear children with suffering." ...

(22) Then God called out to Satan, who came laughing. (23) God said: "Since you, who have been cast out, have deceived these two and have made them impure, I will that every uncleanness in them and their offspring shall enter through your mouth. Whenever they repent and truly worship me, that uncleanness shall be extracted and so shall you be satiated with uncleanness." (24) Satan then gave a horrible roar. (25) He said: "Since You wish to make me worse, so verily, I shall make myself as I shall." (26) Then God said: "Depart, cursed one, from my presence."

...

(28) Then God said to Adam and Eve, who were weeping hard: "Get out of Paradise."

**Holy Qur'an, Al-Baqara 2:36;**

"فازلهما الشيطان عنها فاخرجهما مما كانا فيه وقلنا اهبطوا".

Then Satan caused them to slip from the Paradise and got them expelled from their position. [At that point] We said to them: "Fall down to Earth, you all!"



Adam.<sup>1</sup> However, contrary to the Lord's order, Adam and Eve were tempted by the lure of Satan and disobeyed God. This disobedience disrupted the relationship between man and God. It was determined that as punishment for his disobedience, Adam shall be cast away from Paradise and sent down to Earth.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-Tin 95:4 and 5;

"لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم \* ثم رددناه اسفل سافلين".

We created humankind in the best form and state. \* Then We sent him back to the lowest degree.

<sup>2</sup> Gospel of Barnabas, Chapter 40;

(13) Then Satan disguised himself as a beautiful angel for that woman [Eve] and said to her: "Why is it that you do not eat from this apple and this wheat?" (14) Eve responded: "God has said that verily if we eat from them, then we shall become impure and hence He will cast us out of Paradise. (15) Then Satan responded: "He has not spoken the truth. ... (19) He has said this so that you shall not become his equals. (20) If you and your husband would accept my advice, you would eat from these fruits as you eat from the rest. ... (23) Then you would become equals to God." (24) Then Eve took from those fruits and ate them. (25) When her spouse woke up, she told him of all that Satan had said. (26) Then he took of what his wife presented him and ate from them. (27) As he was swallowing that food, he was reminded of God's word.

Gospel of Barnabas, Chapter 41;

(1) At that moment the two of them realized that they were naked. (2) Then they became ashamed for that reason and took some fig leaves to cover their privates. (3) When the noon was over, suddenly the eminence of God appeared and called out to Adam: "Where are you, Adam?" (4) Adam responded: "Lord! I have hidden myself, because me and my wife,

## 10 / *Origin of Chaos*

This age was the pinnacle of human existence. During this period the relationship between man and God was in its best and most intimate form. Adam had direct access to God, who is the source and center of all knowledge and wisdom, and could directly ask what he wanted from the Lord and could be directed and guided by Him in the best possible way. Adam was directly covered by the kindness and compassion of God and enjoyed in peace and comfort from all the delights of creation in Paradise. If the situation stayed as it was, mankind would have reached the zenith of knowledge and wisdom and would have soon attained full bliss and perfect happiness. It appears that this had been the primary purpose of creation of

---

(29) when God saw man alone, He said: it is not good for him to be alone. (30) Therefore, He made him to sleep. (31) He took a rib from his stomach. (32) He filled its place with meat. (33) From that rib, He created Eve. (34) Then He made her, the spouse of Adam. (35) Then He set them as the masters of Paradise. (36) He said to them: "Look that verily I grant you every fruit to eat, except for apple and wheat." (37) Then He said: "Make sure that you do not eat from these; (38) for if you do, then you will become impure (39) and then I will not have you staying in here, but I will cast you away and a great calamity will befall you.

**Holy Qur'an, Al-Baqara 2:35;**

"و قلنا يا آدم اسكن انت و زوجك الجنة و كلا منها رغداً حيث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين."

And we said: "Adam! You and your wife shall dwell in Paradise and enjoy as much as you like from its delights, but you shall keep away from this tree, otherwise you will become one of the wrong-doers."

lofty position that he deserved the prostration of angels. Therefore, God ordered the angels to prostrate before Adam and when Iblis, one of the angels, disobeyed this order, the Lord cast him away from His presence.<sup>2</sup> For Adam, the first of mankind, God created a spouse and He placed them in Paradise, where it was filled with beauties and delights and all sorts of enjoyments and rewards. He provided them the opportunity to enjoy these goods as much as they like and only forbade them the fruit of one particular tree, which was harmful to them. So he ordered them to keep away from that tree.<sup>3</sup>

---

**Holy Quran, Al-Sajda 32:7-9;**

"و بدأ خلق الانسان من طين ... و نفخ فيه من روحه".

And He started the creation of man from clay ... and breathed into him from His own spirit.

<sup>1</sup> **Holy Qur'an, Al-Baqara 2:31;**

"و علم آدم الاسماء كلها".

And He taught Adam the entire knowledge of Asma' (the names – the mysteries of creation and naming of creatures).

<sup>2</sup> **Holy Qur'an, Al-Baqara 2:34;**

"و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابى و استكبر و كان من الكافرين".

And when we said to the angels: "Prostrate before Adam", they all bowed, except for Iblis who disobeyed and showed arrogance. Hence he became one of the disbelievers.

<sup>3</sup> **Gospel of Barnabas, Chapter 39;**

## 8 / *Origin of Chaos*

When the Creator decided to create Adam, the first of humankind, he informed the angels of his decision. They were astonished by this decision and said: do you want to create a being who will corrupt the Earth and shed blood on it?! God in response merely said that he knows what they do not know!<sup>1</sup> It is as if the angels imagined that with this creation the world would be filled with chaos and that God intended the world to end in disorder. Today, the humankind is faced with the same question that was posed at the time of creation of man by the angels and still the purpose behind the creation of mankind remains as elusive as ever.

Then, as stated in the Holy Qur'an and the Bible, God created Adam from clay and breathed the spirit into him and gave him life.<sup>2</sup> God taught Adam knowledge<sup>1</sup> and accorded him such a

---

<sup>1</sup> Holy Qur'an, Al-Baqara 2:30;

"و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيما و يسفك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقديس لك قال اني اعلم ما لا تعلمون".

When your Lord said to the angels I will place a successor on Earth, the angels said will you place on Earth someone who will commit mischief and shed blood?! [If the purpose of creating humankind is to worship] we praise you and exalt your holiness. He said I know certain truths of which you are not aware.

<sup>2</sup> Gospel of Barnabas, Chapter 23;

(20) from clay of the Earth, God created the body. (21) Then he breathed the breath of life into it.

How long does the reigning disorder in this world date back? The answer to this question on the one hand helps us to grasp the origin and cause of appearance and spread of disorders and on the other hand gives a hint of the future of the chaotic world, guiding us to understand whether the disorders in this world would some day come to an end or that the world is headed towards total chaos.

Since time immemorial the world has been so chaotic that many people, losing their patience, have posed the question why at all has humankind been created into this world? Have we been created to suffer in a world filled with lies, deception and hedonism; jealousy, resentment and arrogance; looting, pillage and murder; oppression, discrimination and fratricide; corruption, vice and lust; obstinacy and impertinence; scheming and conspiracy; scornfulness and disparagement; poverty and hunger; disease and distress; defeat and helplessness? Have we been created to pass our days in hardship awaiting death? Did not God, the Creator, wish humankind purity and wholesomeness, worthiness and decency, beneficence and compassion, happiness and wellbeing? If so, why has our destiny been led the other way?

سرشناسه: شمس، جمال‌الدین، ۱۳۵۱.  
عنوان و نام پدید آور: سرانجام جهان آشفته / نویسنده جمال‌الدین شمس؛ مترجم مقداق ترابی.  
مشخصات نشر: قم: انتشارات مولفان، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.  
شابک: ۹۵۰۰۰ ریال: 978-600-90807-2-4  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: فارسی - انگلیسی.  
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: S.Jamaloddin Shams. Destiny of the Chaotic World  
موضوع: آشوب (مسیحیت)  
موضوع: آفرینش  
شناسه افزوده: ترابی، مقداق، ۱۳۶۱ - مترجم  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ش ۶۹۵ / BT  
رده بندی دیویی: ۲۳۱/۷۶۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۸۵۲۸۸

## Destiny of the Chaotic World

**Author:** S.Jamaloddin Shams

**Published by:** Mo'allefan Publishing

**First edition:** July 2009

**Printed by:** Sepehr in 1000 copies

**Price:** 95000 IRR

**ISBN:** 978-600-90807-2-4

**All rights are reserved**

The author wishes to thank all those who played a role in the publication of this book:

S.M.Torabi for translation; Fazel Chubin for page and cover design; and S.Peyman Lajevardi for coordination.

**MPC**  
MOALLEFAN  
PUBLISHING CO.

قم، ص. پ ۱۲۸ - ۲۷۱۶۵ / فکس: ۲۸۵۸۵۵۲ - ۲۵۱ / تلفن: ۲ و ۲۸۵۸۵۵۱ - ۲۵۱  
P.O Box: 37165 - 138, Qom, Iran / Tel: (+98 251) 2858551 - 2 / Fax: (+98 251) 2858553

مولفان  
انتشارات

# *DESTINY OF THE CHAOTIC WORLD*

**S.Jamaloddin shams**

*ordered by*

**INTERNATIONAL INSTITUTE FOR  
CONVERGENCE OF CULTURES**